



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سفیدی‌اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

هفت
جلسه



واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت
«نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه»

دور اول بحث جدول جامعه

مندرجات:

۱. عناوین جلسات
۲. فهرست اجمالی
۳. فهرست تفصیلی
۴. متن اسناد پژوهشی

گروه پژوهش‌های تطبیقی

اردیبهشت ۱۳۸۶

◀ واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه



استاد:	حجة الاسلام والمسلمین صدوق	گروه تدوین:	حجة الاسلام موسوی موشح
تعداد:	۷ جلسه		حجة الاسلام روح الله صدوق
شروع دوره:	۱۳۸۶/۲/۱۰		حجة الاسلام احمد زیبایی نژاد
پایان دوره:	۱۳۸۶/۳/۲		حجة الاسلام گودرزی
تاریخ نشر:	۱۳۸۶/۱۲/۲۳		برادر علی رضا انجم شعاع
تایپ:	برادر رضایی		برادر محمد صادق حیدری
			برادر حامد یزدانی
			برادر رسول ساکی

E:\GROOH TATBIGH\TATBIGH\اجرا\گروه مدل برنامه\model\روش معادله\Gathered-Jame'e-D۱ ۸۶-۱۲-۲۳.doc



گروه پژوهش‌های تطبیقی

عناوین جلسات

۱. عنوان جلسه اول: ضرورت نیاز به؛ ① روش ② مواد ③ هدف در منطق
۲. عنوان جلسه دوم: کیفیت ساخت؛ ① صورتِ صورت (جدول نظام اصطلاحات)
② صورتِ ماده (جدول تعریف)
۳. عنوان جلسه سوم: تفاوت بین تعریف موضوع در ساخت و تعریف موضوع در تحلیل یک موضوع
۴. عنوان جلسه چهارم: اخذ «ولایت، تولی و تصرف» به جای «زمان، مکان و کارآیی» بعنوان مواد اولیه منطق
نظام ولایت در تحلیل از «ماده صورت»
۵. عنوان جلسه پنجم: تبیین تناظرسازی و صرف مفهوم و معرفی روش‌های به کارگرفته شده در دفتر برای این
منظور و تطبیق آن به موضوع جامعه
۶. عنوان جلسه ششم: قرار گرفتن «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» به عنوان مفاهیم پایه در تعریف جامعه و
چگونگی تولید «ابعاد، ارکان و اساس» از ضرب این سه مفهوم در هم
۷. عنوان جلسه هفتم: ① چگونگی منحل شدن جداول تعریف ۱، ۲ و ۳ در جدول تعریف صفر در قالب ۱۳
جدول و ② جایگاه و معانی هر کدام از ستون‌های جدول تعریف

فهرست اجمالی

جلسه اول

- ۱- ضرورت نیاز به ۱- روش ۲- مواد ۳- هدف در منطق ۱۹
- ۲- ضرورت نقد و نقض روشهای موجود در رسیدن به روش جدید [اسلامی] ۱۹
- ۳- بیان اجمالی نقد و نقض منطقهای صوری و سیستمی ۲۰
- ۴- ایجاد «نظام» منطقی در تحلیل روش، مواد و هدف در منطق نظام ولایت ۲۱

جلسه دوم

- مقدمه: ۲۷
۱. تحلیل جامعه‌شناختی از مسائل جامعه به عنوان موضوع فعالیت گروه مدل ۲۷
- اصل بحث: ۲۸
۱. ضرورت تبیین تخصصی از موضوع زیر ساختی گروه مدل در سه سطح منطق صوری، منطق مجموعه‌نگر و منطق نظام ولایت ۲۸
۲. کیفیت ساخت صورت و مواد در منطق صوری ۲۸
۳. کیفیت ساخت مواد و صورت در سه سطح کتابخانه‌ای، نظری و میدانی در منطق مجموعه‌نگر ۲۹
۴. چگونگی ساخت صورت در منطق نظام ولایت (مرحله اول: جدول نظام اصطلاحات) ۳۰
۵. چگونگی ساخت صورت در منطق نظام ولایت (مرحله دوم: جدول نظام تعاریف) ۳۶

جلسه سوم

- مقدمه: ضرورت تنظیم نظام سوالات بر اساس روند اصلی بحث ۴۵

پرسش و پاسخ:..... ۴۵

۱- تعریف مجموعه در منطق صوری و منطق مجموعه‌نگر..... ۴۵

۲- تحلیل از حرکت (در فلسفه نظام ولایت)، علت اخذ مبنای ۳ در منطق نظام ولایت..... ۴۶

۳- ۷۶۰۰ میلیارد وصف است یا موضوع؟..... ۴۶

۴- رابطه و نسبت میان منطق انتزاعی و مجموعه‌نگر با منطق تکاملی..... ۴۷

۵- رابطه جدول ۲۷ تایی با جدول تعریف - اختصاص مباحث مطرح شده در جلسه‌ی قبل به مباحث روشی..... ۴۸

۶- رابطه صورت، مواد و هدف..... ۴۸

۷- تعیین عنوان جلسه قبل به: ساخت روشی یک موضوع به ۲۷ خانه و تکثیر موضوعات تا ۷۶۰۰ میلیارد..... ۴۸

۸- تعیین حدّ منطقی مبنای ۳ (نظام ولایت) به ۷۶۰۰ میلیارد موضوع..... ۴۹

اصل بحث: کیفیت ساخت موضوع روشی و صورت‌بندی آن در نسیبیت عامّ منطقی..... ۵۳

۱- ضرب صورت، ماده و هدف و تکثیر آنها در جدول ۲۷ تایی..... ۵۳

۲- کیفیت ساخت موضوع روش و صورت‌بندی عینی آن در منطق مجموعه‌نگر به ملاحظه ربط بین امور..... ۵۳

۳- کیفیت ساخت روش و صورت‌بندی کمی آن در منطق‌های سه گانه..... ۵۵

۴- توضیح جداول پیوستی جدول نظام تعاریف..... ۵۹

۵- چگونگی تبدیل جداول نظام اصلاحات به جدول تحلیل و سپس به جدول نظام تعاریف..... ۶۰

۶- وحدت صورت، ماده و هدف در جدول تعاریف (وحدت سیر ساخت، تحلیل موضوع و شاخصه و کنترل آن)..... ۶۲

جلسه چهارم

۱. مروری بر مباحث جلسات گذشته..... ۶۹

۲. اخذ «ولایت، تولی و تصرف» به جای «زمان، مکان و کارایی» بعنوان مواد اولیه منطق نظام ولایت در تحلیل از «ماده

صورت»..... ۷۱

۳. تعریف «مواد مواد» به کیفیت جریان علم در دستگاه «ولایت تولی و تصرف» از طریق «تعلق به هدف، تطرق احتمال و

تحمل ابهام»..... ۷۵

۴. تعریف «مواد هدف» به ضرائب فنی برای حفظ توازن (حفظ موضوع انقلاب فرهنگی)..... ۷۵

۵. پرسش و پاسخ.....	۷۶
---------------------	----

جلسه پنجم

مقدمه: خلاصه‌ی مباحث گذشته.....	۸۳
۱- تناظرسازی: اولین گام برای رفتن از موضوع فلسفی به سوی یک موضوع خاص.....	۸۳
۲. ضرورت تعریف از «تعمیم، تخصیص، توزین» برای تعریف.....	۸۵
۳. به‌کارگیری روش تناظرسازی و صرف مفهوم در موضوع جامعه.....	۸۸

جلسه ششم

مقدمه:.....	۹۹
۱. پاسخ به سؤالات جلسه‌ی گذشته: قرارگیری سه عنوان «تعمیم، تخصیص و توزین» در بخش پژوهش نظری جدول روش تحقیق.....	۹۹
۲. خلاصه‌ی جلسه‌ی گذشته.....	۱۰۰
اصل بحث:.....	۱۰۱
۱. ضرورت متناظرسازی بعنوان اولین گام در تعریف یک موضوع.....	۱۰۱
۲. معنی کردن ضرب «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» در هم به «گرایش، بینش و دانش»، «توسعه، کلان و خرد»، «جهانی، بین‌المللی و ملی».....	۱۰۲
۳. جمع‌بندی.....	۱۰۹

جلسه هفتم

مقدمه: خلاصه جلسه گذشته: چگونگی صرف مفهوم جامعه در جدول تعریف «۱، ۲، ۳».....	۱۱۵
۱- چگونگی قرارگیری جداول تعریف «۱، ۲ و ۳» در جدول تعریف صفر.....	۱۱۸
۲- بیان جایگاه هر کدام از ستون‌ها در تعریف یک موضوع.....	۱۲۰
۳- بیان سه معنی از جایگاه توسعه در جدول تعریف (۱- نسبت به جدول شامل خود ۲- وزن کردن ۳- حرکت از تعریف به سمت معادله).....	۱۲۳

فهرست تفصیلی

جلسه اول

- ۱- ضرورت نیاز به ۱- روش ۲- مواد ۳- هدف در منطق ۱۹
- ۱-۱ منطق صوری: تحویل روش (صورت، نه ماده) ۱۹
- ۱-۲ تحویل روش و مواد (نه هدف) ۱۹
- ۱-۳ تحویل روش، مواد و هدف و هماهنگی آنها ۱۹
- ۲- ضرورت نقد و نقض روشهای موجود در رسیدن به روش جدید [اسلامی] ۱۹
- ۳- بیان اجمالی نقد و نقض منطقهای صوری و سیستمی ۲۰
- ۳-۱ بیان مکانیزم ساخت کارخانه عقلانیت منطق صوری به تعریف، تقسیم، برهان ۲۰
- ۳-۱/۱ تعریف و تقسیم، متکفل مواد در منطق صوری ۲۰
- ۳-۱/۲ برهان متکفل روش در منطق صوری ۲۰
- ۳-۱/۳ بیان طبقه‌بندی به عنوان هدف منطق صوری ۲۰
- ۳-۲ بیان مکانیزم ساخت کارخانه عقلانیت منطق مجموعه‌نگر به اصالت ترکیب ۲۰
- ۳-۲/۱ قائل نبودن به «حد» به عنوان بزرگترین ضعف منطق مجموعه‌نگری در روش ۲۰
- ۳-۲/۲ قائل نبودن به طبقه‌بندی اهداف و هدف غائی به عنوان بزرگترین ضعف منطق مجموعه‌نگری در مواد ۲۰
- ۲۱
- ۴- ایجاد «نظام» منطقی در تحلیل روش، مواد و هدف در منطق نظام ولایت ۲۱
- ۴-۱ نقل، علت وحدت روش و مواد ۲۱
- ۴-۲ بیان مکانیزیم حرکت عقلانی در منطق نظام ولایت به تعلق به هدف غایی، تطریق احتمال و تحمل ابهام ۲۱

جلسه دوم

- مقدمه: ۲۲

۱. تحلیل جامعه‌شناختی از مسائل جامعه به عنوان موضوع فعالیت گروه مدل ۲۷

۱/۱. تبیین آموزشی از اصول موضوعه‌های فلسفی، جامعه‌شناختی به عنوان موضوع بحث جاری و روند اجرایی آن ۲۷

اصل بحث: ۲۸

۱. ضرورت تبیین تخصصی از موضوع زیر ساختی گروه مدل در سه سطح منطق صوری، منطق مجموعه‌نگر و منطق

نظام ولایت..... ۲۸

۲. کیفیت ساخت صورت و مواد در منطق صوری ۲۸

۲/۱. ساخت صورت با روش سلب و ایجاب و تعمیم مواد به تعریف و تقسیم و برهان..... ۲۸

۳. کیفیت ساخت مواد و صورت در سه سطح کتابخانه‌ای، نظری و میدانی در منطق مجموعه‌نگر..... ۲۹

۳/۱. نیازمندی مادی، اساس در طرح سؤال تحقیق کتابخانه‌ای..... ۲۹

۳/۲. تبیین کیفیت گمانه در تحقیق نظری ۲۹

۳/۳. طراحی سیستم در تحقیق میدانی ۲۹

۳/۳/۱. کیفیت ساخت صورت بوسیله مدل ریاضی ۲۹

۳/۴. «شرایط آزمون» آخرین مرحله منطق مجموعه‌نگر ۲۹

۴. چگونگی ساخت صورت در منطق نظام ولایت (مرحله اول: جدول نظام اصطلاحات)..... ۳۰

۴/۱. گام اول: شکل‌گیری صرف و انعکاس مفاهیم در جدول نظام اصطلاحات..... ۳۰

۴/۱/۱. برقراری ارتباط خاص (سطر و ستون) میان ابعاد و اوصاف مفاهیم یک شیء..... ۳۰

۴/۱/۲. اصل بودن توسعه و حرکت در ملاحظه اوصاف مفاهیمی ۳۱

۴/۱/۲. اصل بودن صورت بندی برای اوصاف، نه اجزاء و نه متغیرها..... ۳۱

۴/۲. گام دوم: چگونگی صورت بندی سه وصفی ترکیبی در جدول نظام اصطلاحات..... ۳۱

۴/۲/۱. تفاوت میان صورت بندی سطری با ستونی در جدول اولیه نظام اصطلاحات..... ۳۲

۴/۲/۲. تفکیک مواد کمی از مواد وصفی در جدول اصطلاحات..... ۳۲

۴/۲/۳. چرایی انتخاب مبنای ۳ در صورت بندی جدول اولیه نظام اصطلاحات..... ۳۲

۴/۲/۴. تفاوت منطق صوری و منطق مجموعه‌نگر و منطق نظام ولایت در چگونگی صورت‌بندی..... ۳۳

۴/۳. چگونگی صورت بندی ۲۷-۸۱-۷۲۹ الی ۷۶۰۰ میلیاردی وصفی در جدول نظام اصطلاحات..... ۳۳

۴/۳/۱. پرسش و پاسخ پیرامون چرایی صورت بندی بر مبنای ۳ و نفی بی‌نهایت تکثیر در مدل ریاضی..... ۳۴

۵. چگونگی ساخت صورت در منطق نظام ولایت (مرحله دوم: جدول نظام تعاریف)..... ۳۶

- ۵/۱. نسبت مواد وصفی جدول به یکدیگر (توسعه، ساختار و کارآیی)..... ۳۶
- ۵/۲. نسبت کمی مواد جدول به یکدیگر..... ۳۷
- ۵/۳. توسعه به معنای حضور اثر موضوع مشمول در نظام شامل..... ۳۷
- ۵/۴. اکتفا به ربط اجمالی در ضرب و اضافه صورت بندی..... ۳۷
- ۵/۵. پرسش و پاسخ پیرامون معنای سهم تأثیر و وصف کل..... ۳۸

جلسه سوم

- مقدمه: ضرورت تنظیم نظام سوالات بر اساس روند اصلی بحث..... ۴۵
- پرسش و پاسخ:..... ۴۵
- ۱- تعریف مجموعه در منطق صوری و منطق مجموعه‌نگر..... ۴۵
- ۱/۱- تعلق مبنای ۲ به منطق صوری و رد آن..... ۴۶
- ۱/۲- رد مجموعه‌های تهی و یک عضوی و بی‌نهایت در منطق مجموعه‌نگری..... ۴۶
- ۲- تحلیل از حرکت (در فلسفه نظام ولایت)، علت اخذ مبنای ۳ در منطق نظام ولایت..... ۴۶
- ۳- ۷۶۰۰ میلیارد وصف است یا موضوع؟..... ۴۶
- ۴- رابطه و نسبت میان منطق انتزاعی و مجموعه‌نگر با منطق تکاملی..... ۴۷
- ۵- رابطه جدول ۲۷ تایی با جدول تعریف - اختصاص مباحث مطرح شده در جلسه قبل به مباحث روشی..... ۴۸
- ۶- رابطه صورت، مواد و هدف..... ۴۸
- ۷- تعیین عنوان جلسه قبل به: ساخت روشی یک موضوع به ۲۷ خانه و تکثیر موضوعات تا ۷۶۰۰ میلیارد..... ۴۸
- ۸- تعیین حد منطقی مبنای ۳ (نظام ولایت) به ۷۶۰۰ میلیارد موضوع..... ۴۹
- اصل بحث: کیفیت ساخت موضوع روشی و صورت‌بندی آن در نسیبیت عام منطقی..... ۵۳
- ۱- ضرب صورت، ماده و هدف و تکثیر آنها در جدول ۲۷ تایی..... ۵۳
- ۱/۱- کیفیت ساخت موضوع روش و صورت‌بندی کیفی آن در منطق صوری به قضیه‌سازی..... ۵۳
- ۱/۲- ضرورت تبعیت منطق صوری از منطق مجموعه‌نگر در ساخت ماده..... ۵۳
- ۲- کیفیت ساخت موضوع روش و صورت‌بندی عینی آن در منطق مجموعه‌نگر به ملاحظه ربط بین امور..... ۵۳
- ۲/۱- ملاحظه ارتباطات و وابستگی‌های کمی بعنوان اولین ملاحظه در منطق مجموعه‌نگر..... ۵۴
- ۲/۲- ملاحظه وابستگی‌های کیفی به عنوان دومین ملاحظه در منطق مجموعه‌نگر..... ۵۴

۲/۳- ملاحظه طبقه‌بندی وابستگی‌ها به عنوان سومین ملاحظه در منطق مجموعه‌نگر..... ۵۴
۳/۴- اشتراک منطق مجموعه‌نگر با منطق نظام ولایت در ملاحظه وابستگی‌ها و تفاوت آن‌ها در عدم ملاحظه
وحدت وابستگی‌ها در منطق مجموعه‌نگر..... ۵۴

۳- کیفیت ساخت روش و صورتبندی کمی آن در منطق‌های سه گانه..... ۵۵

۳/۱- برقراری نسبت تساوی کمی به روش سلب و ایجاب در منطق صوری..... ۵۵
۳/۲- عدم اکتفا نسبت به تساوی به روش سلب و ایجاب در منطق مجموعه‌نگر..... ۵۵
۳/۳- وابستگی توزینی (سه‌سه‌ای و محدود) اساس در دستگاه کمی و کیفی منطق نظام ولایت..... ۵۵
۳/۳/۱- چرایی انتخاب مبنای سه در نظام شمارش اعداد به چگونگی تحلیل از اختیار در فلسفه..... ۵۶
۳/۳/۲- حفظ وحدت مجموعه و ادامه حیات آن، علت اول در شمارش کمی به صورت ۴-۲-۱..... ۵۶
۳/۳/۳- وحدت نسبت، علت دوم در شمارش کمی به صورت ۴-۲-۱..... ۵۷
۳/۳/۴- وحدت نسبت، مفسیر شیب مجموعه..... ۵۷

۴- توضیح جداول پیوستی جدول نظام تعاریف..... ۵۹

۴/۱- قرار دادن گمانه‌های تعریفی (مفاهیم پایه در صرف مفهوم) در جداول سه‌تایی..... ۵۹
۴/۲- قرار دادن ضرب متغیرهای اصلی، فرعی و تبعی در یک‌دیگر در جدول ۹ تایی..... ۵۹
۴/۳- کیفیت شکل‌گیری یک موضوع در جدول ۲۷ تایی..... ۵۹
۴/۴- تفاوت جدول نظام اصطلاحات با جدول تکثیر اصطلاحات..... ۵۹
۴/۵- چگونگی تکثیر و صرف مفهوم اصطلاحات در جداول ۳-۹-۲۷ تایی..... ۵۹

۵- چگونگی تبدیل جداول نظام اصلاحات به جدول تحلیل و سپس به جدول نظام تعاریف..... ۶۰

۶- وحدت صورت، ماده و هدف در جدول تعاریف (وحدت سیر ساخت، تحلیل موضوع و شاخص و کنترل آن)..... ۶۲

۶/۱- ملاحظه سیر وحدت به کثرت و بالعکس در ساخت جدول تعریف..... ۶۲
۶/۲- ضرورت ملاحظه سیر ساخت و سیر بکارگیری جدول تعریف (تقوم چگونگی صورت‌بندی و عملیات
توزین و اولویت‌بندی در جدول تعریف..... ۶۳

جلسه چهارم

۱. مروری بر مباحث جلسات گذشته..... ۶۹

۱/۱. صورت و ماده منطق انتزاعی و مجموعه‌نگر..... ۶۹
۱/۲. قاعده‌مندسازی «صورت، ماده و هدف» در منطق تکاملی نظام ولایت..... ۶۹
۱/۲/۱. تعریف «صورت صورت» به چگونگی تکثیر اصطلاحات و حدّ منطق نظام ولایت..... ۶۹
۱/۲/۲- تعریف «صورت ماده» به کیفیت تجزیه و تحلیل کردن یک موضوع در جدول تعریف..... ۷۰

۱/۲/۳. تعریف «صورت هدف» به اولویت بندی، وزن دادن و تغییر نظام ارزشی حاکم بر موضوعات ۷۱

۲. اخذ «ولایت، تولی و تصرف» به جای «زمان، مکان و کارایی» بعنوان مواد اولیه منطق نظام ولایت در تحلیل از «ماده

صورت» ۷۱

۲/۱- احتمال اول از ضرب ولایت، تولی و تصرف در هم ۷۲

۲/۱/۱- تعریف ولایت ولایت به «ظرفیت»، ولایت تولی به «جهت» و ولایت تصرف به «عاملیت» ۷۲

۲/۱/۲- تعریف تولی ولایت به «محوری»، تولی تولی به «تصرفی» و تولی تصرف به «تبعی» ۷۲

۲/۱/۳. تعریف «تصرف ولایت» به هماهنگی، «تصرف تولی» به وسیله و «تصرف تصرف» به زمینه ۷۲

۲/۲- احتمال دوم: وجود سه حیث در ضرب ولایت، تولی و تصرف در هم (از سه حیث فلسفی، روشی و

مصادیقی) ۷۲

۲/۲/۱- حیثیت فلسفی در ضرب ولایت، تولی و تصرف در هم ۷۳

۲/۲/۱/۱- تعریف «ولایت ولایت، ولایت تولی و ولایت تصرف» به «وحدت، کثرت و نسبت بین آنها» ۷۳

۲/۲/۱/۲- تعریف «تولی ولایت، تولی تولی و تولی تصرف» به «زمان، مکان و نسبت بین آنها» ۷۳

۲/۲/۱/۲/۱- تعریف زمان به زمان تولی (زمان تغییرات خواست‌ها) ۷۳

۲/۲/۲- حیثیت روشی در ضرب «ولایت، تولی و تصرف» در هم و ایجاد مفاهیم «ظرفیت، جهت، عاملیت»،

«محوری، تصرفی، تبعی»، «هماهنگی، وسیله و زمینه» ۷۴

۲/۲/۳- حیثیت مصادیقی ضرب «ولایت، تولی و تصرف» در هم (زیر ساخت بحث روش تحقیق) ۷۴

۲/۲/۳/۱- تعریف «ولایت ولایت، ولایت تولی، ولایت تصرف» به «تکوین، تاریخ و جامعه» ۷۴

۲/۲/۳/۲- جایگزینی حجیت، معادله و مدل به جای ولایت، تولی و تصرف در تحلیل تولی ولایت، تولی تولی

و تولی تصرف ۷۴

۲/۲/۳/۳- تعریف «تصرف ولایت، تصرف تولی و تصرف تصرف» به «گمانه، گزینش و پردازش» ۷۴

۲/۲/۱/۳- تعریف تصرف ولایت، تصرف تولی و تصرف تصرف به اختیار، آگاهی و نسبت بین آنها ۷۴

۳. تعریف «مواد مواد» به کیفیت جریان علم در دستگاه «ولایت تولی و تصرف» از طریق «تعلق به هدف، تطرق احتمال و

تحمل ابهام» ۷۵

۴. تعریف «مواد هدف» به ضرائب فنی برای حفظ توازن (حفظ موضوع انقلاب فرهنگی) ۷۵

۵. پرسش و پاسخ ۷۶

۵/۱- قرار گیری مواد صورت، مواد مواد و مواد هدف بعنوان زیر ساخت صرف مفهوم ۷۶

۵/۲- قرارگیری صورت، ماده و هدف بعنوان تقسیمات عام روش تحقیق منطق تکاملی ۷۶

۵/۳- ضرورت تطبیق جدول جامعه با آخرین مباحث مرحوم استاد و قرار دادن آن در جدول تعریف ۷۷

مقدمه: خلاصه‌ی مباحث گذشته..... ۸۳

۱- تناظرسازی: اولین گام برای رفتن از موضوع فلسفی به سوی یک موضوع خاص..... ۸۳

۱/۱. سیر تاریخی تناظر سازیهای صورت گرفته در دفتر فرهنگستان..... ۸۴

۱/۲. بیان سه سطح از تناظر سازی (انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی)..... ۸۴

۱/۲/۱. تعریف تناظر سازی انتزاعی بر اساس تعریف شی به ضد..... ۸۴

۱/۲/۳. تعریف تناظر سازی تکاملی بر اساس تعریف شی به جهت (نظام)..... ۸۴

۲. ضرورت تعریف از «تعمیم، تخصیص، توزین» برای تعریف..... ۸۵

۲/۱. ضرورت تبیین معنای «صرف مفهوم» برای نوشته شدن سه مفهوم فوق..... ۸۵

۲/۱/۱. بیان تمثیلی از صرف مفهوم با تعریف مداد..... ۸۵

۲/۱/۲. جهت دار بودن صرف مفهوم به معنای حضور فلسفه تاریخ در تعریف..... ۸۶

۲/۱/۳. بیان اجمالی کیفیت تأثیر سه دیدگاه فلسفه تاریخ «مارکسیسم، غرب و فرهنگستان» بر چگونگی تعریف..... ۸۶

۲/۲. تعریف سازمان «صرف مفهوم» به «وصف و موصوف»، «مضاف و مضاف‌الیه» و «نظام شاخصه» در یک پدیده..... ۸۶

نظام‌مند..... ۸۶

۲/۲/۱. محور بودن «اعراض و اوصاف» در روش تعریف منطق تکاملی به جای «ذات شیء»..... ۸۶

۲/۲/۲. پیدایش ترکیب «وصف و موصوف» به دلیل مرکب بودن اوصاف به معنای حضور «نسبیت» در اوصاف..... ۸۷

شیء..... ۸۷

۲/۲/۳. پیدایش ترکیب «مضاف و مضاف‌الیه» برای ملاحظه بخش‌های درونی یک نظام..... ۸۷

۲/۲/۴. پیدایش «نظام شاخصه» به معنای گردش عملیات ابزار کنترل رفتارهای عینی..... ۸۷

۳. به‌کارگیری روش تناظرسازی و صرف مفهوم در موضوع جامعه..... ۸۸

۳/۱. تناظرسازی بر اساس ممارست و بدون قاعده‌مندی به عنوان اولین روش به کار رفته در دفتر برای تناظرسازی..... ۸۸

۳/۲. تعریف جامعه به «نظام حساسیت‌های اجتماعی» بر اساس تناظرسازی مبتنی بر ممارست..... ۸۸

۳/۳. بیان سه جامعه «اقتصادمحور، فرهنگ‌محور و سیاست‌محور» به عنوان سه احتمال در پیدایش جامعه حول..... ۸۹

معنای اصالت اختیار..... ۸۹

۳/۳/۱. پایدارتر بودن جامعه «سیاست‌محور» نسبت به انواع دیگر جامعه به دلیل قدرت انگیزه در هدایت اختیار..... ۹۰

۳/۳/۲. عدم انحصار «سیاست‌محوری» در جامعه الهی به دلیل وقوع آن در نظام‌های غیراسلامی..... ۹۱

۳/۴. معادل‌سازی «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» برای حدّ اولیه فلسفی «ولایت، تولّی و تصرف» در موضوع جامعه بدون انجام ضرب، به عنوان اولین روش در عملیات تناظرسازی..... ۹۱

جلسه ششم

مقدمه:..... ۹۹

۱. پاسخ به سؤالات جلسہ‌ی گذشته: قرارگیری سه عنوان «تعمیم، تخصیص و توزین» در بخش پژوهش نظری جدول

روش تحقیق..... ۹۹

۲. خلاصه‌ی جلسہ‌ی گذشته..... ۱۰۰

اصل بحث:..... ۱۰۱

۱. ضرورت متناظرسازی بعنوان اولین گام در تعریف یک موضوع..... ۱۰۱

۱/۱. قرار گرفتن «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» بعنوان مفاهیم پایه در تعریف جامعه..... ۱۰۱

۲. معنی کردن ضرب «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» در هم به «گرایش، بینش و دانش»، «توسعه، کلان و خرد»، «جهانی،

بین‌المللی و ملی»..... ۱۰۲

۲/۱. قرارگیری ۹ عنوان بدست آمده از ضرب «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» بعنوان ابعاد (زیر ساخت) جامعه... ۱۰۲

۱/۲/۱. قرارگیری ابعاد بعنوان اوصاف اصلی (فرهنگ، فلسفه و زیر ساخت) جامعه..... ۱۰۴

۱/۲/۲. قرارگیری «مبنا، موضوع و مقیاس» بعنوان عناوین فرعی جامعه..... ۱۰۵

۱/۲/۳. قرارگیری زیر ساخت جامعه بعنوان نسبت‌های بیرونی جدول جامعه..... ۱۰۵

۲/۲. ضرب ۹ عنوان ابعاد در یکدیگر و تولید ۲۷ عنوان ارکان..... ۱۰۵

۲/۳. چگونگی ایجاد وحدت اساس جامعه..... ۱۰۷

۳. جمع‌بندی..... ۱۰۹

جلسه هفتم

مقدمه: خلاصه جلسه گذشته: چگونگی صرف مفهوم جامعه در جدول تعریف «۱، ۲، ۳»..... ۱۱۵

۱- چگونگی قرارگیری جداول تعریف «۱، ۲ و ۳» در جدول تعریف صفر..... ۱۱۸

۱/۱- چگونگی قرارگیری ستون مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف جداول «۱، ۲ و ۳» در جدول تعریف صفر..... ۱۱۹

۱/۲- چگونگی قرارگیری ستون‌های کلان هر سه جدول در ستون تبعی جدول صفر..... ۱۱۹

۱/۳- چگونگی قرارگیری ستون‌های توسعه و اصلی جداول «۱، ۲ و ۳» در ستون کلان و فرعی جدول صفر.. ۱۱۹

۲- بیان جایگاه هر کدام از ستون‌ها در تعریف یک موضوع..... ۱۲۰

۲/۱- قرارگیری عناوین «خُرد، کلان و توسعه» بعنوان شاخصه‌های عناوین «تبعی، فرعی و اصلی»..... ۱۲۰

۲/۱/۱- قرارگیری ستون‌های تبعی بعنوان موضوعات گردش عملیات در موضوع مورد بررسی..... ۱۲۰

۲/۱/۲- قرارگیری عناوین فرعی بعنوان عناوین مدیریت در موضوع مورد بررسی..... ۱۲۱

۲/۱/۳- قرارگیری موضوعات اصلی بعنوان اوصاف آبرومندی «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» یک مجموعه..... ۱۲۱

۲/۲- قرارگیری عناوین «خُرد، کلان و توسعه» بعنوان شاخصه‌های ارزشی موضوعات «اصلی، فرعی و تبعی».. ۱۲۲

۳- بیان سه معنی از جایگاه توسعه در جدول تعریف (۱- نسبت به جدول شامل خود ۲- وزن کردن ۳- حرکت از تعریف

به سمت معادله)..... ۱۲۳

جلسه
اول



واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت
«نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه»

عنوان جلسه:

ضرورت نیاز به ۱- روش ۲- مواد ۳- هدف در منطق

گروه پژوهش‌های تطبیقی

اردیبهشت ۱۳۸۶

◀ واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه



استاد:	حجة الاسلام والمسلمین صدوق	پیاده:	حجت الاسلام گودرزی
جلسه:	۱	ویراست:	برادر محمد صادق حیدری
تاریخ جلسه:	۱۳۸۶/۲/۱۰	تایپ:	برادر رضایی
تاریخ نشر:	۱۳۸۶/۲/۱۸	فهرست:	حجة الاسلام روح الله صدوق

D:\GROOH TATBIGH\TATBIGH\معادله\روش معادله\jalase ۱.doc اجرا گروه مدل برنامه‌پیش نیازهای مدل در بحث روش تعریف و روش معادله



گروه پژوهش‌های تطبیقی

فهرست تفصیلی

۱- ضرورت نیاز به ۱- روش ۲- مواد ۳- هدف در منطق.....	۱۹
۱-۱- منطق صوری: تحویل روش (صورت، نه ماده).....	۱۹
۱-۲- تحویل روش و مواد (نه هدف).....	۱۹
۱-۳- تحویل روش، مواد و هدف و هماهنگی آنها.....	۱۹
۲- ضرورت نقد و نقض روشهای موجود در رسیدن به روش جدید [اسلامی].....	۱۹
۳- بیان اجمالی نقد و نقض منطقهای صوری و سیستمی.....	۲۰
۳-۱- بیان مکانیزم ساخت کارخانه عقلانیت منطق صوری به تعریف، تقسیم، برهان.....	۲۰
۳-۱/۱- تعریف و تقسیم، متکفل مواد در منطق صوری.....	۲۰
۳-۱/۲- برهان متکفل روش در منطق صوری.....	۲۰
۳-۱/۳- بیان طبقه‌بندی به عنوان هدف منطق صوری.....	۲۰
۳-۲- بیان مکانیزم ساخت کارخانه عقلانیت منطق مجموعه‌نگر به اصالت ترکیب.....	۲۰
۳-۲/۱- قائل نبودن به «حد» به عنوان بزرگترین ضعف منطق مجموعه‌نگری در روش.....	۲۰
۳-۲/۲- قائل نبودن به طبقه‌بندی اهداف و هدف غائی به عنوان بزرگترین ضعف منطق مجموعه‌نگری در مواد.....	۲۰
۲۱.....	
۴- ایجاد «نظام» منطقی در تحلیل روش، مواد و هدف در منطق نظام ولایت.....	۲۱
۴-۱- نقل، علت وحدت روش و مواد.....	۲۱
۴-۲- بیان مکانیزم حرکت عقلانی در منطق نظام ولایت به تعلق به هدف غایی، تطبیق احتمال و تحمل ابهام.....	۲۱

بسمه تعالی

۱- ضرورت نیاز به ۱- روش ۲- مواد ۳- هدف در منطق

حجت الاسلام و المسلمین صدوق: الان تقسیم کردیم که در منطق:

یک روش، یک مواد و یک هدف داریم.

۱/۱- منطق صوری: تحویل روش (صورت، نه ماده)

منطق صوری می‌گوید من منطق روش هستم و کاری به مواد ندارم و در آخر هم به صورت غیر قاعده‌مند مواد را طبقه‌بندی می‌کند. [اما] نباید [در این موضوع] حاضر می‌شده است [زیرا] بنا به ادعای خودش متکفل مواد نبوده است، اما هم مواد را طبقه‌بندی نموده است و هم مواد خودش را خودش تولید کرده که این سوال‌های ما از منطق صوری است.

۱/۲- تحویل روش و مواد (نه هدف)

منطق مجموعه‌نگری، متکفل مواد است. روش تحقیق و روش سیستمی مدعی است که می‌تواند هم صورت و هم ماده را پاسخ دهد.

۱/۳- تحویل روش، مواد و هدف و هماهنگی آنها

منطق شما [منطق نظام ولایت] منطقی است که می‌گوید هم صورت، هم ماده و هم هدف [را می‌توانم عهده‌دار شوم]. هر سه متقوم به یکدیگر است. «روش، مواد، هدف»، هر سه را باید با هم هماهنگ کنید. بحث جهت که در منطق دفتر [فرهنگستان] مطرح می‌شود، به همین خاطر است.

خوب حالا در این بحث (جامعه‌شناسی) به اینکه هدفش چه بوده است کاری نداریم، همین‌طور به اینکه چگونه باید قاعده‌مند کنیم هم فعلاً کاری نداریم، بحث روش و مواد می‌ماند.

۲- ضرورت نقد و نقض روشهای موجود در رسیدن به روش جدید [اسلامی]

روش و مواد در دفتر چگونه تولید می‌شود؟ روش، [روش] منطق صوری نیست. وقتی می‌خواهید یک چیزی را تعریف کنید، [روش مطرح می‌شود]. چه کسی می‌خواهد تعریف کند؟ یادتان نرود و همیشه حواستان به حد اولیه‌تان باشد که نگویید که ما چرا منطق و فلسفه می‌خوانیم؟ می‌خواهیم عقلمان را منضبط کنیم، یا مجبوریم به انضباط‌هایی که درست شده است تن بدهیم- [مانند] تعریف، تقسیم، برهان که منطق امروز را به این تقسیم کردیم- یا اینکه باید همین را درست کنیم. منطق دانشگاه هم به همین شکل است، او می‌گوید علاوه بر برهان و جریان علیت در برهان، من متکفل مواد هم هستم. باید تکلیف این دو تا را روشن کنیم، یعنی اگر لا اله نگویند الا الله نمی‌آید، [این منطق‌ها] یا طاغوت است یا اینکه درست است. اینها را ساخته‌اند که عقل [بوسیله آن] براند، خود عقل هم این [منطق] را ساخته است. [لذا] نمی‌شود نسبت به آن بی تفاوت باشید مانند تمدن. تا شما تکلیف این تمدن را روشن نکنید، نمی‌توانید تمدن دینی

درست کنید، تا زمانی که مانند حضرت ابراهیم «علیه السلام» تبر را بلند نکنید و این بت‌ها را نشکنید خبری از خداشناسی نخواهد بود. در این دنیا اینطور است.

در سال ۶۱، ۶۲ نیز این سید بزرگوار - که ما در آن جلسات هیچ چیزی نمی‌فهمیدیم. چند روز پیش آقازاده ایشان را دیدم و ایشان گفتند: گفته‌اند فلان بحث را نمی‌فهمیم. گفتم: ما هم در اولین جلساتی که خدمت ابوی شما بودیم نمی‌فهمیدیم، فقط یک جمله‌ای ایشان را [در پایان آن جلسات] فهمیدم - در آخرین جلسه که دوره تمام شده بود و همه داشتند سر کارهایشان می‌رفتند بلند شد و فرمود: من با تاسی به اجدادم حضرت ابراهیم «علیه السلام» تبر را بلند می‌کنم و تمام تعاریف و معادلات روز را می‌شکنم. [تازه این اتفاق و صحبت در زمانی بود که] هنوز هیچ چیزی تولید نشده بود. در راه تولید اینها بودند که در همان اول ایستادند و گفتند من بت‌شکن هستم و واقعاً بت را هم شکستند، من این یک جمله را خوب فهمیدم.

۳- بیان اجمالی نقد و نقض منطق‌های صوری و سیستمی

۳/۱- بیان مکانیزم ساخت کارخانه عقلانیت منطق صوری به تعریف، تقسیم، برهان

۳/۱/۱- تعریف و تقسیم، متکفل مواد در منطق صوری

خوب حالا در منطق صوری چه کاری [انجام می‌شود]؟ از انتزاع شروع می‌کنند. موادی که درست می‌کنند «جنس الاجناس، نوع الانواع و فصل» است. در تعریف [می‌گویند] جامع و مانع باشد. در تقسیم هم یک حیث می‌گذارند، مقسم می‌گذارند و حکم را با سلب و ایجاب درست می‌کنند مانند «هست» و «نیست». «مواد» را از وجه اشتراک‌گیری و اختلاف‌گیری درست می‌کنند و «حکم» را با سلب و ایجاب و «بود و نبود» درست می‌کنند.

۳/۱/۲- برهان متکفل روش در منطق صوری

با این دو تا قضیه درست می‌کنند و بعد برای قضایا برهان و قیاس درست می‌کنند، یعنی ترکیب درست می‌کنند. خوب این کاری است که منطق صوری انجام می‌دهد، مکانیزم ساخت کارخانه عقلانیت انتزاعی، تقسیم و تعریف و برهان است که بحث‌های این انجام شده است.

۳/۱/۳- بیان طبقه‌بندی به عنوان هدف منطق صوری

نتیجه اینکه این منطق فقط به درد طبقه‌بندی می‌خورد، ضعف‌ها و نقص‌هایش را هم گفته‌ایم. صحبت از هدف‌گذاری هم نمی‌کند ولی ما هدف‌گذاری را در آن نشان داده‌ایم و گفتیم هدف‌گذاری در این منطق، طبقه‌بندی است و هیچ خاصیت دیگری [مثل] ارتباط به حقایق عالم و کشف واقع و تطابق از این منطق بیرون نمی‌آید. احتمالاً بشود به آنها نسبت بدهیم که کشف واقعیت را هدف‌گذاری کرده‌اند. ما این را نقد کرده‌ایم و گفته‌ایم هدف دیگری دارد. می‌خواهم بگویم که تحت یک سرفصل، هدف‌گذاری را نگفته‌اند ولی بحث را گفته‌اند.

۳/۲- بیان مکانیزم ساخت کارخانه عقلانیت منطق مجموعه‌نگر به اصالت ترکیب

۳/۲/۱- قائل نبودن به «حد» به عنوان بزرگترین ضعف منطق مجموعه‌نگری در روش

در منطق مجموعه‌نگری از نظر روش، قائل به «حد» نیستند یعنی برای یک سیستم و یک مجموعه - که نمی‌خواهند یک موضوع را به صورت منفرد ببینند و چه یک حیثیت را جدا جدا ببینند - ترکیب را مطرح می‌کنند و

می‌گویند ترکیب، اصل است. پایه ترکیب را قرار می‌دهند که به «سیستم» می‌رسند. آنوقت در آنجا برای ترکیب و سیستم «حد» قائل نیستند که این بزرگ‌ترین ضعف‌شان از نظر روشی است. از نظر ریاضی حد قائل نیستند، یعنی در یک مجموعه، بی‌نهایت جزء، عضو، بعد و یا هر اسم دیگر می‌تواند وجود داشته باشد و این غلط است.

۳/۲/۲- قائل نبودن به طبقه‌بندی اهداف و هدف غائی به عنوان بزرگ‌ترین ضعف منطق مجموعه‌نگری در مواد

از نظر ماده، انسجام مواد به یک تئوری واحد بر نمی‌گردد. یعنی نمی‌توانند یک نسبت واحد و یک ماده واحد را بر مادی که در یک سیستم یا مجموعه سیستم‌هاست؛ حاکم کنند که این هم اشکال بر موادشان است. در اهدافشان هم همین طور است، [زیرا] هدف را درون سیستم تعریف می‌کنند لذا احتیاج به طبقه‌بندی اهداف و هدف غایی حاکم بر اهداف را هم قائل نیستند. آنها هم مانند منطق صوری بحثی از هدف نمی‌کنند، اما این گونه نیست که از لوازم حرفشان استخراج نشود.

۴- ایجاد «نظام» منطقی در تحلیل روش، مواد و هدف در منطق نظام ولایت

اما منطق نظام ولایت هم در روش خودش دارای حد است که هم قیود وهم اوصاف و هم موضوعات را تا هفت هزار و ششصد میلیارد به صورت سه تایی تحلیل می‌کند و هم از نظر مواد، حد «ولایت، تولی، تصرف» تئوری عام حرکت می‌شود که بر همه مواد حکومت می‌کند و از جهت اهداف نیز، آنها را طبقه‌بندی می‌کند. لذا نقطه قوت منطق سیستمی نسبت به منطق انتزاعی این بود که ترکیب را اصل قرار داد و ضعف‌هایش نسبت به منطق نظام ولایت [هم گفته شد]. به همین دلیل منطق ما می‌تواند «روش، مواد، هدف» را در فاعلیت ببیند، [یعنی] در یک حد اولیه متناظر «ولایت، تولی، تصرف» ببیند می‌تواند [روش، مواد، هدف را] به وحدت برساند یعنی این سه از یکدیگر قابل تفکیک نیست که بگوییم سه تا منطق داریم، بلکه «نظام» منطقی است که می‌تواند به وحدت برساند. چرا؟!

۴/۱- نقل، علت وحدت روش و مواد

به خاطر این که توانسته است به یک فلسفه واحد تولی پیدا کند، توانسته است در یک پیش‌فرض‌های اولیه عقلانی، تعبد را جریان دهد و وحدت جهت که تعبد باشد [را مطرح کرده است و] برای خودش، قبله تعیین کرده است. آن قبله‌ای که در عقلانیت تعیین کرده و علت وحدتش شده است؛ «نقل» است [یعنی] عقلانیت وحی که قرآن و روایات است و به نظر ما می‌آید این کلمات با صاحبش حضور دارد و صامت نیست، آنطور که آقای سروش می‌فرمایند.

حجت الاسلام علی کشوری: یعنی کلمات، ابزار تصرف صاحبش می‌باشد.

۴/۲- بیان مکانیزم حرکت عقلانی در منطق نظام ولایت به تعلق به هدف غایی، تطریق احتمال و تحمل ابهام.

ج: بله. آنوقت در آن هم توسل لازم است، هم خود نقل لازم است و هم استمداد از خدای متعال برای فهمش لازم است. چگونه روش، مواد، هدف را به وحدت می‌رسانیم؟! به وسیله قبله گذاشتن برای حرکت عقلانیت که این به «تعلق به هدف غایی، تطریق احتمالات، تحمل ابهام» تقسیم می‌شود. عرفان «روش، مواد، هدف»، تعلق به آخرت و به تبع آن تطریق احتمالات (گمانه‌زنی) و تحمل ابهام در عینیت یعنی تکلیف می‌باشد. بعد از اینکه همه اینها را گفتیم، آخر سر مقابل نظام مشیت الهی هستید که خیلی چیزها برای شما معلوم نیست. باید تسلیم باشید تا دست‌تان را بگیرند و جلو ببرند. همانطور که در عینیت باید صبور باشید و دست خدا را در جریانات امور می‌بینید، دست خدای متعال را باید در تطریق احتمالات هم باید ببینید که به این تحمل ابهام می‌گویند.

حجت الاسلام زیبایی: چرا شما به تحمل ابهام، قید عینیت می‌زنید؟

ج: یعنی عینیت عقلانی. عینیت عقلانی، ابهام و اجمال است.

س: یعنی در عقلانی محض شما تحمل ابهام ندارید؟

ج: نه! تحمل یک امر اخلاقی است که ضرب در سوالاتی که مطرح می‌شود، شد. [البته] این حرف را هم آنها [منطق سیستمی] می‌زنند. هر چقدر در بحث منطق سیستمی جلو می‌روند دائم می‌گویند ما به آخر خط نرسیده‌ایم، ولی یک دروغ پشت [این حرف] است. چون او به علت اینکه مبنای واحد ندارد، از آن جهت نمی‌گوید بلکه تلون از آن در می‌آید و اخلاق از آن در نمی‌آید. اخلاق پژوهشی در نمی‌آید، بلکه اخلاق رذیله در پژوهش‌شان در می‌آید. خوب این اجمال قضیه بود.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

جلسه
دوم



واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت
«نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه»

عنوان جلسه: کیفیت ساخت:

۱. صورتِ صورت (جدول نظام اصطلاحات)

۲. صورتِ ماده (جدول تعریف)

گروه پژوهش‌های تطبیقی

اردیبهشت ۱۳۸۶

◀ واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه



استاد:	حجة الاسلام والمسلمین صدوق	پیاده:	برادران: حیدری، ساکی و یزدانی
جلسه:	۲	ویراست:	برادران: حیدری، یزدانی و موشح
تاریخ جلسه:	۱۳۸۶/۲/۱۵	تایپ:	برادر رضایی
تاریخ نشر:	۱۳۸۶/۲/۱۶	فهرست:	برادر علی‌رضا انجم‌شعاع

D:\GROOH TATBIGH\TATBIGH\معادله\روش تعریف و روش معادله\jalase ۲.doc اجرا اگره مدل برنامه\پیش نیازهای مدل در بحث روش تعریف و روش معادله



گروه پژوهش‌های تطبیقی

فهرست تفصیلی

مقدمه:	۲۷
۱. تحلیل جامعه‌شناختی از مسائل جامعه به عنوان موضوع فعالیت گروه مدل	۲۷
۱/۱. تبیین آموزشی از اصول موضوعه‌های فلسفی، جامعه‌شناختی به عنوان موضوع بحث جاری و روند اجرایی آن	۲۷
اصل بحث	۲۸
۱. ضرورت تبیین تخصصی از موضوع زیر ساختی گروه مدل در سه سطح منطق صوری، منطق مجموعه‌نگر و منطق نظام ولایت	۲۸
۲. کیفیت ساخت صورت و مواد در منطق صوری	۲۸
۲/۱. ساخت صورت با روش سلب و ایجاب و تعمیم مواد به تعریف و تقسیم و برهان	۲۸
۳. کیفیت ساخت مواد و صورت در سه سطح کتابخانه‌ای، نظری و میدانی در منطق مجموعه‌نگر	۲۹
۳/۱. نیازمندی مادی، اساس در طرح سؤال تحقیق کتابخانه‌ای	۲۹
۳/۲. تبیین کیفیت گمانه در تحقیق نظری	۲۹
۳/۳. طراحی سیستم در تحقیق میدانی	۲۹
۳/۳/۱. کیفیت ساخت صورت بوسیله مدل ریاضی	۲۹
۳/۴. «شرایط آزمون» آخرین مرحله منطق مجموعه‌نگر	۲۹
۴. چگونگی ساخت صورت در منطق نظام ولایت (مرحله اول: جدول نظام اصطلاحات)	۳۰
۴/۱. گام اول: شکل‌گیری صرف و انعکاس مفاهیم در جدول نظام اصطلاحات	۳۰

- ۴/۱/۱. برقراری ارتباط خاص (سطر و ستون) میان ابعاد و اوصاف مفاهیم یک شیء..... ۳۰
- ۴/۱/۲. اصل بودن توسعه و حرکت در ملاحظه اوصاف مفاهیمی ۳۱
- ۴/۱/۲. اصل بودن صورت بندی برای اوصاف، نه اجزاء و نه متغیرها..... ۳۱
- ۴/۲. گام دوم: چگونگی صورت بندی سه وصفی ترکیبی در جدول نظام اصطلاحات..... ۳۱
- ۴/۲/۱. تفاوت میان صورت بندی سطری با ستونی در جدول اولیه نظام اصطلاحات..... ۳۲
- ۴/۲/۲. تفکیک مواد کمی از مواد وصفی در جدول اصطلاحات..... ۳۲
- ۴/۲/۳. چرایی انتخاب مبنای ۳ در صورت بندی جدول اولیه نظام اصطلاحات..... ۳۲
- ۴/۲/۴. تفاوت منطق صوری و منطق مجموعه‌نگر و منطق نظام ولایت در چگونگی صورت‌بندی..... ۳۳
- ۴/۳. چگونگی صورت بندی ۲۷-۸۱-۷۲۹ الی ۷۶۰۰ میلیاردی وصفی در جدول نظام اصطلاحات..... ۳۳
- ۴/۳/۱. پرسش و پاسخ پیرامون چرایی صورت بندی بر مبنای ۳ و نفی بی‌نهایت تکثیر در مدل ریاضی..... ۳۴
- ۵. چگونگی ساخت صورت در منطق نظام ولایت (مرحله دوم: جدول نظام تعاریف)..... ۳۶**
- ۵/۱. نسبت مواد وصفی جدول به یکدیگر (توسعه، ساختار و کارایی)..... ۳۶
- ۵/۲. نسبت کمی مواد جدول به یکدیگر..... ۳۷
- ۵/۳. توسعه به معنای حضور اثر موضوع مشمول در نظام شامل..... ۳۷
- ۵/۴. اکتفا به ربط اجمالی در ضرب و اضافه صورت بندی..... ۳۷
- ۵/۵. پرسش و پاسخ پیرامون معنای سهم تأثیر و وصف کل..... ۳۸

۱. تحلیل جامعه‌شناختی از مسائل جامعه به عنوان موضوع فعالیت گروه مدل

جلسه قبل به این جمع‌بندی رسیدیم که این مجموعه بحثی که بدست دوستان است، دارای ضعف و خلل‌هایی است، هم به جهت تدوینی بودن آن و هم به این جهت که ۴ جلسه نوار بوده است و خیلی فشرده است و بعد هم یکی از برادرها این را تنظیم کرده است. یعنی بحث‌های مبسوط حاج آقای حسینی احتیاج به فکر کردن دارد چه برسد به چنین چیزی [که خلاصه است]. محدودیتی هم که داریم [این است که] موضوع کار مدل، بحث ورود به عینیت و تحلیل از مسائل جامعه است و این تحلیل، تحلیل جامعه‌شناختی است.

۱/۱. تبیین آموزشی از اصول موضوعه‌های فلسفی، جامعه‌شناختی به عنوان موضوع بحث جاری و روند اجرایی آن

بنا به مباحث حاج آقای حسینی زیرساختی‌ترین بحث برای ورود به عینیت، بحث جامعه‌شناختی است و منطقی‌ترین راه این است که در تأسیس گروه مدل، پیش‌فرض اولیه این باشد که یک سری اصول موضوعه از فلسفه جامعه‌شناسی برای دوستان گفته شود (به عنوان اصل موضوعه و پیش‌فرض) و بعد وارد بحث جدول جامعه بشویم. آن وقت تنها سندی که در توضیح جدول جامعه داریم، این بحث^۱ و آن ۵ جلسه است. بنابراین به نظر می‌آید که آن را به اختیار دوستان قرار دهیم که آن را بخوانند و فهرست بزنند، به بن بست می‌رسد. من پیش‌بینی‌ام این بود که این، به بن بست برسد البته نه بن بست در فهرست زدن بلکه بن بست در خود فهم آن. این جمع‌بندی‌ای بود که من سعی کردم در جلسه ۵ شنبه خدمت برادران عرض کنم. اگر چند جلسه‌ای آموزشی جلو برود و مباحث برای دوستان گفته شود، هم پیش‌فرضهای فلسفی و هم پیش‌فرضهای جامعه‌شناختی آن گفته شود و بعد وارد جدول جامعه شوید؛ از این ایجازی که در عبارات است (مثل زمان و مکان و کارآمدی، توسعه، ساختار، کارآیی، ارکان، اصول، اساس) [عبور می‌کنید] در اینجا گیج نمی‌شوید. بعد از آن، فهم [این جزوه] که واقع شود، ممکن است اصلاً فهرست آن متن رها شود، چون ناقص بوده است و به فهرست زدن بحث‌هایی که الان برایتان مطرح می‌کنیم تبدیل شود. مگر پیشنهادی که داده شد [مطرح شود که] درازمدت است و آن این است که یک معاونت فرهنگی درست کنیم و همه بحث‌های حاج آقای حسینی را برای این مباحث جمع کنیم و بعد بخواهیم از آن استخراج کنیم که دوباره دستور کار عوض می‌شود. در هر بحثی [متناسب با آن] دستور کار عوض و سخت می‌شود. این کلیت بحث بود. نمی‌دانم دوستان در این حد از مطلب منتقل شدند یا نشدند؟ اگر منتقل شده باشند، بحث‌هایی که ما اینجا می‌گوییم و دستور کار قرار می‌گیرد. بعد از آن هر چقدر توضیح داده شد، می‌توانند فیش‌های صحبت حاج آقای حسینی را در اینجا بیاورند و اگر نمی‌شود که [آن جزوه] عملاً حذف می‌شود و اینها جای او قرار می‌گیرد و بعد باید مستندات فرهنگی آن را یک جور دیگر استخراج کنید. اگر این بحث بخواهد

^۱. استراتژی امنیت ملی

مطرح شود، پیاده و ویراست و فهرست و نظام سؤالات آوردن جزء دستور کارت‌ان قرار می‌گیرد و جلسه جلو نمی‌رود مگر اینکه کارهایش انجام شود و اگر نشود، با اجازه همه آقایان من باید بنشینم و این [جلسات قبلی] را مطالعه کنم و بعد برایتان بحث بگویم تا تکراری نشود.

اصل بحث:

۱. ضرورت تبیین تخصصی از موضوع زیر ساختی گروه مدل در سه سطح منطق صوری، منطق مجموعه‌نگر و منطق نظام ولایت

بسم الله الرحمن الرحيم

گروه مدل نیازمند زیرساختی‌ترین بحث خودش به نام جامعه‌شناسی است. سندهایی که از حاج آقای حسینی به دست ماست. همین مجموعه‌ای که آقای بهداروند تنظیم کرده‌اند و آن ۵ جلسه که بعداً در این رابطه گفته شده است. می‌خواهیم وارد شویم و اینها را بفهمیم. در فهم اینها بدلیل حساسیت خود موضوع و اضطراب‌هایی که در سند است، مجبوریم از بحث‌های آموزشی استفاده کنیم تا مطلب القاء شود. خُب ما می‌خواهیم جامعه را بشناسیم. [برای] شناخت جامعه در فرهنگی عمومی بهترین تعریفها را رهبر می‌دهد. مقام معظم رهبری و امام این تعریفها را داده‌اند و انقلاب هم کرده‌اند و این جامعه با رویکرد دینی و اسلامی‌اش هدایت شده و جلو آمده است. اما شما می‌خواهید آن را با یک رویکرد تخصصی بشناسید. بعد از انقلاب رویکرد تخصصی از دو نگاه انجام گرفته است:

۱. نگاه منطق صوری به جامعه و

۲. نگاه منطق سیستمی به جامعه.

برای شناخت جامعه باید این دو نگاه را نقد کنیم تا به منطق نظام ولایت برسیم.

جلسه قبل هم گفتیم که چرا وارد این بحث‌ها می‌شویم:

۱. در دوره غیبت به غیر معصومین وحی نمی‌شود

۲. و فهم عرفی و اخباری‌گری نسبت به نقل را هم نمی‌پذیریم. لذا تخصص را می‌پذیریم. و در تخصص، از نظر روشی همین دو منطق در جامعه است. تکلیف این دو باید مشخص شود تا برسیم به اینکه به یک منطق دیگر نیاز داریم.

۲. کیفیت ساخت صورت و مواد در منطق صوری

کیفیت ساخت صورت در منطق صوری با سلب و ایجاب است، روی «بود و نبود» (فلسفه چرایی) می‌ایستد و کاری به فلسفه چستی به نحو قاعده‌مند (یعنی مواد) و چگونگی (یعنی تغییر) ندارد.

۲/۱. ساخت صورت با روش سلب و ایجاب و تعمیم مواد به تعریف و تقسیم و برهان

لذا صورت‌بندی آن با سلب و ایجاب است. مواد آن هم با تعریف و تقسیم و برهان ساخته می‌شود. نمی‌خواهیم اینها را بحث کنیم. غرضی که آنها می‌گویند «کشف از واقع» است و غرضی که ما در سیر تحلیل معرفت‌شناسی مان گفتیم: «طبقه‌بندی مواد» است. نقدهای آن هم انجام شده و در کتاب معرفت‌شناسی (آمده است).

۳. کیفیت ساخت مواد و صورت در سه سطح کتابخانه‌ای، نظری و میدانی در منطق مجموعه‌نگر

در منطق مجموعه‌نگری، ساخت مواد، یک «بخش کتابخانه‌ای» دارد که پیشینه هر تحقیق را [در آن بررسی می‌کنند] مثل جامعه یا انسان یا هر چیزی که روی آن تحقیق می‌شود و [هم چنین] یک «بخش نظری» و یک «بخش میدانی» دارد.

۳/۱. نیازمندی مادی، اساس در طرح سؤال تحقیق کتابخانه‌ای

در بخش کتابخانه‌ای، نیازمندی‌های مادی را اصل قرار می‌دهند و صحبت از «طرح سؤال» می‌کنند. طرح سؤال و پیشینه‌اش از کجاست و از کجا پیدا می‌شود؟ بعد این سؤال را در پژوهش‌های کتابخانه‌ای می‌کنند تا ببینند چقدر پیرامون آن - هم در بخش نظری و میدانی و کتابخانه‌ای - کار شده و چقدر گسترش پیدا کرده است. به این می‌گویند: «سؤال تحقیق».

۳/۲. تبیین کیفیت گمانه در تحقیق نظری

پس یک مفاهیم عملیاتی دارند و یک مفاهیم سازه دارند که در بخش نظری‌شان است که «گمانه، گزینش، پردازش» درست می‌شود.

بخش نظری‌شان به کیفیت گمانه بر می‌گردد و کیفیت گمانه به خاستگاه‌های تاریخی ادراک بشر بر می‌گردد که انسان، دنیا را اصل قرار داده یا آخرت را؟ در چه جاذبه‌ای «گمانه» تولید می‌شود؟ و یک تحقیقات میدانی دارند.

۳/۳. طراحی سیستم در تحقیق میدانی

در تحقیقات میدانی، مفاهیم نظری و مفاهیم عملیاتی‌شان را به کیفیتی [خاص] تجزیه می‌کنند. یعنی آنها قائل به سیستم هستند، هر مفهوم را در رابطه با هم قرار می‌دهند و همه رابطه‌ها و وابستگی‌های مفهومی را ملاحظه می‌کنند. بعد برای آن یک سیستم طراحی می‌کنند و آن را به بخش ریاضی می‌دهند تا برای آن یک مدل ریاضی طراحی کند.

۳/۳/۱. کیفیت ساخت صورت بوسیله مدل ریاضی

در مدل ریاضی، ساخت صورت مواد انجام می‌گیرد. صورت‌بندی را به وسیله ریاضیات انجام می‌دهند و بعد این مدل ریاضی، می‌خواهد برای روابط بین متغیرها، شاخصه کنترل تعریف کند. این شاخصه‌ها را هم دوباره به ریاضی می‌دهند و دوباره واحدهای کمی اندازه‌گیری‌شان در ریاضیات تعیین می‌شود. یعنی دائماً رفت و برگشت در صورت و مواد وجود دارد.

۳/۴. «شرایط آزمون» آخرین مرحله منطق مجموعه‌نگر

آخر کار، شرایط آزمون درست می‌کنند و [در] شرایط آزمون، بهینه سیستم و بازخور آن را بدست می‌آورند. لذا منطق مجموعه‌نگری کلاً از آن دنیای تعریف و تقسیم و برهان به آن نحو انتزاعی بیرون است. یک دنیای دیگر و یک منطق دیگری است. منطق کنترل عینیّت است. تقریباً این سرفصلهایی که گفتیم (پژوهش کتابخانه‌ای، پژوهش نظری که تئوری و نظریه می‌سازند و مفاهیم سازه از آن در می‌آورند و بعد آن را به طرف تحقیقات میدانی می‌آورند و در آنجا هم به دنبال مدل ریاضی آن و شاخصه‌ها هستند و شرایط آزمون و بهینه سیستم یا بازخور سیستم را کنترل می‌کنند) در همه تحقیقات - چه علوم انسانی، چه فیزیک و چه ریاضی - و در همه علوم هست. روش تحقیق‌شان، عامّ است. نمی‌خواستیم الان این را بحث کنیم که این سرفصل‌ها درست یا غلط است [بلکه] یک گزارش خیلی اجمالی و کلی از این منطق [صوری] و آن منطق [مجموعه‌نگر] داریم و عبور می‌کنیم.

۴. چگونگی ساخت صورت در منطق نظام ولایت (مرحله اول: جدول نظام اصطلاحات)

اما منطق نظام ولایت. این منطق چگونه می‌خواهد جامعه یا انسان را به عنوان یک مقوله تعریف کند؟ خود این منطق چیست؟ باز منطق دفتر را از سه محور «روش، مواد و هدف» بررسی می‌کنیم. هدف در منطق مجموعه‌نگری چه شد؟ کارآمدی در عینیت. از نظر روش، به ریاضیات امروز بر می‌گردد و ریاضیات امروز است که صورت‌بندی می‌کند و از نظر مواد هم بریده از هم نیست، چه هدف که کارآمدی در عینیت است و چه روشی که با مدل ریاضی انجام می‌شود و چه مواد که به وسیله روش تحقیقی‌شان انجام می‌شود. همه اینها در هم منعکس است. روش تحقیق را که می‌خوانید، این طور نیست که یک لایه برای هدف و یک لایه برای [مواد و صورت درست کرده باشد] ما در اینجا تقسیم انتزاعی می‌کنیم که برادران فهم بهتری پیدا کنند. در آنجا این طور نیست که [گفته شود] منطقی به نام منطق سیستمی دارند و همه سرفصلها و تقسیم‌بندی‌هایی که ما می‌گوییم آمده باشد و باید بعداً با کار تطبیق انجام شود روش یعنی صورت‌بندی.

۴/۱. گام اول: شکل‌گیری صرف و انعکاس مفاهیم در جدول نظام اصطلاحات

امروز درباره صورت‌بندی منطق نظام ولایت صحبت می‌کنیم که بعداً (معلوم می‌شود) ضرب روح، ذهن و عین در انسان و سیاست، فرهنگ و اقتصاد در جامعه به چه معناست. کلمه «جمع»، «ضرب»، «منها»، «تقسیم» بحث ریاضیات است و عملیات‌هایی برای صورت‌بندی‌ها هستند. در اینجا هم کلمه ضرب بکار برده شده است. شما می‌خواهید جامعه را تعریف کنید. می‌گویید سه مفهوم سیاست، فرهنگ و اقتصاد را در هم ضرب کن: سیاست سیاست، سیاست فرهنگ، سیاست اقتصاد، فرهنگ سیاست، فرهنگ فرهنگ، فرهنگ اقتصاد، اقتصاد سیاست، اقتصاد فرهنگ، اقتصاد اقتصاد. این ۹ مفهوم می‌شود. و بعد می‌گویید یک‌بار دیگر در هم ضرب کن و نظام اصطلاحات درست کن و ۲۷ خانه تحویل بده. راجع به هر موضوعی در منطق‌تان این را خواهید گفت. بعد هم می‌گویید: صرف مفهوم کنید. بعد از درست کردن نظام اصطلاحات، تک تک خانه‌ها را معنا کنید. چرا؟ چه چیزی را معنا می‌کنیم؟ معنا کردن یعنی چه؟ بعد در مجموع به چه نتیجه‌ای می‌رسیم؟ چه هدفی را بدست می‌آوریم؟ عین همان بحثی را که در آن [منطق‌ها] داشتیم: روش یعنی صورت‌بندی، کیفیت تولید مواد و هدف‌ها. در تعریف جامعه‌شناسی می‌خواهیم [اینها را] بفهمیم. قبل از این باید خود منطق را توضیح دهیم. این منطق، قائل به تجزیه نیست، یعنی عقل نمی‌خواهد صورت‌بندی‌هایش را با تجزیه (سلب و ایجاب، یا هست یا نیست) جلو ببرد. می‌خواهد هم چستی و هم چگونگی (تبدیل) را به دست بیاورد. بنابر بحث‌هایی که اثبات می‌کند فلسفه چرایی، چستی، چگونگی شما متقوم است، حدّ اولیه فلسفی‌تان از ماهیت، وجود، ربط و تعلق درآمده و به «ولایت، تولی، تصرف» رسیده است. حرکت را به چه معنا کرده؟ گفته: فاعلی است که به فاعل بالاتر تعلق دارد تا در نفس توسعه فاعلیتش تصرف کند. گفتید حرکت به این معناست. لذا وقتی به «روش، مواد، هدف» می‌رسید باید تعریف حرکت در آن منعکس باشد.

۴/۱/۱. برقراری ارتباط خاص (سطر و ستون) میان ابعاد و اوصاف مفاهیم یک شیء

اگر بخواهید منعکس کنید، ذهن باید چند مقوله را تجزیه و تحلیل کند. باید ربط اینها را به هم تمام کند. این ربطه، ربط خاص است. می‌خواهیم صورت‌بندی این [ربط] خاص را تعریف کنیم. در تعریفی که می‌کنید، می‌گویید «سطر» و «ستون» می‌کنیم. دو واژه دارید. سطر و ستون. یعنی از دو بعد آن را نگاه می‌کنیم. چیزی که در بحث شما مطرح است، مطالعه «ابعاد» یک شیء است. مثلاً می‌خواهید «ابعاد» یک جامعه را مطالعه کنید. ابعاد یعنی اوصاف و نه اجزاء. تعریف جزء را در منطق صوری ببینید. جزء و کل با کلی و فرد تفاوت دارد. ما نمی‌خواهیم اجزاء جامعه را بشناسیم. اجزاء جامعه ماهیت‌هاست، ماهیت‌هایی که بنا به منطق صوری بریده از هم است و فقط به درد طبقه‌بندی می‌خورد.

۴/۱/۲. اصل بودن توسعه و حرکت در ملاحظه اوصاف مفاهیمی

در اینجا که سطر و ستون می‌کنید، «متغیرها» را هم نمی‌خواهید ببینید. عوامل تغییر را هم نمی‌خواهید ببینید. چون فقط تغییر برای مان مهم نیست، بلکه برای ما «توسعه» مهم است و در توسعه باید «اوصاف» عوض شود.

برایتان مثالی می‌زنم. همه ما یک روز نطفه بودیم. نطفه از نظر ماهیتی آن مثل آب است، جماد است. حتی به معنای موجود زنده مثل ماهی و مرغ نیست و شما آن را این طور نمی‌بینید. اما این تغییر پیدا می‌کند و شکل و نسق می‌یابد و هیأت پیدا می‌کند و موجود زنده می‌شود و در آن روح دمیده می‌شود. بعد بزرگ می‌شود تا به سن بلوغ می‌رسد که می‌گویید: حالا می‌تواند شیطنت کند. قوه‌ای به نام قوه اختیار دارد. قوه تمدن‌سازی، قوه روبروی خدا ایستادن، طاعت و طغیان [مطرح می‌شود] وقتی می‌گوییم «مقیاس» به این معناست. «وصف» برای مان مهم است که با شروع عبادت به سمتی بروید که به طور دائم در عبادت پرش کنید. به نظر مادی می‌آید که این جسم همان جسم است، اما [واقعیت این است که] به آن اجازه داده‌اند در یک دنیای دیگری تنفس کند، در آن دنیا اوصاف عوض می‌شود. مثلاً زمانی که با سفینه به خارج از جو کره زمین می‌رویم وحدت و کثرت ما، چیز دیگری می‌شود. نحوه خورد و خوراک هم عوض می‌شود و دیگر نمی‌توان به سر سفره نشست و پلو خورد، بلکه باید با مکیدن چیزی را بخورید. غذای آماده‌ای را در لوله‌هایی گذاشته‌اند و باید با مکیدن آن را مصرف کرد. هم‌چنین اگر شما را به مجلسی دعوت کنند و - به قول حاج آقای حسینی (ره) - یک شیشه پستانک به شما بدهند و بگویند بخورید؛ این را یک توهین نسبت به خودتان می‌دانید. اما در خارج از جو کره زمین همین پستانک را به شما می‌دهند و می‌گویند بخورید. جا که عوض می‌شود اوصاف شی تغییر می‌کند.

۴/۱/۲. اصل بودن صورت بندی برای اوصاف، نه اجزاء و نه متغیرها

ما چیزی را که می‌خواهیم صورت‌بندی کنیم، ابتدائاً «ابعاد و اوصاف و انعکاس آنها در هم» است. زمانی که می‌گوئیم «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» آنها را به عنوان سه وصف می‌بینیم و می‌خواهیم انعکاس این وصف‌ها را در هم ببینیم. لذا صورت‌بندی‌ای [که انجام می‌دهیم] برای وصف‌ها است نه متغیرها و اجزاء. پس جزء مربوط به منطق صوری و متغیر مربوط به منطق مجموعه‌نگری (یعنی وابستگی‌ها) و ارتقاء وصف‌ها (آبرومندی‌ها)، [مربوط به منطق تکاملی] می‌باشد. اینجا می‌خواهیم بگوئیم ابتدائاً قیود با هم ترکیب می‌شوند. زیرا اصل بحث ما در صورت‌بندی، ترکیب است.

۴/۲. گام دوم: چگونگی صورت بندی سه وصفی ترکیبی در جدول نظام اصطلاحات

در اینجا «الف، ب، ج» داریم. این‌ها بنا به درک اولیه جزء هستند که می‌گوئیم جزء نیست، بلکه اوصافی هستند که در حالت تجزیه به نظر می‌آید جزء است. البته عقل ناچار است که تجزیه بکند و الا در خارج به صورت تجزیه نیست. منطق صوری الف و ب را تجزیه کرده و اینجا نشانده است. حال آنها را در هم ضرب کرده و ترکیب می‌کنیم. پس ابتدا قیود با هم ترکیب می‌شوند. این قیود، قیود یکی‌ای و دوتایی و یا بی‌نهایت نیست. یعنی - همانطور که در ریاضی می‌گویند مجموعه یک عضوی و چند عضوی - ما مجموعه یک عضوی نداریم و می‌گوئیم با «یک» مجموعه درست نمی‌شود. با «دو»، تنها سلب و ایجاب تمام می‌شود؛ ولی با «سه»، مجموعه و وصف درست می‌شود. حداقل مجموعه وصفی ما سه است؛ یعنی مبنای سه. البته بیشتر هم می‌تواند باشد. ۴ و ۵ و... هم می‌تواند مبنا باشد ولی الآن در فلسفه ما سه است و چون [در فلسفه] سه است [، پس در منطق نیز] سه را مبنا قرار می‌دهیم.

از طرف دیگر هم، نه تنها ۱ و ۲ پذیرفته نیست بلکه بی‌نهایت هم نداریم. که البته در ریاضیات [مجموعه‌نگر] می‌گویند بی‌نهایت هم داریم. بی‌نهایت درک از خدا است پس باطل است. عین همان مطلبی که شما در رابطه با امر بسیط می‌گوئید. درک از بسیط من جمیع الجهات، ممنوع است. هم ممنوع و هم ممتنع است؛ برای امر مرکب، اصلاً نمی‌تواند ارتباط برقرار کند. پس اینجا شد وصف و آنجا هم شد حد وصف.

ج: سه؛ می‌گوئیم «الف، ب، ج». در اولی که اشاره نکردیم که چند تا است، فقط کیفیت آن را گفتیم که جزء و متغیر نیست، بلکه وصف است. در اینجا می‌گوئیم حتماً سه است. یعنی ترکیبی که گفتیم ترکیبی «سه سه» ای است. حال در اینجا (خانه سوّم) نحوه کیفیت ترکیب است؛ یعنی باید از بالا اضافه کنیم؛ باید سطر را به ستون در وصف اضافه کنیم. می‌گوئیم «الف الف، الف ب، الف ج» و «ب الف، ب ب، ب ج» و «ج الف، ج ب، ج ج». یعنی قاعده است که از بالا به پایین حرکت کنیم.

س: چرا؟

۴/۲/۱. تفاوت میان صورت بندی سطرّی با ستونی در جدول اولیه نظام اصطلاحات

ج: چون احتمال دیگر هم دارد و می‌توان گفت «الف الف، ب الف، ج الف»، «الف ب، ب ب، ج ب»، «الف ج، ب ج، ج ج» یعنی از راست به چپ حال کدام یک از آنها وصف و موصوف است، بحث بعد است؛ الآن تعبدی بپذیرید که باید از بالا به پایین انتخاب کنیم تا زمانی که آن را با حالتی که ستون به سطر اضافه شود مقایسه کرده و مشخص شود که معنای آن فرق می‌کند و به نظر ما صورت دوم مضاف و مضاف‌الیه است. لذا دو نوع معنا کردن را در بحث مواد می‌گوئیم. در حال حاضر، در حال گفتن صورت هستیم. می‌گوئیم صورت‌بندی (وصف و موصوف) از بالا به پائین است. الآن باید این ۹ وصف را به این شکل (سطر و ستونی و از بالا به پائین) بخوانید.

۴/۲/۲. تفکیک مواد کمی از مواد وصفی در جدول اصطلاحات

[بعد باید] همین کار را با کمیت تکرار کنید. یعنی گاه می‌گوئید «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» و می‌گوئید «سیاست سیاست» که در اینجا کیفیت را اضافه می‌کنید و گاه می‌خواهید سهم تأثیر آن را بگوئید که سهم تأثیر را باید با عدد بگوئید. حال می‌گوئید سهم تأثیر «سیاست» بیشتر از «فرهنگ» است. سهم تأثیر این وصف بیشتر از این وصف است و می‌گوئید «۴، ۲، ۱»، عین همین را در سطر و ستون بنویسید که می‌شود (۴-۴، ۲-۴، ۱-۴)، (۴-۲، ۲-۲، ۱-۲)، (۴-۱، ۲-۱، ۱-۱) همانطور که وصف را سطر و ستون کردید، کمیت را هم سطر و ستون می‌کنید و به هم اضافه می‌کنید.

برادر یزدانی: اینجا که اوصاف را در هم ضرب می‌کنیم، آیا لازم نیست اعداد هم که سهم تأثیر آنها است در هم ضرب شوند.

ج: باید ضرب شود که ضرب هم کردیم.

س: در اینجا به اسم «۴-۱» می‌شناسیم نه ۴ ضرب در ۱.

ج: خیر؛ اضافه می‌شود، که بعداً باید همه اینها را معنا کنیم. این که «۴-۴»، یعنی چه؟ «سیاست سیاست» یعنی چه؟ اینها را در بحث مواد بحث خواهیم کرد. یعنی هم باید مواد کمی را تعریف کنیم و هم مواد وصفی را. هر دو باید معنا شوند، اما فعلاً صورت‌بندی را بحث می‌کنیم.

۴/۲/۳. چرایی انتخاب مبنای ۳ در صورت بندی جدول اولیه نظام اصطلاحات

شما وقتی گفتید که جامعه دارای «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» است (مبنای آن سه بود)، داخل خانه‌ها، خانه‌های سطر یک قیدی است، و خانه‌های ستون هم یک قیدی است، و در ضربی که انجام دادیم، خانه‌های درونی دو قیدی می‌شود. در حالی که فلسفه شما نه یک قیدی را می‌پذیرد و نه دو قیدی را. یعنی نه انتزاع اول را که «الف، ب، ج» یا «سیاست

فرهنگ، اقتصاد» بود و ذهن تقسیم کرده بود را می‌پذیرد و نه ترکیبی که به عنوان دو عنصر انجام می‌دهید؛ نه در کمیت و نه در کیفیت. البته دو قیدی بودن را که دلیل وابستگی است، منطق مجموعه‌نگر قبول می‌کند، ولی ما نمی‌پذیریم. ما می‌گوئیم حتماً باید یک سیکل از حرکت را جواب بدهد. مبنای آن سیکل حرکت هم سه بود؛ «ولایت، تولی، تصرف».

حال در صورت‌بندی این نه تا دو قیدی را که حاصل ضرب است در سطر می‌آوریم و سه تای یک قیدی (مفردات) را داخل ستون قرار می‌دهیم و یک‌بار دیگر اضافه می‌کنیم. اضافه که شد در هر خانه‌ای سه قید قرار می‌گیرد و می‌شود ۲۷ تا. پس تحلیل از حرکت، علت ۲۷ قیدی شدن این است.

البته اگر مبنا ۴ بود همین را می‌بایست ۴ بار تکرار می‌کردید که در هر خانه چهار قید قرار بگیرد. اگر تحلیل حرکت به پنج قید بود باید این کار را پنج بار تکرار می‌کردید تا در هر خانه پنج قید قرار بگیرد که هماهنگ با تحلیل از حرکت باشد.

پس اگر مفاهیم اولیه‌ی جامعه «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» باشد، برای درست کردن نظام اصطلاحات، باید این اوصاف سه بار در هم ضرب بشوند و ۲۷ عنوان را تحویل دهند که یک خانه آن می‌شود «سیاست سیاست سیاست» و خانه‌ی دیگر آن می‌شود «سیاست سیاست فرهنگ» و در هر خانه‌ای یک قید کم و اضافه می‌شود تا آخرین خانه که می‌شود «اقتصاد اقتصاد اقتصاد». البته اگر مواد ما - که هنوز آن را بحث نکرده‌ایم - «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» باشد. پس این شکل‌گیری، صورت‌بندی جامعه می‌شود و به این صورت اوصاف سه قیدی شکل می‌گیرد.

۴/۲/۴. تفاوت منطق صوری و منطق مجموعه‌نگر و منطق نظام ولایت در چگونگی صورت‌بندی

پس تفاوتی که منطق ما با منطق مجموعه‌نگری و منطق صوری پیدا کرد این است که در منطق صوری نیاز به وجه اشتراک‌گیری و وجه اختلاف‌گیری بود و صورت‌بندی‌هایی که می‌خواست انجام دهد، موضوع و محمول و نسبت بین حکمیه و بحث‌هایی که دارند... انجام می‌داد، ولی ما از آن راه نمی‌رویم، البته از آن استفاده کرده‌ایم. در کجا؟

در خارج، «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» جامعه مانند فرش در هم تنیده است ولی ما می‌خواهیم تجزیه و تحلیل بکنیم، پس ابتدا باید آنها را تجزیه کرده و بگوییم «سیاست، فرهنگ، اقتصاد». برای این کار در اینجا از منطق صوری استفاده کرده‌ایم؛ یعنی زمانی که مفرد می‌بینیم از منطق صوری استفاده می‌کنیم، زمانی که اولین ترکیب را انجام می‌دهیم، به منطق مجموعه‌نگری رفته‌ایم، و وقتی سومین ترکیب را انجام می‌دهیم، وارد منطق نظام ولایت شده‌ایم.

تا اینجا مربوط به بحث جامعه است. ۲ نکته می‌گوییم که ربطی به بحث جامعه ندارد، ولی برای اینکه بحث تکمیل شود و دوستان بدانند این مباحث قبلاً مطرح شده و بعداً مراجعه نمایند می‌گوئیم.

۴/۳. چگونگی صورت‌بندی ۲۷-۸۱-۷۲۹ الی ۷۶۰۰ میلیاردی وصفی در جدول نظام اصطلاحات

موضوع ما ۲۷ خانه‌ای شد و ۸۱ قید پیدا کرد یعنی موضوع واحدی که بالا قرار می‌گیرد - چه جامعه باشد و چه انسان، بانک، فرهنگستان، حوزه‌ی علمیه و نظام مبارک جمهوری اسلامی و... - دارای ۲۷ خانه است که باید تعریف شود تا آن شی، هم صورتاً و هم ماداً شناخته شود.

حال اگر گفته شود دستگاه فلسفی شما چند موضوع را از منظر صورت، اصطلاح و حد ریاضی جواب می‌دهد؟ می‌گوئیم همین کاری را که در شکل‌گیری موضوع واحد انجام دادیم، باید همین روش صورت‌بندی را برای موضوعات به کار ببریم. می‌گوئیم این را به عنوان یک موضوع می‌گیریم و برای آن سطر و ستون قرار می‌دهیم؛ یعنی ۲۷ خانه را ۲۷ مفرد فرض می‌کنیم و آن را سطر و ستون می‌کنیم، یعنی ۲۷ تا را در سطر قرار می‌دهیم و همان ۲۷ تا را در ستون هم قرار

می‌دهیم. و در هم ضرب می‌کنیم. اولین خانه‌ها شش قیدی می‌شود؛ یعنی سه تا از بالا می‌آید و سه تا از پائین و هر خانه شش قید پیدا می‌کند. ۲۷ در ۲۷ ضرب می‌شود و ۷۲۹ خانه پیدا می‌کند. در هر خانه ۶ قید قرار داد. حالا دوباره این ۷۲۹ را در سطر قرار می‌دهیم و ۲۷ تای قبلی را به همان شکل در ستون ثابت نگه می‌داریم و دوباره اضافه می‌کنیم در هر خانه ۹ قید پیدا شود. یعنی تعداد ۷۲۹ در سطر را در ۲۷ ستون ضرب می‌کنیم که نتیجه ۱۹۶۸۳ می‌شود. این کار را به قدری ادامه می‌دهیم تا هر خانه ۸۱ قید پیدا کند؛ یعنی ۲۷ باکس و ۸۱ قید. چون اینها را به صورت قید آورده‌ایم و خلاصه نکرده‌ایم. نتیجه ۷۶۰۰ میلیارد می‌شود. پس همان طور که حد موضوع، ۲۷ شد، حد کثرت موضوعات هم در این دستگاه فلسفی، بر مبنای «ولایت، تولی، تصرف» - که تا صد سال آینده می‌تواند پاسخگو باشد - از منزلت صورت‌بندی ریاضی که حد شهرک علمی را مشخص می‌کند، ۷۶۰۰ میلیارد می‌شود.

۴/۳/۱. پرسش و پاسخ پیرامون چرایی صورت بندی بر مبنای ۳ و نفی بی‌نهایت تکثیر در مدل ریاضی

حجت الاسلام زیبایی: چرا بیشتر از این نمی‌تواند جلو برود؟

ج: چون سه این را می‌گوید و ما ضرب کردیم.

س: دوباره همین‌ها را مثل قبل می‌توانیم به صورت سطر و ستون در هم ضرب کنیم!

ج: نمی‌توانید! چون گفته‌اید که ۲۷ بار تکرار شود. مانند همان چیزی که در ابتدا گفتید، گفتید سه بار تکرار کن! اگر مبنا ۴ بود می‌بایست ۴ بار تکرار کنید!

س: پس چون سه است، بیشتر از این ندارد.

ج: علت سه بار تکرار، مبنای سه بود که حرکت را به سه تعریف می‌کرد. چرا در سطر، سه ماده گذاشته می‌شد؟ چون گفتیم یک نه، دو نه، بی‌نهایت هم نه، ولی «سه» به دلیل فلسفه‌ی ما است. چهار هم اشکالی نداشت ولی به شرط اینکه فلسفه توانایی آن را داشته باشد.

س: می‌خواهم بدانم که آیا آن عدد آخر را نمی‌توان باز به توان سه رساند؟

ج: نه! هر جوابی در مرحله‌ی اول بدهید در اینجا هم می‌دهید. در آنجا اجازه نداشتید بیشتر از سه بار ضرب کنید، چون خانه‌ها می‌بایست سه قیدی می‌شد. در اینجا هم بیشتر از ۲۷ بار نمی‌توانید ضرب کنید، چون خانه‌ها باید ۸۱ قیدی شود؛ نه یکی کمتر و نه یکی اضافه‌تر.

س: پس علت آن، به فلسفه ما بر می‌گردد.

ج: بله، وگرنه برای فرض صورت‌بندی کم متصل و کم منفصل اشکال ندارد که یک بار دیگر هم ضرب کنید.

برادر حیدری: یعنی بیشتر از سه نمی‌توان ضرب کرد.

ج: بله. در موضوع هم بیشتر از ۲۷ بار نمی‌توانید ضرب کنید. یعنی باید ۲۷ بار سطر و ستون کنید و جلو بروید. چون موضوع شما به ۲۷ تعریف می‌شود. در آنجا، علت سه بار تکرار این بود که حرکت به سه تعریف شده بود. حال اگر ۴ شد، یعنی فلسفه عوض شد و حرکت به چهار تعریف شد، آنگاه حد آن ۴ می‌شود، که در نتیجه خانه‌ها ۴ قیدی می‌شود. ۴×۱۶، ۱۶ تایی می‌شود و ۴×۱۶، ۶۴ و ۴×۶۴، ۲۵۶ موضوع می‌شود؛ یعنی مبنا ۴ می‌شود. اگر مبنا هم پنج می‌شد؛ روی مبنای ۵ نه می‌توانید کم کنید و نه اضافه، یعنی حد پیدا می‌کند. پس نحوه‌ی تکثیر شما حدها را است. از نظر مدل ریاضی، نه حق داریم بگوییم بی‌نهایت است و نه حق داریم بگوییم که صفر و یک داریم.

حجت الاسلام کشوری: مبنای ۴ و ۵ را احتمالی می‌گوییم یا اینکه بعداً به آن می‌رسیم.

ج: همه‌ی سؤالات شما از پایگاه این یک سؤال است که

۱- وحی به ما نمی‌شود.

۲- عرفی و اخباری هم نیست.

وسط آن چه می‌شود؟ «عقلانیت». البته این عقلانیت عصمت تحویل نمی‌دهد. فقط تعیین وظیفه برای امروز می‌کند. یعنی محال است برابر با علم خدا شود، برابر با هیچ معصومی هم نمی‌شود. این دستگاه، وسیله‌ی نگاه کردن معصومین نیست. امروز «سه» بیرون آمده است، ان شاء الله و فیلسوفان آینده آن را ۴ می‌کنند. شما هم به عنوان شاگردان ایشان می‌گویید الحمدلله یک قدم جلو رفتیم. به آنجا هم که رسیدید اصلاً مقایسه با [معصومین و علم خدا] نکنید، به طور کل هیچ گاه ذهن شما به طرف این قیاس نرود، بلکه بگویید بضاعت جمعی فرهنگستان برای امر تکلیف و خدمتگزاری به آستان معصومین هم، هر آن آماده‌ی شکسته شدن است. [یعنی] عوض شدن و تحولی که آنها بخواهند ما را [به طرف آن] ببرند. این یک بحث بود. بعد از اینکه تعیین موضوعات شکل گرفت و حد آن هم مشخص شد، بعد این ۷۶۰۰ میلیارد را حاج آقای حسینی (ره) در یک جلساتی طبقه‌بندی می‌کنند. مجموعه، منظومه و... اسم‌هایی می‌گذارند تا ۷۶۰۰ میلیارد را به کوچک‌ترین موضوع شامل و مشمول بیاورند، که ۲۷ درون ۲۷ می‌شود. موضوع شما انسان است (یا هر چه که هست) نظام شامل و مشمول برای آن درست کن. ۲۷ در دل ۲۶ موضوع که با خودش ۲۷ تا می‌شود که درون و بیرون آن می‌شود. این کوچک‌ترین جامعه می‌شود. آنگاه بزرگترین جامعه، ۷۶۰۰ میلیارد با درون آن می‌شود (یک موضوعی که در آن هست). پس از این به بعد با کوچک‌ترین موضوع شامل و مشمول کار می‌کنیم؛ ۲۷ تا ۷۰۲ تا داریم (از ۲۷، ۷۲۹ تا کم می‌شود).

اما جداول که نمی‌خواهیم آن‌ها را شرح و بسط بدهیم. در جداول ما:

۱. از شکل ساده‌ی ساده آن که همین سطر و ستون بدون مواد است،

۲. شکل دوم که سطر و ستون با مواد می‌باشد،

۳. و شکل سوم که وحدت شکل اول و دوم است، همگی از صورت بحث می‌شود. در روش، صورت است. یعنی می‌خواهد صورت‌بندی را نشان بدهد؛ جدول یعنی صورت‌بندی. اگر بخواهید عنوان روشی برای آن بگذارید، صورت می‌گوید.

حجت الاسلام زیبایی: آیا سطر و ستون بدون مواد هم قاعده‌مند است؟

ج: نه، ولی مانند مثالی است که زدم. این مثل نطفه است؛ نطفه فکری. ما شکل‌گیری بسته شدن نطفه‌ی فکری را بیان می‌کنیم؛ همان طور که برای نطفه، مضغه و علقه و مطرح بود. در سؤالاتی که دوستان از حاج آقای حسینی در جلسات می‌کنند دقت کنید. آقایان می‌خواهند از منظر منطق صوری و مجموعه‌نگری یک صورت واحد برای همه‌ی مراحل بدهند. مثلاً وقتی به سطر و ستون می‌رسد، می‌پرسند چرا ۲ [مطرح می‌شود]. در حالی که ما مجبوریم که از یک و دو عبور کنیم. ما مجبوریم از منطق انتزاعی عبور کنیم. ما در منطق نظام ولایت نمی‌توانیم آن را به کار نگیریم؛ اما ما به آن جا دادیم. پس بهتر است اولین جدول‌ها را سطر و ستونی نکنیم و همان جدول ۹ تایی (ضرب) بگیریم؛ اولین جدولی که [در آن] ضرب شده ۹ است. یعنی اولین مرتبه‌ای که منطق نظام ولایت بر آن تکیه کند، ترکیب است که در این ترکیب اول، جدول ۹ تایی داریم، بعد جدول ۲۷ تایی داریم. در آن ۲۷ تایی، تجزیه اصطلاحات و ترکیب عناوین، جدول تحلیل و جدول

تعریف داریم. الآن نمی‌خواهیم هیچ کدام آنها را توضیح بدهیم. فقط می‌خواهم مجموعه جداولی که در دفتر است که شما باید در تعریف جامعه آنها را به کار برید، [معرفی کنم]. از دوستان که مباحث را دیده‌اند پرسید که آیا جدول جامعه در جدول تعریف رفته است. آیا شکل جدول تعریف این گونه است؟

حجت الاسلام موشح: نظام مقایسه‌ای....

۵. چگونگی ساخت صورت در منطق نظام ولایت (مرحله دوم: جدول نظام تعاریف)

ج: نه! جدول تعریف، جدول نعلی شکل است. این آخرین جدول ماست که [بحث‌های دیگر] در این می‌رود. قبل از این هم تعدادی جدول است که مثل کارخانه روی سنگ معدن عملیاتی انجام می‌دهد تا به محصول مثلاً تلفن برسد و بعد بتوانید با این صحبت کنید. منطق نظام ولایت، یک چنین چیزی است منطق عمل است که گمانه را در کارخانه‌ای از نظر صورت، سازمان می‌دهد تا به یک محصول برسد. به نظر ما محصول تعریف حاج آقای حسینی (ره) همان جدول تعریف است که در بالا توسعه، سمت راست ساختار و سمت چپ، کارآمدی است. پس غرض نهایی ما از نظر صورت‌بندی، رسیدن به آن است.

۵/۱. نسبت مواد وصفی جدول به یکدیگر (توسعه، ساختار و کارایی)

پس اینکه از ۳ یا ۹ شروع می‌کنیم یا از جداول ۲۷ تایی استفاده می‌کنیم فکر نکنید که کار تمام شده است. وقتی با این جداول روبرو شوند، وسط راه هستند. وقتی فرد حساس می‌شود و تربیت او سازمانی می‌شود چه وقتی است؟ وقتی که به سن اختیار می‌رسد این جدول تعریف «جدول اختیار» است؛ این بالا «توسعه»، سمت راست «ساختار» و سمت چپ «کارایی» است؛ کارایی جامعه، ساختار جامعه و سطح توسعه‌ی [جامعه] سطح توسعه یعنی چه؟

س: این همان ساختار و کارایی می‌شود؟

ج: این از سؤالات دشواری است که دوستان خیلی پرسیده‌اند: این بالا چیزی نیست که شما به آن توسعه می‌گویید!

س: کل جامعه، همان حرکت جامعه می‌شود که به سمت توسعه است.

حجت الاسلام کشوری: زمان است؟!

ج: می‌خواهیم بدانیم در کجای این جدول «توسعه» است.

حجت الاسلام موشح: ضرب می‌شود؛ حضور توسعه در تمام عناوین این جدول است.

ج: در سمت راست، عنوان ساختار است که از بالا تا پایین عناوین را می‌خوانیم؛ در سمت چپ، عنوان کارآمدی است که آن نیز همین طور است.

س: یعنی «ظرفیت، جهت، عاملیت» هم در ساختار حضور دارد و هم در کارایی‌ها.

ج: نه، در اینجا سطح تبعی، تصرفی و محوری نوشته شده و در این طرف، سطح محوری آثار، سطح تصرفی آثار و سطح تبعی آثار نوشته شده است؛ [یعنی] وحدت اثر. در اینجا ۲ داریم؛ یعنی وحدت اثر با وحدت موضوع. اینکه از این طرف [سمت راست] به آن طرف [سمت چپ] می‌رویم. کل را در سطح توسعه تحلیل می‌کنیم. ولی در هر صورت به دو رسیدیم پس سه کجاست؟

حجت الاسلام روح الله صدوق: توسعه، آن عنوانی است که در بالای جدول است و نسبت بین این دو را برقرار می‌کرد.

ج: نه.

برادر یزدانی: منزلتی که نسبت بین موضوعات و آثار را می‌دهد، بعد توسعه می‌شود.

۵/۲. نسبت کمی مواد جدول به یکدیگر

ج: نه! عنوان سوم عددی است که نوشته نشده است؛ یعنی وحدت موضوع، وحدت اثر جامعه، به علاوه عددی که از یک تا ۶۴ است و در اینجا نوشته نشده است. (می‌تواند ۲، ۸ و یا... باشد) و جایگاه این جدول را در ۲۷ تایی بالاتر [یعنی جدول شامل] نشان می‌دهد. زیرا شما یک جدول دیگر که حاکم بر این جدول است هم دارید. که جدول موضوع شما عضو آن جدول است. آنگاه وحدت اثر و وحدت موضوع به همراه عددی که در جدول بالاست [در جدول شامل] نشان می‌دهد که جای این جدول در نظام شامل آن کجاست.

حجت الاسلام زیبایی: یعنی آیا واژه «توسعه» یک عدد است.

۵/۳. توسعه به معنای حضور اثر موضوع مشمول در نظام شامل

ج: کلمه‌ی توسعه، حضور موضوع در مجموعه شامل است.

س: یعنی همه‌ی این جدول، توسعه‌ی جدول شامل است؟!

ج: نه! یعنی باید اثر این موضوع را در ۲۶ تایی دیگری که شامل بر این است، ببینید. یعنی اثر جدول تعریف شما در نظام شامل، توسعه می‌شود.

حجت الاسلام موشح: یعنی توسعه‌ی خودش، ولی توسعه‌ی جدول شامل نیست.

ج: نه. توسعه‌ی آن [جدول شامل] دوباره نسبت به ۲۷ تایی بالای آن است.

حجت الاسلام زیبایی: در جدول جای توسعه، ما چه چیز داریم؟

ج: توسعه یعنی چه؟ یعنی سهم تأثیری از مجموعه‌هایی که بالاتر از شما هستند به شما می‌دهد. یعنی ارزشی که برای ما، حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری دارند (به هر دلیل) تثبیت شده در «عضو تاریخی بودن» ایشان است. این تردید ناپذیر است. توسعه‌ی آقای خامنه‌ای اینست که در مجموعه بالاتر تبعی شود. هر چند که نسبت به همه ما محوری هستند یعنی ایشان را در یک خانه‌ی بالا قرار دهند. این توسعه ایشان می‌شود به همین دلیل می‌گویند کشیدگی وجود مبارک حضرت امام (ره) و یا مقام معظم رهبری و فرض کنیم پنج یا ده رهبر دیگر با هم مشارکت می‌کنند در خانه‌ای که پانصد سال این [موضوع] را مدیریت و هدایت کنند و جلو ببرند، که ممکن است یک بلوک شود. این بلوک ممکن است در این خانه‌ی بالا مثلاً ۳۲ باشد و ممکن است ضعیف کار کنند و پایین باشد. این سهمی است که خداوند به ایشان به اندازه‌ی توسل و تولی به آنها اعطا می‌کند.

۵/۴. اکتفا به ربط اجمالی در ضرب و اضافه صورت بندی

برادر حیدری: آیا «ضرب» همان «اضافه» است؟

ج: در اضافه و ضرب ماداً می‌رسیم....

س: نه! همان صورت که می‌گویید «الف» به «ب» اضافه شده آیا همان ضرب «الف» در «ب» است.

ج: معنی ضرب را در ماده برای شما می‌گوییم.

س: در اینجا «الف ب» را چه می‌گوییم؟

ج: در صورت، تنها چیزی که می‌گوییم اینست که اجمالاً به ربط تکیه می‌کنیم (از منطق صوری فاصله می‌گیریم) بعد به ربط قاعده‌مند، یعنی علی‌المبنای فلسفه تکیه می‌کنیم. این اجمالاً به شما «صورت» را می‌دهد.

س: یعنی در صورت، بگوییم «الف ب» ربط اجمالی «الف به ب» است.

ج: نه می‌گوییم: ربط علی‌المبنای تعریف حرکت بر مبنای ۳ است. در اینجا از منطق مجموعه‌نگر فاصله می‌گیریم. به علاوه توضیحات دیگری که دادم و گفتم موادی که در این صورت می‌ریزیم «جزء» نیست، «متغیر» هم نیست؛ بلکه «وصف» است. وصف را هم به ارتقاء قوه‌ی اختیار معنا کردیم. این جدول قوه‌ی اختیار است و فقط در رابطه با تمدن دینی به کار برده می‌شود.

۵/۵. پرسش و پاسخ پیرامون معنای سهم تأثیر و وصف کل

حجت الاسلام کشوری: یعنی «اگر تغییر در مقیاس» را در متغیر فرض کنیم، معنای وصف می‌گیرد.

ج: لطفاً دوباره بگویید.

س: اگر از منطق مجموعه به منطق تکاملی بیایم، اگر تغییر مقیاس یک متغیر را فرض کنیم، معنای وصف می‌دهد.

ج: معنی چه چیز را عوض کنیم؟

س: ما به جزء در منطق انتزاعی، یک قید اضافه کردیم و معنای متغیر داد، حالا به....

ج: تفاوت متغیر با جزء چیست؟

س: برآیند آن جزء را در سیستم لحاظ می‌کند و آنگاه معنای متغیر می‌دهد.

ج: نه! معنی سهم تأثیر را می‌آورد. یعنی نمی‌گویید یک ماهیت بریده است. گوجه، گوجه است، روغن، روغن است. از این انتزاع درمی‌آید و ربط را می‌بیند؛ حال گاه این ربط را در اثر می‌بینید و گاه این را بالا می‌آورید و به عنوان «وصف کل» می‌بینید. آنها (مجموعه‌نگرها) وصف کل را نمی‌خواهند ببینند، چون خدا را نمی‌خواهند ببینند، رئیس بالای سرشان را نمی‌خواهند ببینند. می‌خواهم بگوییم می‌توان عبادت را در خود صورت‌بندی [روش] دید.

س: پس اگر اثر را به صورت بخشی ندیدیم و در کل سیستم دیدیم، معنای وصف می‌دهد.

ج: ابتدائاً این را از شما می‌پذیریم. یعنی الآن که از پایین به بالا می‌آییم می‌پذیریم. همان طور که می‌گفتند: «بی‌عشق خمینی نتوان عاشق مهدی شد» این برای بچه بسیجی‌ها خوب است. بعد که بالاتر می‌آییم می‌بینیم که همه کارها دست خود ایشان است و عشق خمینی را هم او در دل ما انداخت. معنی وصف باز هم عوض می‌شود. بله، گاهی وصف را در هم‌عرض‌ها می‌بینیم، گاهی نسبت به کل می‌بینیم و گاهی هم از بالا اعطا می‌شود و شما در این می‌بینید. الآن مثل نطفه،

شکل‌گیری آن را از نطفه که چگونه متولد شد بیان می‌کنیم. بعد به بالا می‌رسیم و می‌بینیم که در یک نظام ولایت اینها را ترکیب می‌کنند، ملائکه‌ای هستند و همه رتق و فتق کارها به عهده‌ی آنها بوده است.

حال می‌خواهیم جریان فلسفه را از بالا در منطق خودمان ببینیم.

در این جلسه صورت را گفتیم و در یک جلسه هم مواد را می‌گوییم و سریع عبور می‌کنیم. در این جلسه روش تولید تعاریف کاربردی را به صورت کاربردی توضیح دادیم، که دوستان بتوانند بدون استدلال آن را در مدل به کار بگیرند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

جلسه
سوم



واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت

«نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه»

«بررسی اصول موضوعه روش عام»

عنوان جلسه: تفاوت بین تعریف موضوع در ساخت و
تعریف موضوع در تحلیل یک موضوع

گروه پژوهش‌های تطبیقی

اردیبهشت ۱۳۸۶

◀ واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه



استاد:	حجة الاسلام والمسلمین صدوق	پیاده:	برادران: گودرزی، ساکی، یزدانی
جلسه:	۳	ویراست:	حجج الاسلام: صدوق، زیبایی، موشح
تاریخ جلسه:	۱۳۸۶/۲/۱۷	تایپ:	برادر رضایی
تاریخ نشر:	۱۳۸۶/۲/۱۸	فهرست:	برادر علی رضا انجم شعاع

D:\GROOH TATBIGH\TATBIGH\معاظه\روش تعریف و روش معامله\jalase ۳.doc اجرا گروه مدل برنامه‌پیش نیازهای مدل در بحث روش تعریف و روش معامله



گروه پژوهش‌های تطبیقی

فهرست تفصیلی

مقدمه: ضرورت تنظیم نظام سوالات بر اساس روند اصلی بحث.....	۴۵
پرسش و پاسخ:.....	۴۵
۱- تعریف مجموعه در منطق صوری و منطق مجموعه‌نگر.....	۴۵
۱/۱- تعلق مبنای ۲ به منطق صوری و رد آن.....	۴۶
۱/۲- رد مجموعه‌های تهی و یک عضوی و بی‌نهایت در منطق مجموعه‌نگری.....	۴۶
۲- تحلیل از حرکت (در فلسفه نظام ولایت)، علت اخذ مبنای ۳ در منطق نظام ولایت.....	۴۶
۳- ۷۶۰۰ میلیارد وصف است یا موضوع؟.....	۴۶
۴- رابطه و نسبت میان منطق انتزاعی و مجموعه‌نگر با منطق تکاملی.....	۴۷
۵- رابطه جدول ۲۷ تایی با جدول تعریف - اختصاص مباحث مطرح شده در جلسه‌ی قبل به مباحث روشی.....	۴۸
۶- رابطه صورت، مواد و هدف.....	۴۸
۷- تعیین عنوان جلسه قبل به: ساخت روشی یک موضوع به ۲۷ خانه و تکثیر موضوعات تا ۷۶۰۰ میلیارد.....	۴۸
۸- تعیین حدّ منطقی مبنای ۳ (نظام ولایت) به ۷۶۰۰ میلیارد موضوع.....	۴۹
اصل بحث: کیفیت ساخت موضوع روشی و صورت‌بندی آن در نسیبیت عامّ منطقی.....	۵۳
۱- ضرب صورت، ماده و هدف و تکثیر آنها در جدول ۲۷ تایی.....	۵۳
۱/۱- کیفیت ساخت موضوع روش و صورت‌بندی کیفی آن در منطق صوری به قضیه‌سازی.....	۵۳
۱/۲- ضرورت تبعیت منطق صوری از منطق مجموعه‌نگر در ساخت ماده.....	۵۳
۲- کیفیت ساخت موضوع روش و صورت‌بندی عینی آن در منطق مجموعه‌نگر به ملاحظه ربط بین امور.....	۵۳
۲/۱- ملاحظه ارتباطات و وابستگی‌های کمی بعنوان اولین ملاحظه در منطق مجموعه‌نگر.....	۵۴

- ۲/۲- ملاحظه وابستگی‌های کیفی به عنوان دومین ملاحظه در منطق مجموعه‌نگر..... ۵۴
- ۲/۳- ملاحظه طبقه‌بندی وابستگی‌ها به عنوان سومین ملاحظه در منطق مجموعه‌نگر..... ۵۴
- ۳/۴- اشتراک منطق مجموعه‌نگر با منطق نظام ولایت در ملاحظه وابستگی‌ها و تفاوت آن‌ها در عدم ملاحظه وحدت وابستگی‌ها در منطق مجموعه‌نگر..... ۵۴

۳- کیفیت ساخت روش و صورتبندی کمی آن در منطق‌های سه گانه..... ۵۵

- ۳/۱- برقراری نسبت تساوی کمی به روش سلب و ایجاب در منطق صوری..... ۵۵
- ۳/۲- عدم اکتفا نسبت به تساوی به روش سلب و ایجاب در منطق مجموعه‌نگر..... ۵۵
- ۳/۳- وابستگی توزینی (سه‌سه‌ای و محدود) اساس در دستگاه کمی و کیفی منطق نظام ولایت..... ۵۵
- ۳/۳/۱- چرایی انتخاب مبنای سه در نظام شمارش اعداد به چگونگی تحلیل از اختیار در فلسفه..... ۵۶
- ۳/۳/۲- حفظ وحدت مجموعه و ادامه حیات آن، علت اول در شمارش کمی به صورت ۴-۲-۱..... ۵۶
- ۳/۳/۳- وحدت نسبت، علت دوم در شمارش کمی به صورت ۴-۲-۱..... ۵۷
- ۳/۳/۴- وحدت نسبت، مفسیر شیب مجموعه..... ۵۷

۴- توضیح جداول پیوستی جدول نظام تعاریف..... ۵۹

- ۴/۱- قرار دادن گمانه‌های تعریفی (مفاهیم پایه در صرف مفهوم) در جداول سه‌تایی..... ۵۹
- ۴/۲- قرار دادن ضرب متغیرهای اصلی، فرعی و تبعی در یک‌دیگر در جدول ۹ تایی..... ۵۹
- ۴/۳- کیفیت شکل‌گیری یک موضوع در جدول ۲۷ تایی..... ۵۹
- ۴/۴- تفاوت جدول نظام اصطلاحات با جدول تکثیر اصطلاحات..... ۵۹
- ۴/۵- چگونگی تکثیر و صرف مفهوم اصطلاحات در جداول ۳-۹-۲۷ تایی..... ۵۹

۵- چگونگی تبدیل جداول نظام اصلاحات به جدول تحلیل و سپس به جدول نظام تعاریف..... ۶۰

۶- وحدت صورت، ماده و هدف در جدول تعاریف (وحدت سیر ساخت، تحلیل موضوع و شاخصه و کنترل آن)..... ۶۲

- ۶/۱- ملاحظه سیر وحدت به کثرت و بالعکس در ساخت جدول تعریف..... ۶۲
- ۶/۲- ضرورت ملاحظه سیر ساخت و سیر بکارگیری جدول تعریف (تقوم چگونگی صورت‌بندی و عملیات توزین و اولویت‌بندی در جدول تعریف..... ۶۳

بسمه تعالی

مقدمه: ضرورت تنظیم نظام سوالات بر اساس روند اصلی بحث

حجت الاسلام و المسلمین صدوق: سؤال اول: تبیین متن فهرست ۳/۲ جلسه گذشته.

حجت الاسلام روح الله صدوق: در بحث مواد منطق مجموعه‌نگر بخش تحقیق کتابخانه‌ای ...

ج: خوب این را برای بعد بگذارید، چون بنا نداریم بحث مجموعه‌نگری را بشکافیم و باز کنیم.

سؤال‌ها باید نسبت به اصل بحث باشد. اگر ربط چیزهایی که توضیح دادیم مبهم است، توضیح بخواهید؛ و گرنه موضوع جلسه این نبوده است که بخواهیم روش کتابخانه‌ای را از اوّل تا آخر توضیح دهیم و همه مفاهیم آن را مثل مفاهیم سازه و غیره توضیح دهیم. البته در این موضوع نیز باید کار تطبیقی شود.

سؤالی هم که به طور شفاهی - قبل از این که جلسه شروع شود - پرسیدند این بود که مفاهیم سازه یعنی چه؟ در این خصوص باید کار تطبیقی صورت بگیرد تا فهمیده شود یعنی چه؟ ما فقط می‌خواستیم روح بحث منطق مجموعه‌نگری را به دوستان منتقل کنیم. درباره‌ی روح بحث منطق مجموعه‌نگر و مقایسه‌ی آن با منطق انتزاعی و تکاملی، اگر سؤال دارید بفرمائید، و گرنه جزئیات را در همان بحثی که الآن داریم - منطق نظام ولایت - دقت کرده و از آنها سؤال کنید.

پرسش و پاسخ:

۱- تعریف مجموعه در منطق صوری و منطق مجموعه‌نگر

سؤال تبیین متن فهرست ۲/۴ جلسه گذشته هم همین است؟

س: نه! در آنجا که بحث مجموعه‌های یک عضوی است، فرمودید با «یک» مجموعه ساخته نمی‌شود با «دو» ...

ج: مجموعه [از نظر] ریاضی یعنی چه؟

برادر یزدانی: به بیشتر از ۲ مجموعه گفته می‌شود.

حجت الاسلام موشح: در ریاضی به یکی هم مجموعه گفته می‌شود، اصل مجموعه یعنی فضائی که می‌تواند تهی باشد، یکی باشد یا صد تا.

ج: فضا یعنی چه؟

س: یعنی محدوده‌ای را ما مشخص کرده و مرزبندی می‌کنیم و سپس می‌گوییم این داخل می‌تواند هیچ چیز نباشد، می‌تواند یک چیز باشد و می‌تواند هر عددی باشد. این تعریف ریاضی است.

ج: این تعریف غلط است، زیرا اگر [به خارج] تطبیق می‌کند یا _ به قول منطق صوری _ تطابق دارد و یا از عینیت اخذ شده است، اصلاً خلاء وجود ندارد، لذا آن حد وهمی است.

۱/۱- تعلق مبنای ۲ به منطق صوری و رد آن

س: سؤالی که از شما داریم در بخش بعدی می‌باشد، [در مباحث قبل] بیان شد که اگر ۲ عضوی باشد، مربوط به سلب و ایجاب (منطق صوری) است، در حالی که در جلسه قبلی آمده بود که اگر دو عضوی باشد، مربوط به منطق مجموعه‌نگر می‌باشد، ظاهراً در این جا سلب و ایجاب مربوط به منطق مجموعه‌نگری شده است.

ج: «مبنای» ۲ به منطق صوری تعلق دارد، نه دو عضو بودن.

س: اینجا چون بحث مجموعه است، ظاهراً دو عضو، دو عضو است.

ج: مجموعه‌نگری می‌تواند دو عضو هم داشته باشد، اما مبنای ۲ مربوط به منطق صوری است.

حجت الاسلام روح الله صدوق: چه مبنایی مربوط به منطق مجموعه‌نگری است؟ مجموعه‌نگری به مبنای ۳ است؟

ج: مبنای منطق مجموعه‌نگر را بحث نکردیم.

س: یعنی آن چیزی را که نقد می‌کردیم، متعلق به مبنای منطق صوری بود و مبنای منطق مجموعه‌نگر را نقد نکردیم؟! گفتیم یک نداریم، دو نداریم، بلکه سه داریم.

۱/۲- رد مجموعه‌های تهی و یک عضوی و بی‌نهایت در منطق مجموعه‌نگری

ج: آن نقدهایی که بر منطق مجموعه‌نگری کردیم چه بود؟ ۱ و صفر را قبول نکردیم و بی‌نهایت را هم قبول نکردیم، از این رو، درباره‌ی ۲ که بحث نکردیم.

۲- تحلیل از حرکت (در فلسفه نظام ولایت)، علت اخذ مبنای ۳ در منطق نظام ولایت

س: ۱ و ۲ را نقد کردیم، ولی اثبات این که چرا مبنا ۳ هست و ۴ و ۵ نیست ...

ج: در جلسه گذشته بر این که چرا مبنا ۳ است، چند بار توضیح داده شده است.

س: گفتید که یک بحث فلسفی است.

ج: بله، این دلیل مان است، در فلسفه نظام ولایت تحلیل از حرکت را به «ولایت، تولی، تصرف» تعریف شده است، یعنی در آن مباحث اصالت ماهیت، وجود، ربط و تعلق در فاعلیت منحل می‌شود و فاعلیت به «ولایت، تولی، تصرف» تکثیر شده است. البته این که [این مبنا] غلط است یا درست، بحث دیگری است. پس این منطق، حرکت را براساس سه متغیر معنی می‌کند و مبنا را هم در ماده و هم در صورت ۳ می‌گذارد.

۳- ۷۶۰۰ میلیارد وصف است یا موضوع؟

سؤال بعدی: هفت هزار و ششصد میلیارد، وصف است یا موضوع است؟ [جواب:] موضوع است.

حجت الاسلام روح الله صدوق: هر کدام از آن موضوعات هم ۲۷ تا وصف دارد؟

ج: کلمه هفت هزار و ششصد میلیارد، تنوع موضوعی در فلسفه‌ی نظام ولایت است، یعنی ۳ به توان ۲۷.

س: که ضرورتاً هر کدام از این موضوعات باید ۲۷ وصف داشته باشد.

ج: و ضرورتاً هر کدام از وصف‌ها نیز، دارای ۳ قید است. البته نیازی به تکرار این ضرورت‌ها نیست.

س: پس اگر بتوان باز هم تکرار کرد، تعداد آن بیش از این تعداد می‌شود.

ج: یعنی چه؟

حجت الاسلام زیبایی نژاد: یعنی بیشتر از این هفت هزار و ششصد میلیارد می‌شود.

ج: موضوع بیشتر نمی‌شود، زیرا سطر و ستونی که انجام شد، برای موضوع بود، نه برای وصف و قید. از طرف دیگر دلیلی ندارد که دوباره قیدها را سطر و ستون کنید.

س: شما فرمودید ۳ وصف را در یک طرف می‌نویسیم و سه وصف هم طرف دیگر می‌نویسیم.

ج: آن کار برای ساخت موضوع بود.

س: یعنی داخل آن خانه‌ها، موضوع می‌شود.

ج: داخل خانه‌ها تبعیت می‌کند از سیر ساخت یک خانه؛ ولی اینجا می‌خواهید موضوع بسازید، از این رو موضوع را سطر و ستون کرده و به هفت هزار و ششصد میلیارد موضوع رسیده‌اید.

۴- رابطه و نسبت میان منطق انتزاعی و مجموعه‌نگر با منطق تکاملی

حجت الاسلام روح الله صدوق: بحث بعدی سؤال شخصی آقای کشوری است: آیا منطق انتزاعی و مجموعه‌نگر، جزئی از منطق تکاملی هستند؟ یعنی داخل منطق تکاملی لحاظ می‌شوند؟

ج: [این دو منطق] به کار گرفته می‌شوند، یعنی منحل در منطق تکاملی می‌شوند که امروز هم یک مقدار بیشتر توضیح می‌دهیم.

س: یعنی منطق انتزاعی بهینه شده یا هر تعریفی که منطق تکاملی از منطق انتزاعی می‌دهد، داخل در منطق تکاملی است؟

ج: یک نظام است.

س: داخل در منطق نظام ولایت می‌شود.

ج: بخشی از [منطق] نظام تکاملی، منطق انتزاع است، بخشی هم مجموعه‌نگر می‌باشد.

س: با ضریب ۴، ۲، ۱.

ج: بله! با ضریب ۱، ۴، ۲.

۵- رابطه جدول ۲۷ تایی با جدول تعریف - اختصاص مباحث مطرح شده در جلسه‌ی قبل به مباحث روشی

س: در سیر توضیحات جلسه‌ی قبل به نظر می‌آید یک پرشی انجام شده است، به این صورت که از بحث صورت‌بندی که منجر به جدول ۲۷ تایی شد، بحث به اینجا کشیده شد که توسعه، در جدول تعریف خط خورده است.

ج: یک جلسه که بیشتر حرف نزده‌ایم [و از این رو، فقط به صورت اجمال بیان کردیم].

س: ربط این که جدول ۲۷ تایی چگونه آمد و تبدیل به جدول تعریف شد، مشخص نیست.

ج: هنوز به توضیح هیچ کدام از این جداول نرسیده‌ایم، به نظر می‌رسد عنوان وحدت جلسه را اشتباه فهمیده شده است. اگر روح بحثی را که در جلسه اول داشتیم، [درست] عنوان بنزید، دیگر این طور سؤال نمی‌کنید و منتظر عنوان‌های بعدی هم خواهید شد، به خاطر این که از همان اول تقسیم کرده و گفتیم: «صورت، مواد، هدف»، «نسبیت عام، نسبیت خاص و». در تقسیم بندی که در ابتدا کردیم، فهرست اجمالی ۶، ۷ جلسه آینده را گفته‌ایم؛ ولی الان از آن فهرست، فقط وارد روش شده‌ایم. بنابراین خیلی بحث‌های دیگر وجود دارد.

۶- رابطه صورت، مواد و هدف

حجت الاسلام زیبایی نژاد: فرمودید: «صورت، مواد، هدف» بعد گفتید «روش عام» و چه چیزهایی

ج: یعنی نسبیت عام دارد، نسبت خاص دارد، نظام شاخصه دارد، خیلی تقسیمات دارد، دوباره از این طرف هم
س: آنها را توضیح ندادید.

ج: آن بحث‌ها را نگفتیم؛ چون قرار شد که جلسه روی روش ممحض شود و در روش نیز، هم ماده وجود دارد و هم صورت بندی و

سؤال بعدی این است که چرا ستون در سطر ضرب نمی‌شود؟

جواب: علت این که چرا ستون در سطر ضرب نمی‌شود، در جلسه قبل بیان شد، لطفاً به متن جلسه قبل رجوع نمایید.

۷- تعیین عنوان جلسه قبل به: ساخت روشی یک موضوع به ۲۷ خانه و تکثیر موضوعات تا ۷۶۰۰ میلیارد

سؤال بعد: آیا ۲۷ خانه برای یک موضوع، هم اوصاف درونی است و هم اوصاف بیرونی؟ جواب: ۲۷ خانه، روی هم یک موضوع است.

س: یعنی تعریف اولیه از یک موضوع است؟

ج: ساخت یک موضوع است. یعنی چگونه [یک موضوع] ساخته شد؟ شکل‌گیری ساخت یک موضوع چه بود؟ البته هنوز جدول تعریف را توضیح ندادیم. بنابراین عنوان جلسه قبل: ساخت روشی یک موضوع است که ۲۷ تا شد و تا هفت هزار و ششصد میلیارد تکثیر گردد که توضیح [قسمت دوم] از دستور بحث خارج است.

س: علت این سؤال این بود که در همان قسمت اول که موضوع بحث جلسه اول بود، گفته شد چگونه این هفت هزار و ششصد میلیارد بدست می‌آید.

ج: حال اصلاً از موضوع بحث جلسات خارج است. آنچه مهم بود این است که فهمیده شود در یک موضوع چگونه از ۱ به ۲۷ رسیدیم که درونی و بیرونی را به موضوع شامل و مشمول تعریف کردیم. یعنی همان درون و بیرون حتی... .

حجت الاسلام کشوری: سؤال این است که اگر از این ۲۷ تا ۹ تای آن زمانی شود... .

ج: اصلاً بحث از زمان و مکان مطرح نشده است! لذا یکبار دیگر به متن جلسه قبل، مراجعه نمایید و از همان چیزی که بیان شده است، سؤال مطرح نمایید.

س: آنچه بیان شد، اجمال دارد.

ج: ما در جلسه قبل، فقط به دنبال بیان اجمال بحث بودیم. آیا اجمال آن را فهمیده‌اید؟

س: ۲۷ خانه است [این اجمالش است]

ج: اگر اجمال آن را فهمیده‌اید، کفایت می‌کند.

۸- تعیین حدّ منطقی مبنای ۳ (نظام ولایت) به ۷۶۰۰ میلیارد موضوع

حجت الاسلام آل یاسین: آیا خانه هفت هزار و ششصد میلیارد، مشمول هم دارد؟ [قاعدتاً] دیگر نباید مشمول داشته باشد.

ج: دیگر مشمول ندارد. یعنی ابتدا و ختم دارد؛ حد دارد.

س: این که بگوئیم فقط شامل دارد، درست است.

ج: اصلاً خودش شامل است. مثل جنس الاجناس. آیا بعد از جنس الاجناس، یک جنس الاجناس دیگری هست؟ اصلاً فرض این سؤال غلط است. چون در این دستگاه [نظام ولایت] محدودیت اصل است، نه بی‌نهایت. اصلاً روی بی‌نهایت خط زده است. همیشه هر چیزی را که می‌خواهید ببینید باید ابتداء و ختم آن را ملاحظه کنید. این مطلب درباره خودمان نیز وجود دارد، یعنی هم ابتداء داریم و هم ختم. اما درباره خدا، سؤال نمی‌کنیم. [درباره خدا تنزیه مطرح است].

حجت الاسلام آل یاسین: یعنی خانه‌ی آخری دیگر زیر مجموعه ندارد؟

ج: خانه‌ی آخر نداریم، مجموعه‌ی آخر داریم. موضوع آخر داریم که موضوع شامل شامل است که دیگر نظام بسته می‌شود. مثل ۱ تا ۶۴ [ضرائب] بسته می‌شود.

س: پس من بر عکس می‌گویم، خانه‌ی اولی

حجت الاسلام موشح: سؤال ایشان این است که آیا کوچکترین موضوع، باز هم ریز می‌شود؟

ج: کوچکترین خانه‌ای که داریم، مگر یک موضوع نیست. مگر ۲۷ وصفی نیست. این که دوباره سؤال کنیم دوباره تجزیه می‌شود یا نه، سؤال درستی نیست، چون می‌خواهید برای آن حد قائل نشوید. اما با این استدلال که هر چه مرکب است، تجزیه می‌شود، می‌خواهید به سمت بی‌نهایت بروید (چه رو به پائین و چه رو به بالا)

س: قاعده این را [می‌گویند که باید] جلو برود.

ج: نه! این غلط است.

حجت الاسلام زیبایی نژاد: باید بگوئید که از لحاظ عقلانی چه طور نمی شود.

ج: از نظر عقلانی، بحث فلسفی آن را کرده ایم که بی نهایت، سلب حدّ است. پس باید مفهوم فلسفی آن را فهمید. یعنی اگر نهایت را بردارید، بساطت، نتیجه می دهد و از بساطت هیچ درکی نیست.

حجت الاسلام موشح: می گوئیم یک موضوع هست که نمی توانیم آن را بشکنیم.

ج: نه این که موضوعی هست، بلکه هیچ درکی از او نیست. یعنی سلب است، نه این که هست و حالا باید چگونه تحلیل کنیم!! اشکالی که به منطق صوری و فلسفه صدرایی و اصالت ماهیت داریم نیز همین است و چیزی غیر از این نیست.

س: یعنی می گوئیم یک موضوع داریم که ۸۱ وصفی است و در خانه آخر آخر است. چنین موضوعی را دیگر نمی توانیم تجزیه کنیم. یعنی توان تجزیه آن را نداریم. فقط ۲۷ وصف آن را می گوئیم و تعریف می کنیم.

حجت الاسلام آل یاسین: یعنی یک طبقه بالاتر دارد، ولی طبقه پائین تر ندارد.

حجت الاسلام موشح: یعنی در آخرین خانه، از مشمول ترین عناصر بحث می کنند. یعنی مشمول مشمول است که دیگر از این پائین تر نداریم.

ج: از این پائین تر نداریم، اما [عقلاً] تجزیه می شود.

س: یعنی تجزیه می شود، اما ما نمی توانیم.

ج: اینکه ما می توانیم یا نمی توانیم، بحث نداریم. اصلاً ۳ قیدی است، نه یک قیدی. خانه ای که وحدت دارد و دارای سه قید است، قابل تجزیه شدن است. البته این [منطق] نمی تواند.

حجت الاسلام زیبایی نژاد: حالا همین یعنی بی حدی.

ج: چرا؟

س: چون برای آن حد مشخص نکردیم و نگفته اید انتهای آن کجاست؟

ج: انتهای چه چیز کجاست؟

س: انتهای این موضوع؛ آخرین تعریف موضوعتان چیست؟

ج: [در این جدول ۲۷ تائی،] این [خانه ی] بالایی است و این [خانه ی] پائین است. حالا شما سؤالتان چیست؟

س: آیا این خانه ی پائینی می تواند، یک ۲۷ تایی دیگر داشته باشد؟

ج: این پائین مگر موضوع است که ۲۷ تا داشته باشد؟

س: شما خودتان گفتید که این موضوع است.

ج: بنده گفتم همه این جدول ۲۷ خانه‌ای روی هم موضوع است.

س: اسم آن خانه‌ی آخر چه می‌شود؟

ج: من احتیاج به اسم گذاشتن ندارم. اصلاً چرا باید [در این مرحله] اسم بگذاریم؟

س: شما اسم این جدول را جدول نظام تعریف گذاشتید.

ج: آیا بحث اصلاً جلسه قبل، بحث اسم گذاری بود؟

س: نه!

حجت الاسلام کشوری: بحث این بود که ۲۷ خانه داریم.

ج: بحث جلسه قبل چه بوده است؟

حجت الاسلام زیبایی‌نژاد: اینکه صورت تعریف یک موضوع چگونه است.

ج: بحث این بود که از فلسفه نظام ولایت چگونه یک موضوع ساخته می‌شود. با منطق صوری و منطق مجموعه‌نگری هم مقایسه کردیم، در اینجا چه اشکالی دارید؟

س: از آنجا یک اشکال شد، در جواب به آن اشکال، رسید به این که ما قائل به بی‌نهایت، نیستیم. حال ما یک اشکال اینجا داریم، الان با این تعریفی که دادیم

حجت الاسلام کشوری: می‌گویند ما با تغییر در اوصاف شامل و مشمول یک شیء، در آن شیء تصرف می‌کنیم. حالا اگر فرض گذاشتیم که موضوعی شامل یا مشمول هم نداشته باشد، نمی‌توان در آن تصرف کرد.

ج: آیا موضوع جلسه قبل، بحث تصرف بود؟

س: نه!

ج: بحث چه بود؟ بحث جلسه قبل بحث فلسفه بود؟

حجت الاسلام زیبایی‌نژاد: بحث این بود که حد اولیه فلسفی‌تان را وارد بحث روش کردید. فقط یک مطلب در مقام مقایسه بین منطق مجموعه‌نگری فرمودید که در مجموعه‌نگری قائل به ریاضیات بی‌نهایت هستند و ما قائل به بی‌نهایت نیستیم، بی‌نهایت را نفی کردید.

ضرورت شامل و مشمول کردن موضوعات در منطق نظام ولایت برای فهم از حد نظام موضوعات

ج: سؤال شما را چند بار جواب دادیم. هم در فلسفه و هم در منطق. این را خارج از جلسه بحث می‌کنیم. از این رو، باید فیش‌های [بحث بی‌نهایت] را در بیاورید.

آن خانه پایین پائین، کوچکترین موضوع مشمول می‌شود و خانه‌ای که شامل بر ۷۶۰۰ میلیارد موضوع است، بزرگترین موضوع شامل [که دیگر مشمول نیست] می‌شود. بزرگترین موضوع شامل، وحدت ندارد، بلکه ۲۶ خانه از جدول شده است، یعنی آن بالا که فقط «درون» دارد و «بیرون» ندارد، بنابراین یک خانه نیست، بلکه ۲۶ خانه است. اشتباه

شما این است که می‌خواهید بگویید یک خانه است، اما نه؛ ۲۶ خانه است.

حجّت الاسلام زیبایی‌نژاد: یعنی ۲۶ تا دیگر، همان جدول قبل از آن [و شامل بر آن] است؟

ج: خیر؛ موضوعات که طبقه‌بندی می‌شود در بالای این طبقه‌بندی ۲۶ خانه وجود دارد. این ۲۶ خانه یک «درون» دارد که این «درون» شامل و مشمول می‌شود و در این پائین پائین موضوع «یک» تنها مشمول است و دیگر شامل هیچ موضوع دیگری نیست.

پس در پائین طبقه‌بندی موضوعات «یک» داریم و در بالای آن «۲۶» داریم. روش ما، شامل و مشمول کردن است، نه این‌که بالای نظام موضوعات را به وحدت برسانیم و بعد هم پائین آن را به وحدت برسانیم و پس از این کار، به خانه بالایی که به وحدت رسیده است، بگوئیم: تو موضوعی بالاتر از خود داری یا نداری؟ و به خانه پائینی هم، که به وحدت رسیده است، بگوئیم: تجزیه می‌شوی یا خیر؟! این نحوه برخورد مربوط به «منطق صوری» است، نه منطق تکاملی. این مشکل ناشی از ادراک غلطی است که مربوط به فرض بساطت است، در حالیکه مفاهیم پایه این دستگاه در اصل خود به ترکیب بر می‌گردد. بنابراین هر جا که می‌رود، باید مرکب ببیند و وحدت انتزاعی بساطتی را کاملاً غلط می‌داند.

حجّت الاسلام موشح: آیا منظور شما این است که جدول شامل (شامل‌ترین موضوع) به این معنا نیست که یک موضوع باشد، بلکه ۲۶ موضوع را با هم می‌گوئیم شامل است.

ج: بله، قرار نیست یک حکم مطلق در دستگاه خود پیدا کنیم و اگر پیدا نشد بگوئیم این دستگاه خراب است، زیرا بالای آن یک حکم پیدا کرده و پائین آن یک حکم دیگر. این گونه نیست که یک تعریف جاری ساری که همه جا عین هم باشد، بر نظام موضوعات حاکم باشد.

این پرسش‌ها ناشی از درک مفهوم بساطتی است که دستگاه منطقی نظام ولایت این مطلب را نفی کرده است. بنابراین تمام سؤالات شما به منطق صوری برمی‌گردد.

حجّت الاسلام آل یاسین: یعنی دو خانه در طبقه‌بندی ما وجود دارد که یکی از آنها شامل ندارد و دیگری مشمول ندارد؟!

ج: اصلاً «ندارد» یعنی چه؟ این‌گونه که شما می‌گویید «ندارد»، گویا این دستگاه منطقی یک عیبی دارد! و حال آنکه این مطلب لازمه محدودیت است که یکی از خانه‌ها شامل نداشته باشد و دیگری مشمول نداشته باشد.

تعریف جدول ۲۷ تایی به جدول ساخت موضوعات در روش و شناسایی موضوع در شاخصه

حجّت الاسلام گودرزی: شما درباره «ساخت موضوعات»، صحبت کردید، آیا این جدول ساخت موضوعات است؟ یا جدول شناسایی موضوع است؟!

ج: فعلاً بحث «ساخت موضوع» است و جدول شناسایی موضوع مربوط به زمانی است که به شاخصه رسیدیم.

س: یعنی با این جدول، فقط صورت بندی موضوعات را می‌سازیم؟

ج: در کجا؟

س: در روش.

ج: روش یعنی کجا؟! سؤال شما ابتدا انصراف به واقعیت خارج دارد. ولی هنوز تا خارج خیلی بحث مانده است. هم اکنون در همین سطحی که موضوعات را ساخته‌ایم، بحث می‌کنیم و در این سطح فعلاً در حال ساختن موضوعات هستیم. در هر صورت، امروز در این خصوص توضیح بیشتری می‌دهیم.

اصل بحث: کیفیت ساخت موضوع روشی و صورت‌بندی آن در نسبت عام منطقی

[از این‌جا موضوع جلسه است] می‌خواهیم از دنیای انتزاع، خارج شده و وارد دنیای «یک روش عام» شویم. یعنی از یک دنیای انتزاع فلسفی، وارد یک دنیای «نسبت عام» می‌شویم، مانند جاذبه عمومی.^۱

اکنون در یک نسبت عام منطقی، کیفیت ساخت موضوع روشی خود را ملاحظه می‌کنیم، آن هم در بخش صورت‌بندی. زیرا بحث روش، تقسیمات درونی دیگری هم دارد.

۱- ضرب صورت، ماده و هدف و تکثیر آنها در جدول ۲۷ تایی

حال این روش عامی که در مورد آن صحبت کردیم، یک «صورت‌بندی»، یک «ماده‌سازی» و یک «هدف‌گذاری» دارد و اینها در یکدیگر ضرب می‌شوند: «صورت صورت»، «صورت ماده»، الی آخر و خود این عناوین ضرب شده را در جدول ۲۷ تائی نوشته می‌شوند. زیرا در هر موضوعی که صحبت می‌شود، باید بتوان عناوین آن را در این جدول ۲۷ تائی جا داد.

۱/۱- کیفیت ساخت موضوع روش و صورت‌بندی کیفی آن در منطق صوری به قضیه‌سازی

در مقابل این جدول، صورت‌بندی منطق صوری به صورت: «موضوع، محمول و نسبت حکمیه» بود. در آنجا دو ماده دارد که موضوع و محمول می‌شوند و حکمی هم می‌سازد که سلب و ایجاب است. هر سه اینها روی هم، صورت‌بندی منطق صوری است که به آن «قضیه‌سازی» می‌گویند.

۱/۲- ضرورت تبعیت منطق صوری از منطق مجموعه‌نگر در ساخت ماده

ماده‌سازی منطق صوری هم در طبقه‌بندی مواد در آخر بحث منطق آمده بود، یعنی جایی که صحبت از حسیات، متواترات و مانند آن می‌شود. منطق صوری نیز در اینجا ماده می‌سازد، ولی «ماده‌ی روشی»، نه ماده ناظر بر عینیت و خارج. منطق صوری در ساخت ماده احساس نیازی به منطق مجموعه‌نگری نکرده است و این اشتباه است، باید از منطق مجموعه‌نگری در ساخت ماده استفاده می‌کرده، ولی این کار را نکرده است.

۲- کیفیت ساخت موضوع روش و صورت‌بندی عینی آن در منطق مجموعه‌نگر به ملاحظه ربط بین امور

مشابه آنچه که ما انجام می‌دهیم، در صورت‌بندی منطق مجموعه‌نگری نیز وجود دارد. منطق مجموعه‌نگری نیز از موضوع و محمول سخن نمی‌گوید و اینگونه نیست که ماهیتی برای موضوع بسازد و ماهیتی هم برای محمول و سپس از نسبت بین آنها و وجه اشتراک و وجه اختلاف صحبت کند.

منطق مجموعه‌نگری از ابتدا می‌گوید «ترکب». این که موضوع است یا محمول، وصف است یا جزء و یا هر چیز

^۱. البته این که می‌گوئیم مثل جاذبه، بعد سوال نشود «حال جاذبه چیست؟! چون تا بحث جاذبه هنوز خیلی مانده است!

دیگری، کاری به آن ندارد. تنها وابستگی و ربط بین اینها را می‌بیند و این وابستگی را نیز به نحو اجمالی بررسی می‌نماید. از این رو، به ماهیت بودن یا نبودن آنها نیز کاری ندارد. بلکه فقط ربط بین A و B را ملاحظه می‌کند و اینکه A و B چه ارتباطی با هم دارند.

منطق مجموعه‌نگری، این نکته را - که همه چیز به هم ربط دارند - از فلسفه [خود] گرفته است و به ترکیب معتقد است و قائل به بساطت نیز نمی‌باشد. پس در منطق مجموعه‌نگری، ترکیب اصل است.

۲/۱- ملاحظه ارتباطات و وابستگی‌های کمی بعنوان اولین ملاحظه در منطق مجموعه‌نگر

در صورت‌بندی‌ای که منطق مجموعه‌نگری انجام می‌دهد، گاهی یک وابستگی کمی را توصیف می‌کند و گاه یک وابستگی کیفی را. در وابستگی کمی می‌گوید: $2A=B$.

۲/۲- ملاحظه وابستگی‌های کیفی به عنوان دومین ملاحظه در منطق مجموعه‌نگر

بنابراین همین که دو برابری را مطرح می‌کند، در حال بیان وابستگی کمی دو موضوع است. یعنی معین می‌کند که وزن این دو برابر آن است یا طول آن دو برابر این است و ...

گاهی نیز وابستگی‌های کیفی را مطرح می‌کند، مثلاً می‌گوید: اگر رنگ زرد این شیء را عوض کنیم، حجم آن این گونه می‌شود. در این حالت از دو برابری و مقادیر کمی صحبت نمی‌کند، بلکه ربط بین کیفیات را ملاحظه می‌نماید. منطق مجموعه‌نگری در بیان وابستگی‌های کیفی، ممکن است نسبت دو شیء را با هم ببیند، مانند: نسبت میان موج و اشعه، یا نسبت بین تجسم و تشکل، هم به صورت درونی و هم به صورت بیرونی.

۲/۳- ملاحظه طبقه‌بندی وابستگی‌ها به عنوان سومین ملاحظه در منطق مجموعه‌نگر

در نهایت می‌توان گفت که منطق مجموعه‌نگری، در هنگام ملاحظه کیفی، تنها «وابستگی» را می‌بیند و از متغیرها بحث می‌کند. در این نگاه، دیگر از اضافه، جمع، تفریق، و استفاده نمی‌کند. وقتی می‌خواهد بگوید: اگر وزن چیزی بالا رفت، حجم آن فلان می‌شود، از توان و منحنی استفاده می‌کند، یعنی احکام منطق مجموعه‌نگری مطلق نیست که بخواهد نسبت وزن به حجم را به صورت خطی و یکنواخت ملاحظه نماید. در این موضوعات، منحنی وزن یک شیء را در برابر منحنی حجم همان شیء و یا موضوع دیگری که می‌خواهد ارتباط آن را بررسی کند، قرار می‌دهد و سپس نسبت آن‌ها را محاسبه می‌کند. این منطق، پس از انجام همه این کارها، در نهایت برای وابستگی‌ها طبقه‌بندی می‌کند. بنابراین آنچه منطق مجموعه‌نگری ارائه می‌نماید، وابستگی‌های کمی، وابستگی‌های کیفی و طبقه‌بندی وابستگی‌ها است، نه جریان به وحدت رسیدن این وابستگی‌ها.

۳/۴- اشتراک منطق مجموعه‌نگر با منطق نظام ولایت در ملاحظه وابستگی‌ها و تفاوت آن‌ها در عدم

ملاحظه وحدت وابستگی‌ها در منطق مجموعه‌نگر

تفاوت منطق مجموعه‌نگری با منطق تکاملی عدم توجه این منطق به «وحدت وابستگی‌ها» یعنی «هدف‌گذاری» است.

بنابراین همان‌طور که در جلسه قبل بحث شد، ما در این نکته که «می‌خواهیم وابستگی‌ها را بررسی کنیم»، با منطق مجموعه‌نگری مشترک هستیم.

۳- کیفیت ساخت روش و صورتبندی کمی آن در منطق‌های سه گانه

دیدگاه فلسفه نظام ولایت را در بررسی وابستگی‌های کمی [اجمالاً] بیان کردیم، اکنون قبل از آنکه وارد ادامه بحث شویم، ابتدا اشاره‌ای دقیق‌تر به تفاوت دیدگاه منطق‌ها در بررسی وابستگی کمی می‌نماییم.

۳/۱- برقراری نسبت تساوی کمی به روش سلب و ایجاب در منطق صوری

وقتی می‌گویید: $A=B$ ، دیدگاه منطق صوری این است که تساوی میان A و B یا هست و یا نیست، یعنی به صورت سلب و ایجاب به آن نظر می‌کند.

۳/۲- عدم اکتفا نسبت به تساوی به روش سلب و ایجاب در منطق مجموعه‌نگر

ریاضیات منطق مجموعه‌نگری [یعنی دستگاه کمی منطق مجموعه‌نگری] نیز همین گونه عمل می‌کند و می‌گوید این تساوی یا هست و یا نیست. یعنی این حکم را از منطق صوری می‌گیرد و در این جا به کار می‌برد. اما این تنها حکم و گزاره‌ای نیست که در ریاضیات مجموعه‌نگری وجود دارد! ریاضیات مجموعه‌نگری، بزرگ‌تری و کوچک‌تری هم دارد، تقریب هم دارد. یعنی مجموعه دیگری از احکام نیز در منطق مجموعه‌نگری وجود دارد.

پس منطق مجموعه‌نگری خود را مقید به سلب و ایجاب نکرده است.

۳/۳- وابستگی توزینی (سه‌سهای و محدود) اساس در دستگاه کمی و کیفی منطق نظام ولایت

هنگامی که به منطق نظام ولایت در مقابل آن دو منطق نظر می‌کنیم، می‌بینیم که منطق نظام ولایت نیز در دستگاه خود وابستگی کمی و کیفی دارید و علاوه بر آن «وابستگی توزین» هم دارید که فعلاً به آن نمی‌پردازیم.^۱

فرهنگستان در دستگاه منطقی خود در وابستگی کمی، می‌گوید که شمارش را عوض کرده است. زیرا در منطق صوری شمارش به این معناست که بگویید: ۱-۲-۳-۴-.... و به همین شکل می‌توانید اضافه کنید. در منطق مجموعه‌نگری نیز مجموعه‌های بسته، باز، به نحوه محدود و بی‌نهایت می‌تواند مورد شمارش قرار بگیرد. یعنی منطق مجموعه‌نگری مدعی است هم در بی‌نهایت می‌تواند شمارش کند و هم در محدود.

ولی دستگاه منطقی فرهنگستان می‌گوید تمام شمارش‌ها هم «محدود» و هم مقید به «سه سه» است..

به عبارت دیگر، وقتی اعداد را می‌شمارید، می‌گوئید «۱-۲-۴» و ادامه نمی‌دهید، زیرا می‌گوئید مجموعه بسته شد، چون معتقدید اعضای مجموعه بیشتر از سه تا نمی‌تواند باشد. حال آیا پس از پایان این شمارش، دیگر شمارش نداریم؟! داریم، ولی در مجموعه دیگری که در امتداد این مجموعه قرار دارد. این مجموعه، آغازی دیگر دارد: «۲-۴-۸» و در ادامه: «۴-۸-۱۶» و به همین شکل اعداد و مجموعه‌ها را می‌شماریم. (مانند ستون ارزش در جدول نظام تجزیه اصطلاحات پیوستی)

این شمردن‌ها اگر در سه بسته شود گفته می‌شود «قید» است و اگر در ۲۷ بسته شود می‌گوئیم «موضوع» است. این بر اساس دلایلی است که در جلسه قبل ذکر کردیم و گفتیم فلسفه نظام ولایت حکم می‌کند که عناصر را سه بار در هم ضرب شود.

^۱ جلسه بعد در نظام سؤالات نگوئید «توزین» به چه معناست، الان می‌خواهیم فقط وابستگی کمی را توضیح دهیم.

حجّت الاسلام زیبایی نژاد: این که سه قید است دلیلش چیست؟

۳/۳/۱- چرایی انتخاب مبنای سه در نظام شمارش اعداد به چگونگی تحلیل از اختیار در فلسفه

ج: چند بار بیان شد که این حکم به فلسفه [نظام ولایت] باز می‌گردد. فلسفه نظام ولایت تعریف از حرکت را به «سه» بر می‌گرداند، ما هم براساس این تعریف سه بار ضرب را تکرار می‌کنیم. اگر در فلسفه نظام ولایت تعریف از حرکت را به چهار برمی‌گرداند، ما نیز چهار بار ضرب را تکرار می‌کردیم.

س: این را می‌دانیم، اما سؤال، این است که چرا به سه تایی «قید» گفته می‌شود و به ۲۷ تایی «موضوع»؟

ج: در اینجا اسم مهم نیست و بلکه این، فقط اسمی است که برای آن انتخاب شده است. اول جلسه هم گفته شد که منطق تکاملی، نه می‌خواهد کلیات را تعریف کند، نه جزء و کل را؛ بلکه می‌خواهد اوصاف اختیار را ارتقاء دهد، چون بحث این دستگاه منطقی بحث اختیار است. البته بحث مبسوط این‌ها در مباحث فلسفه است و در این جا نمی‌خواهیم آن را بیان کنیم. وقتی موضوعات را طبقه‌بندی می‌کنیم و وابستگی‌های آن‌ها را بیان می‌کنیم، در حال بحث از اوصاف اختیار هستیم. یعنی منطق تکاملی می‌خواهد اختیار را کنترل کند.

س: یعنی «موضوع»، «قید» ... و همه این‌ها اوصاف اختیار هستند؟!

ج: بله، ولی الآن در این بحث، این طور گفته نمی‌شود. زیرا این از پیش فرض‌های فلسفه است که به منطق آورده‌اید. وقتی می‌خواهید بحث روشی کنید، نباید از این موضوعات بحث کنید.^۱

۳/۳/۲- حفظ وحدت مجموعه و ادامه حیات آن، علّت اول در شمارش کمی به صورت ۴-۲-۱

ما الآن می‌خواهیم به سمت بحث مدل برویم، به دنبال این هستیم که وقتی جامعه را تحلیل می‌کنیم بگوئیم با منطق تکاملی چگونه تحلیل می‌شود. حال در این جا نباید اصالت ماهیتی حرکت نمایید و اگر بخواهید مجموعه‌نگری ببینید، وابستگی متغیرها را ملاحظه می‌نمایید. اما در این جا آن را مقید می‌کنید، به این که این متغیرها... به عنوان مثال، می‌گویند در کامپیوتر متغیرها بسیار زیاد است؛ می‌گوئیم آیا می‌تواند تا بی‌نهایت برود؟! می‌گویند نمی‌تواند برود. [در اینجا هم] نحوه رفتن قاعده‌مند است؛ یعنی «سه سه» است و در «سه سه» سه تا قید را قاعده‌مند می‌کنیم و می‌شماریم.

حالا اگر همین بحث را که گفتیم «یک، دو، چهار»، بخواهیم به نحوه کیفی بگوئیم؛ می‌گوئیم: متغیر «اصلی، فرعی، تبعی»، بنابراین در آنجا که گفتیم «الف، ب، ج»، الف متغیر اصلی، ب متغیر فرعی و ج متغیر تبعی است. بیان ریاضی آن می‌شود «چهار، دو، یک». حال چرا «یک، دو، سه» نگفتیم. زیرا اگر «یک و دو» - که گفتیم اختیار هستند - با هم تبانی کنند، می‌توانند [کار] رهبر را از حرکت باز دارند [و مجموعه را متلاشی کنند]. به همین خاطر سهم اصلی را که چهار است؛ به رهبر [متغیر محوری] می‌دهیم، که در این صورت متغیرهایی دیگر، هر چقدر هم تلاش کنند، نمی‌توانند در مقابل رهبر بایستند و مجموعه از بین نمی‌رود و همچنان باقی می‌ماند.

البته اگر در مباحث حاج آقای حسینی (ره) دقت کنید، در بحث اصالت ربط «یک، دو، سه» می‌گویند، اما زمانی که وارد منطق نظام ولایت می‌شوند «یک، دو، چهار» می‌گویند. این سیر رشد مبنای سه است.

^۱ . آن کسی که فهم آکادمیکی دارد، ممکن است یک نفر باشد. آن یک نفر بعضی اوقات این سؤالات را می‌پرسد و وقتی شما این را به فلسفه برگردانید، به سرعت به بحث منتقل می‌شود و بحث را ادامه می‌دهد.

البته یک سطح هم «یک، یک، یک» بود، که این، مربوط به معصومین است که هیچ هرزروی ندارند. وقتی متغیرها هرزروی نداشته باشند «یک، یک، یک» می‌شود. که البته الآن نمی‌خواهیم الآن این‌ها را بحث کنیم.

حجّت الاسلام آل یاسین: هرزروی یعنی چه؟

ج: یعنی شیطنت ندارند؛ به عبارت دیگر، در این جا یک مرگب است که سه بردار دارد و در برآیند هم هیچ هرزروی ندارد.

۳/۳/۳- وحدت نسبت، علّت دوم در شمارش کمی به صورت ۴-۲-۱

حجّت الاسلام زیبایی‌نژاد: چرا به متغیر محوری، سهم تأثیر «پنج یا شش» نمی‌دهند تا قدرت بیشتری داشته باشد؟

ج: زیرا در این جا وحدت نسبت لازم است. یعنی یک بحث این است که مجموعه زنده بماند و بحث دیگر این‌که این [زنده] ماندن، باید قاعده‌مند باشد. لذا وقتی می‌گوئیم «یک، دو» در این جا دو، دو برابر یک است و چهار، دو برابر دو است. همین را می‌توانیم در مبنای سه هم جاری کنیم؛ می‌شود «یک، سه، نه» سه، سه برابر یک است و نه، سه برابر سه است؛ «یک، چهار، شانزده» چهار، چهار برابر یک است و شانزده چهار برابر چهار است. این را از سه که خارج کنیم و در هر مبنایی که ببریم، باید وحدت نسبت برقرار باشد، هم نسبت بین «سه سه سه» و هم درونشان تا به ۲۷ برسد. این نسبت دو برابری، علّت تعریف موضوع واحد است. حال چرا به آن موضوع می‌گوئیم؛ به دلیل این‌که وحدت نسبت بر آن حاکم است. این وحدت نسبت، شمارش را به وحدت می‌رساند.

حجّت الاسلام گودرزی: فرمودید مجموعه اول «یک، دو، چهار» است، حال مجموعه دوم از [کجا آغاز شود؟]

ج: مجموعه دوم را دو برابر مجموعه اول قرار می‌دهیم، یعنی «دو، چهار، هشت» و باز همین را دو برابر می‌کنیم، این دو برابر کردن باید در مجموعه‌های سه تایی باشد.

حجّت الاسلام زیبایی‌نژاد: چرا دو برابر می‌کنید؟ و سه برابر نمی‌کنید؟

۳/۳/۴- وحدت نسبت، مفسیر شیب مجموعه

ج: مهم نیست، بلکه آنچه در این جا، برای ما مهم است وحدت نسبت می‌باشد. حال در اینجا نسیبت دو مشکلی ندارد. و قرار نیست چون یک‌بار دو را در [منطق انتزاعی نفی کردیم]، دیگر از آن استفاده نکنیم؛ زیرا این دو برابری نسبت است، مبنا نیست. از طرف دیگر یک برابری به ما مجموعه نمی‌دهد و می‌شود «یک، یک، یک»، یعنی حداقل مجموعه، مجموعه به نسبت دو برابری است. سپس سه برابری، چهار برابری، و...

س: یعنی در دستگاه شما مجموعه سه برابری هم هست.

ج: اگر بخواهیم شیب [تصمیم‌گیری] را تند کنیم، از دو استفاده می‌شود. یعنی [وقتی می‌خواهیم] تصمیمات

تند [و انقلابی] بگیریم [از نسبت ۲ استفاده می‌کنیم] ولی اگر بخواهیم تصمیمات آرام بگیریم، از ۶ و ۷

استفاده می‌کنیم.

پس وحدت نسبت مفسر شیب است. یعنی شیب تصمیم جریان اختیارات است. (به عبارت دیگر، شلاقی تصمیم گرفته شود یا با لطافت و همه اینها در کیفیت آن تأثیر دارد.

حجت الاسلام گودرزی: سؤال من این بود که، در مجموعه دوم، چرا نگفتیم «چهار، هشت، شانزده»

ج: این را که الآن جواب دادیم. مثل این است که بگوئیم چرا نمی‌گوئیم «یک، چهار، بیست و هشت»؟ برای این که باید وحدت نسبت برقرار باشد.

س: سؤال من این است که، چرا از پایان مجموعه اول، مجموعه دوم را شروع نمی‌کنیم. و بگوئید «چهار، هشت، شانزده». به عبارت دیگر من نمی‌گویم حتماً این طور (بعد از «۴، ۲، ۱»؛ «۸، ۱۶، ۳۲» باشد. بلکه می‌گویم طبق چه قاعده‌ای باید این طور [بعد از «۴، ۲، ۱»؛ «۸، ۴، ۲»] باشد.

ج: [طبق قاعده‌ای ۲ برابری]. یعنی اگر یک، دو، چهار را دو برابر کنید، [مجموعه بعدی ۲، ۴، ۸ می‌شود].

س: یعنی در مجموعه ساختن نیز دو برابری را حفظ می‌کنیم.

ج: بله؛ این مطلب هم در درون [مجموعه] و هم بیرون [مجموعه] جاری است.

حجت الاسلام آل یاسین: شما فرمودید که اگر «۴، ۲، ۱» یا «۱، ۴، ۱۶» بگوئیم، در هر صورت از مبنای سه خارج نشدیم.

ج: بله، از مبنای «سه» خارج نشده‌ایم. ولی از وحدت نسبت بیرون آمدیم.

س: یعنی در مبنای سه هستیم و قائل به مبنای ۴ نشده‌ایم.

ج: بحث در این جا این است که می‌خواهیم نسبت دو برابر را حاکم کنیم از این رو، این نسبت دو برابری باید در مجموعه‌های دیگر نیز حاکم باشد.

س: این که شما فرمودید ممکن است از مبنای سه خارج شویم و در مبنای چهار برویم، ...

ج: در اینجا می‌توانیم بنا را بر دو برابری بگذاریم، مثل ۴-۲-۱ یا سه برابری مثل ۹-۳-۱ و یا چهار برابری مانند ۱۶-۴-۲-۱. و در همه اینها، باز مبنای شما همان ۳ می‌باشد. [اما این که چرا می‌توانیم از سه روش ذکر شده، استفاده کنیم، این است که] در دستگاه علمی فرهنگستان، این طور نیست که یک حکم [مطلق] داده شود و سپس هر کاری که بخواهیم، بتوان انجام داد، بلکه نظامی از مفاهیم، برای ساخت منطقمان ارائه می‌دهیم. به عبارت دیگر این طور نیست که یک حکم داده شود و سپس گفته شود این حکم، [تمام] منطق ماست و حکمی دیگر وجود ندارد. از این رو، همان طوری که ملاحظه شد و خواهد شد، در جلسه قبل ده‌ها حکم را بیان کردیم و در آینده نیز ده‌ها حکم را خواهیم گفت و این حکم‌ها به صورتی خواهد بود که وقتی در نهایت یک متخصص آن را ببیند، اقرار خواهد کرد که این [نظام حکم‌ها] در وحدت خود، ماشین محاسباتی پیچیده‌ای است که توان رو در رو شدن با ماشین محاسباتی تخصصی خود (تخصص موجود) را دارد و حتی ممکن است ماشین محاسباتی او را نیز به انزوا بکشانند.

پس به طور کلی، در دستگاه منطقی فرهنگستان، این طور نیست که یک حکم واحد بسیط گفته شود و سپس تمام امور دیگر بر آن استوار گردد.

حجّت الاسلام زیبایی نژاد: شما گفتید که این اعداد مدل شیب یک مجموعه را نشان می‌دهد، لطفاً توضیح فرمایید.

۴- توضیح جداول پیوستی جدول نظام تعاریف

ج: قبل از این بحث، اجازه دهید، جداولی که درست شده است را توضیح دهیم. جدول اول (جدول شماره ۱ پیوستی) جدول سه تایی، می‌باشد، در این جدول فقط متغیر «الف، ب، ج» وجود دارد یا می‌توانیم بگوییم متغیر «اصلی، فرعی، تبعی» یا ضریب «۱، ۲، ۴»؛

۴/۱- قرار دادن گمانه‌های تعریفی (مفاهیم پایه در صرف مفهوم) در جداول سه‌تایی

حاج آقای حسینی در این جدول گمانه‌های تعریفی خود را می‌نوشتند؛ یعنی پایه‌ی اینکه چگونه یک چیز صرف مفهوم می‌شود، بوسیله این جدول سه تایی مشخص می‌شد. البته الآن موضوع بحث ما این جدول نیست.

حجّت الاسلام کشوری: یعنی نگاه سه تایی به موضوع، نگاه انتزاعی به موضوع است.

ج: ما گفتیم این جدول سه تایی، خارج از موضوع بحث ما است.

۴/۲- قرار دادن ضرب متغیرهای اصلی، فرعی و تبعی در یک‌دیگر در جدول ۹ تایی

جدول دوم، جدول ۹ تایی (جدول شماره ۲ پیوستی) می‌باشد. در این جدول، «الف، ب، ج» یا متغیر «اصلی، فرعی، تبعی» در هم ضرب می‌شود و این ۹ [خانه] بدست می‌آید.

۴/۳- کیفیت شکل‌گیری یک موضوع در جدول ۲۷ تایی

جدول سوّم، جدول ۲۷ تایی (جدول شماره ۳ پیوستی) است که وقتی قیود (الف، ب، ج) یا اوصاف را به طریقی در هم ضرب می‌کنیم، جدول ۲۷ تایی بدست می‌آید. این جدول ۲۷ تایی، کیفیت شکل‌گیری یک موضوع است.

حجّت الاسلام زیبایی نژاد: جدول ۹ تایی قبلی، کجای این جدول ۲۷ تایی قرار می‌گیرد؟

۴/۴- تفاوت جدول نظام اصطلاحات با جدول تکثیر اصطلاحات

ج: اگر بخواهید نظام اصطلاحات درست کنید، جدول آن، این جدول ۲۷ تایی نیست، بلکه جدول آن، جدولی (جدول شماره ۴ پیوستی) خواهد بود که یک طرف آن ساختار و یک طرف دیگر آن کارایی است [و طرف دیگر آن توسعه است]. که در واقع سه تا «۱، ۳، ۹» (در سه طرف جدول) وجود دارد. بنابراین در این جدول فقط اصطلاحات تکثیر می‌شود.

۴/۵- چگونگی تکثیر و صرف مفهوم اصطلاحات در جداول ۳-۹-۲۷ تایی

البته برادران دقت داشته باشند این جداولی که در این جلسه مورد بررسی قرار می‌گیرند، جداولی است که آخرین تغییرات در آن اعمال شده است. زیرا در دفتر فرهنگستان ابتدا یک دور جداول تولید شده است و بعد از آن صرف مفهوم شده و در نهایت ما آخرین‌ها را به شما درس می‌دهیم. بنابراین سه تایی اول همراه با صرف مفهوم آن و ۹ تایی دیگر نیز همراه با صرف مفهوم آن، به شما [۳ یا ۹] عنوان معنا شده تحویل می‌دهد.

به عبارت دیگر، ابتدا سه را تناظر سازی کرده و بعد ۹ مفهوم را می‌سازید، سپس آنها را در جدول ۲۷ تایی قرار

س: حال آن ۹ عنوان اول در چه قسمتی از جدول ۲۷ تایی قرار می‌گیرد؟

ج: سه تای آن ۹ عنوان - استخراج شده - را در، اینجا (شماره‌های ۱ در جدول پیوستی شماره ۳) سه تای دیگر در اینجا (شماره‌های ۲ در جدول پیوستی شماره ۳) و سه تای آخر را در اینجا (شماره‌های ۳ در جدول پیوستی شماره ۳) قرار می‌دهید و سپس در هم ضرب می‌کنید تا ۲۷ عنوان بدست آید.

[البته همان طوری که اشاره شد، این جداول، آخرین جداولی است که بدست آمده، اما قبل از بدست آمدن این روش در دفتر] قطرگیری می‌شد. یعنی هر سه تایی مثل «الف، ب، ج»، در هم ضرب می‌شد تا اوصاف توسعه بدست آید. بعد «الف، ب، ج»، در هم ضرب می‌شد تا اوصاف ساختار را تحویل دهد و سپس «الف، ب، ج» در هم ضرب می‌شدند تا اوصاف کارآیی ارائه شود. در نهایت قطرگیری می‌شد تا با کوچک کردن آن‌ها بتوان دوباره آنها را در مجموعه آورد. اما بعد از تولید صرف مفهوم در دفتر فرهنگستان، کار آسان شد و دیگر نیازی به قطرگیری نبود.^۱

حجّت الاسلام روح الله صدوق: شما در جلسه گذشته فرمودید که آن ۹ مفهوم ایجاد شده [در جدول ۹ تایی] در سطر [جدول ۲۷ تایی] قرار می‌گیرد و در ستون نیز، سه وصف دیگر قرار می‌گیرد که وقتی در هم ضرب می‌شوند، جدول ۲۷ تایی را تحویل می‌دهد.

ج: خیر؛ سه تا از ۹ [عنوان بدست آمده از جدول ۹ تایی] در سه خانه بالای سطر (شماره‌های ۲ در جدول پیوستی شماره ۳) و سه تای دیگر در ستون (شماره‌های ۱ در جدول پیوستی شماره ۳) و سه تای آخر، به صورت تکرار در ۹ خانه پایین سطر (شماره‌های ۳ در جدول پیوستی شماره ۳) قرار می‌گیرد.

حجت الاسلام موشح: علت این سؤال ایشان، بیان جلسه قبل شما بود که فرمودید این ۹ تا عنوان دو قیدی که از ضرب بدست آمده است را بالا می‌آوریم و در سه تای دیگر ضرب می‌کنیم و حال آنکه در جداول این جلسه، قیود، همگی یک قیدی هستند، نه دو قیدی. [لذا این اشکال وارد نیست].

حجّت الاسلام آل یاسین: آیا جدول ۸۱ [جدول] اصطلاحات است.

ج: [جدول] هشتاد و یک در خیلی از جاها است. هم در جدول تعریف است، هم در این جاست؛ از این رو، لطفاً برادران در ابتدا سؤال نکنند و بیشتر مباحث را مورد دقت قرار دهد. زیرا در این جلسات آخرین نتایج مباحث حضرت استاد بیان می‌شود، بر این اساس دقت کنید تا مشخص گردد چگونه این وابستگی کمی بر اساس فلسفه نظام ولایت، ماده‌ها را تکثیر می‌کند.

در جلسه قبل بحث تکثیر را بیان کردیم که چگونه سه در سه، سطر و ستون شد و بعد این ۹ تا به صورت سطر در مقابل سه تای ستون، یک موضوع ۲۷ را [تحویل داد].

۵- چگونگی تبدیل جداول نظام اصلاحات به جدول تحلیل و سپس به جدول نظام تعاریف

در این جلسه، این ۲۷ تا را ما در این جدول (جدول پیوستی تجزیه اصطلاحات) نوشته‌ایم. در این جدول اعداد ۴- ۲-۱، ۸-۴-۲، ۱۶-۸-۴ و تا ۶۴ آمده است.

^۱ در کتاب «روش تولید تعاریف کاربردی» توضیح و تفصیل بحث قطرگیری آمده است.

حال گاه ما موضوع را داخل این [جدول شماره ۳ پیوستی] می‌ریزیم و گاه آن را به صورت خطی زیر هم می‌نویسیم که این [جدول پیوستی تجزیه اصطلاحات] را تحویل می‌دهد. وقتی اینها در یک خط آوردیم، (سه تا سه تا) با هم جمع می‌زنیم که جمع ۴، ۲، ۱ می‌شود؛ ۷ جمع ۸، ۴، ۲ می‌شود؛ ۱۴ جمع ۱۶-۸-۴ می‌شود؛ ۲۸ و تا آخر این‌ها را جمع می‌زنیم؛ با این کار می‌خواهیم نشان دهیم چیزی را که تجزیه کردیم، چگونه به وحدت می‌رسد. بنابراین وقتی از یک شروع کردیم و گفتیم ۱، ۳، ۹ و در نهایت ۲۷ تا شد، حال این ۲۷ تا را در یک خط نوشتیم که این قسمت [خانه‌های شماره ۳ در جدول تجزیه اصطلاحات]، ۹ می‌شود و این قسمت [خانه‌های شماره ۲ در جدول تجزیه اصطلاحات]، ۳ و این‌جا [خانه شماره ۱ در جدول تجزیه اصطلاحات]، ۱ می‌شود. اما در حقیقت اینجا [خانه شماره ۱ در جدول تجزیه اصطلاحات] یک نیست، بلکه ۲ است. زیرا این طرف ۱ است، آن طرف نیز یک است؛ که بیان شد، «یک» دیگر آن در [طرف سوم] می‌باشد. این همان عدد ۶۴ می‌باشد که در جدول حاکم بر این جدول قرار دارد. (البته در جلسه قبل به این مطلب اشاره شد).

مطلب دیگر، اینکه در جداول، از ۳ به ۹ و [از ۹ به] ۲۷ می‌رسید. پس در واقع، ۲۷ خانه‌ی سه قیدی وجود دارد: که به این جدول، جدول تجزیه اصطلاحات گفته می‌شود. (جدول شماره ۵ پیوستی). به عبارت دیگر: [جدول سه مفهومی] توسعه، ساختار، کارآیی [از ضرب] «ظرفیت، جهت، عاملیت»، «محوری، تصرفی، تبعی» و «هماهنگی، وسیله، زمینه» در هم بدست آمده است. در این جدول، دیگر خانه‌ها سه قیدی می‌شود و هیچ تعریف واحدی وجود ندارد. «اصطلاحات» این جدول با سطر و ستون کردن، معنا کردن ۹ عنوان آن و ضرب کردن ۹ عنوان در هم، بدست آمد.

این جدول را در یک جدول مقدماتی (جدول شماره ۶ پیوستی)، - مانند اعداد که منظم نوشتیم - به صورت منظم در این جا می‌آوریم. یعنی در این ستون [خانه‌های شماره ۳ در جدول شماره ۶ پیوستی]، ۲۷ عنوان جدول قبل را می‌نویسیم.

در جدول قبل (جدول شماره ۵ پیوستی) ابتدا تجزیه می‌شد و دو قید اول آن در قسمت تبعی [سمت راست] و دو قید دیگر آن در [ذیل عنوان] خُرد [سمت چپ] می‌آید. لذا مفهوم وسط در هر دو [خُرد و تبعی] مشترک است، از این رو [آنچه مشترک است، به عنوان] حد وسط می‌شود.

به طور مثال (جدول شماره ۵ پیوستی) عنوان «هماهنگی محوری ظرفیت» به «هماهنگی محوری» و «محوری ظرفیت» تجزیه می‌شود. بر این اساس معنای «محوری» با معنای واحد یک بار در این جا [ستون موضوع در جدول شماره ۵ پیوستی] به ظرفیت اضافه می‌شود و یک بار به هماهنگی [در ستون اثر در جدول شماره ۵ پیوستی] قرار می‌گیرد که علت ارتباط بین این دو [ستون‌های موضوع و اثر در جدول ۵ پیوستی] می‌شود. به عبارت دیگر [محوری] حد وسط در تعریف کردن می‌شود، تا این دو [ظرفیت و هماهنگی] از هم جدا نشوند.

پس ما به دنبال توضیح این مطلب هستیم که چگونه - با آخرین دستاوردها دفتر - از جدول ۲۷ تایی به طرف جدول تعریف حرکت نماییم. یعنی گاه کیفیت ریاضی شکل‌گیری منزلت‌ها را بیان می‌کنیم - که در روش تولید تعاریف کاربردی بیان شده است - و گاه می‌خواهیم بحث وحدت مواد را بیان کنیم که در این صورت سه جدول: تجزیه اصطلاحات، تجزیه عناوین و جدول تحلیل وجود دارد. در جدول تحلیل (جدول شماره ۶ پیوستی)، [عناوین] جدول تجزیه اصطلاحات را در این طرف [سمت راست خانه‌های شماره ۳ در جدول شماره ۶ پیوستی] می‌نویسیم و [عنوانهای] جدول تجزیه عناوین را در این جا [سمت چپ خانه‌های شماره ۳ در جدول شماره ۶ پیوستی] می‌نویسیم.

بر ادر حیدری: «تجزیه عناوین» منظور همان تبعی و خُرد است؟

ج: نخیر؛ آن فقط تجزیه است. در این قسمت [سمت راست خانه‌های شماره ۳ در جدول شماره ۶ پیوستی] همان

اصطلاحاتی که در [جدول اصلاحات] هست، قرار می‌گیرد و در این طرف معانی تجزیه‌ای که در این جا بود [سمت چپ خانه‌های شماره ۳ در جدول شماره ۶ پیوستی] قرار می‌گیرد. مثلاً نسبت بین «محوری ظرفیت» و «هماهنگی محوری» در قسمت عناوین [جدول شماره ۵ پیوستی] قرار می‌گیرد. در توضیح باید گفت: عنوان عناوین که در جدول تحلیل هم وجود دارد، از معنا شدن تجزیه‌های دو قیدی به وجود می‌آید و سپس از سنجش نسبت آنها، جدول عناوین استخراج می‌شود. پس جدول عناوین از ۲۷ عنوان به سمت وحدت حرکت می‌کند. یعنی ابتدا خانه‌های پایین پُر می‌شود تا خانه‌های بالا معنا شود؛ نه اینکه از ضرب خانه‌های سطر و ستون، عناوین ۲۷ تایی درست شود.

برادر یزدانی: تا آنها را نداشته باشیم که نمی‌توانیم ضرب کنیم.

حجت الاسلام موشح: در این جا مسیر به صورت معکوس می‌باشد، زیرا می‌خواهد به سمت وحدت حرکت کند.

ج: احسنت! این مطلب را به راحتی می‌توانید در جدول تحلیل ببینید، یعنی بعد از آن که تجزیه انجام شده و ۲۷ عنوان بدست آمد، عناوین به صورت سه تا سه تا در این جا [؟؟] معنا می‌شود و سپس ۹ عنوان دیگر نیز به صورت سه تا سه تا در این قسمت [؟؟] معنا پیدا می‌کنند و بعد از این عملیات‌ها، جدول تجزیه عناوین ساخته می‌شود.

با این توضیحات ربط بین جدول تحلیل و جدول عناوین و اصطلاحات مشخص گردید. بر این اساس وقتی جدول تحلیل ساخته شده این جدول [؟؟] به درون این جدول [؟؟] برده خواهد شد. البته این کار در ۱۳ جدول سه بار انجام می‌شود تا در نهایت در جدول «صفر» (جدول شماره ۷ پیوستی) فقط در ستون تبعی و خرد، عنوان دیده می‌شود. یعنی دیگر در جدول صفر، ستون تبعی، دو قیدی نیست.

۶- وحدت صورت، ماده و هدف در جدول تعاریف (وحدت سیر ساخت، تحلیل موضوع و شاخصه و کنترل آن)

پس به عبارت دیگر سه تا جدول نظام تعریف در این یک جدول خلاصه شده است. از این رو، علت اینکه در تبعی این جدول (جدول شماره ۷ پیوستی) یک قیدی وجود دارد و در جدول قبلی (جدول شماره ۵ پیوستی) دو قیدی است، این می‌باشد که سیر ساخت تحلیل یک موضوع، [به این صورت می‌باشد]. یعنی گاه می‌گوییم یک موضوع ۲۷ خانه دارد و گاه می‌خواهیم یک موضوع را تحلیل کنیم. لذا ساخت تحلیلی آن و رفتن به عینیت و درست کردن شاخصه و کنترل آن، احتیاج به جدول نظام تعریف [جدول شماره ۷ پیوستی] دارد و در این جا، جدول ۲۷ خانه‌ای معنا ندارد. زیرا جدول نظام تعریف دارای پیچیدگی است. یعنی بالای آن «توسعه»، سمت راست «ساختار» و سمت چپ کارایی است و عناوین زیادی دارد که هر کدام از این عناوین در جدول‌های تجزیه اصطلاحات و تجزیه عناوین، تجزیه و تحلیل سیر منطقی را طی کرده تا در جدول نظام تعاریف به این صورت آرایش پیدا کرده است؛ البته این هم [؟؟] یک موضوع است، ولی موضوعی که می‌توانید آن را تحلیل کنید؛ یعنی «صورت با ماده و هدف» در این جدول (که منطق فرهنگستان باشد) [جدول نظام تعریف] به وحدت رسیده است. البته در جلسه آینده به توضیح بیشتر این مطلب خواهیم پرداخت.

س: شما می‌فرمودید این چند بار تجزیه می‌شود تا به جدول تحلیل برسد. در جدول تحلیل برعکس عمل می‌شود: یعنی وقتی می‌خواهیم یک قیدی کنیم و به جدول صفر برسانیم، چندین بار ترجمه می‌شود تا آن سه قیدی‌ها به وحدت برسد و یک قید به ما تحویل دهد....

۶/۱- ملاحظه سیر وحدت به کثرت و بالعکس در ساخت جدول تعریف

ج: برای این که با این رفت و برگشت تحلیل کنیم. یعنی صرف مفهوم انجام می‌شود. به عبارت دیگر، یک بار در جدول تعریف می‌رود تا عناوین معنا می‌شود و بعد به جدول تجزیه عناوین بر می‌گردد و سپس در جدول تحلیل می‌آید

و در نهایت دوباره به جدول [نظام] تعریف بر می‌گردد و با این سیر از وحدت به کثرت و از کثرت به وحدت، قواعدی وجود دارد که در آن، هم ماده ساخته شود و هم کمیت (نظام ارزشی) ساخته شود و از طرف دیگر، این ستون‌هایی که در این جا [؟؟] است، وقتی در این [؟؟] مرحله قرار دارد، در بالای آن، عنوان تبعی و غیره نیست.

۶/۲- ضرورت ملاحظه سیر ساخت و سیر بکارگیری جدول تعریف (تقوم چگونگی صورت‌بندی و عملیات توزین و اولویت‌بندی در جدول تعریف

البته در آینده توضیح خواهیم داده که جدول تعریف یک سیر ساخت و یک سیر به کارگیری دارد، که آن‌جا [؟؟] هم ماده وجود دارد و هم کمیات هست که [به وسیله آن] سه بار وزن انجام می‌گیرد و به این وسیله در جداول اولویت گذاری می‌شود. پس غرض از جدول تعریف، فقط صورت‌بندی و صرف مفهوم نیست، بلکه «توزین» نیز است؛ یعنی می‌خواهد درباره موضوعات وزن دهد و اولویت تعیین نماید.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

توسعه

کلاس

خرد

مباحث مورد بررسی و دستاورد:

ارزش

آزمایش

ضرورت بررسی موضوعات

تیمی

لرزی

اصلي

موضوعات:

۲	۴			۱۴	۱-۱-۱						
				۳۲	۱-۱-۲						
				۱۱	۱-۱-۳						
	۲			۳۲	۱-۲-۱						
				۱۱	۱-۲-۲						
				۸	۱-۲-۳						
	۲			۱۲	۱-۳-۱						
				۸	۱-۳-۲						
				۴	۱-۳-۳						
	۳			۳۲	۲-۱-۱						
				۱۱	۲-۱-۲						
				۸	۲-۱-۳						
۲	۳			۱۱	۲-۲-۱						
				۸	۲-۲-۲						
				۴	۲-۲-۳						
	۳			۸	۲-۳-۱						
				۴	۲-۳-۲						
				۲	۲-۳-۳						
	۳			۱۱	۳-۱-۱						
				۸	۳-۱-۲						
				۴	۳-۱-۳						
	۲			۸	۳-۲-۱						
				۴	۳-۲-۲						
				۲	۳-۲-۳						
۲	۳			۱۱	۳-۳-۱						
				۸	۳-۳-۲						
				۴	۳-۳-۳						
	۳			۱۱	۴-۱-۱						
				۸	۴-۱-۲						
				۴	۴-۱-۳						
	۲			۸	۴-۲-۱						
				۴	۴-۲-۲						
				۲	۴-۲-۳						
	۳			۱۱	۴-۳-۱						
				۸	۴-۳-۲						
				۴	۴-۳-۳						

- جدول شماره ۳۰ -

۴۰ سالہ -

دین

جہاں

[illegible]

- جدول شماره ۵ -

توسعه

عالمیت					جهت				
عالمیت		وسيله			وسيله تصرفی ظرفیت				
زمینه تبعی ظرفیت	زمینه تصرفی ظرفیت	زمینه محوری ظرفیت	تبعی ظرفیت	وسيله محوری ظرفیت	وسيله محوری ظرفیت	وسيله محوری ظرفیت	وسيله محوری ظرفیت	وسيله محوری ظرفیت	وسيله محوری ظرفیت
همافهنگی	همافهنگی	همافهنگی محوری	همافهنگی محوری	همافهنگی محوری ظرفیت	۶۴	۱	همافهنگی محوری ظرفیت	همافهنگی محوری	همافهنگی محوری
		محوری	همافهنگی محوری	همافهنگی محوری جهت	۳۲		محوری جهت	محوری	محوری
		عالمیت	همافهنگی محوری	همافهنگی محوری عالمیت	۱۶		محوری عالمیت	جهت	جهت
		همافهنگی	همافهنگی تصرفی	همافهنگی تصرفی ظرفیت	۳۲		تصرفی ظرفیت	همافهنگی	همافهنگی
		تصرفی	همافهنگی تصرفی	همافهنگی تصرفی جهت	۱۶		تصرفی جهت	تصرفی	تصرفی
		عالمیت	همافهنگی تصرفی	همافهنگی تصرفی عالمیت	۸		تصرفی عالمیت	جهت	جهت
		همافهنگی	همافهنگی تبعی	همافهنگی تبعی ظرفیت	۱۶		تبعی ظرفیت	همافهنگی	همافهنگی
		تبعی	همافهنگی تبعی	همافهنگی تبعی جهت	۸		تبعی جهت	تبعی	تبعی
		عالمیت	همافهنگی تبعی	همافهنگی تبعی عالمیت	۴		تبعی عالمیت	جهت	جهت
		وسيله	وسيله محوری	وسيله محوری ظرفیت	۳۲		محوری ظرفیت	وسيله	وسيله
وسيله	وسيله	محوری	وسيله محوری	وسيله محوری جهت	۱۶		محوری جهت	محوری	محوری
		عالمیت	وسيله محوری	وسيله محوری عالمیت	۸		محوری عالمیت	جهت	جهت
		وسيله	وسيله تصرفی	وسيله تصرفی ظرفیت	۱۶		تصرفی ظرفیت	وسيله	وسيله
		تصرفی	وسيله تصرفی	وسيله تصرفی جهت	۸		تصرفی جهت	تصرفی	تصرفی
		عالمیت	وسيله تصرفی	وسيله تصرفی عالمیت	۴		تصرفی عالمیت	جهت	جهت
		وسيله	وسيله تبعی	وسيله تبعی ظرفیت	۸		تبعی ظرفیت	وسيله	وسيله
		تبعی	وسيله تبعی	وسيله تبعی جهت	۴		تبعی جهت	تبعی	تبعی
		عالمیت	وسيله تبعی	وسيله تبعی عالمیت	۲		تبعی عالمیت	جهت	جهت
		زمینه	زمینه محوری	زمینه محوری ظرفیت	۱۶		محوری ظرفیت	زمینه	زمینه
		محوری	زمینه محوری	زمینه محوری جهت	۸		محوری جهت	محوری	محوری
زمینه	زمینه	عالمیت	زمینه محوری	زمینه محوری عالمیت	۴		محوری عالمیت	جهت	جهت
		زمینه	زمینه تصرفی	زمینه تصرفی ظرفیت	۸		تصرفی ظرفیت	زمینه	زمینه
		تصرفی	زمینه تصرفی	زمینه تصرفی جهت	۴		تصرفی جهت	تصرفی	تصرفی
		عالمیت	زمینه تصرفی	زمینه تصرفی عالمیت	۲		تصرفی عالمیت	جهت	جهت
		زمینه	زمینه تبعی	زمینه تبعی ظرفیت	۴		تبعی ظرفیت	زمینه	زمینه
		تبعی	زمینه تبعی	زمینه تبعی جهت	۲		تبعی جهت	تبعی	تبعی
		عالمیت	زمینه تبعی	زمینه تبعی عالمیت	۱		تبعی عالمیت	جهت	جهت
		ساخار	تصرفی	تصرفی			تصرفی	تصرفی	تصرفی
		تصرفی	تصرفی	تصرفی			تصرفی	تصرفی	تصرفی
		تصرفی	تصرفی	تصرفی			تصرفی	تصرفی	تصرفی

جدول شماره ۱ (تحلیل)

نوع: منطقه بندی مفهومی، جامع، مرکز سازماندهی

تعریف: به امور و اوصاف درونی

نوع: (از کلمات و عبارات) تعریف

پرسش: (تجزیه و تحلیل) تعریف

نوع: (مبدأ تکامل)

جهت: (مجرى ارشاد)

علاقه: (مقتصد انجام)

به دعوامل تعادل، بر حسب تقسیمات سطوح نظام

اصول: (مختار ساختار) (سطوح مکانی) تعریف

نوع: (مختار اصلی)

تجزیه: (مختار فرعی)

نوع: (مختار تبعی)

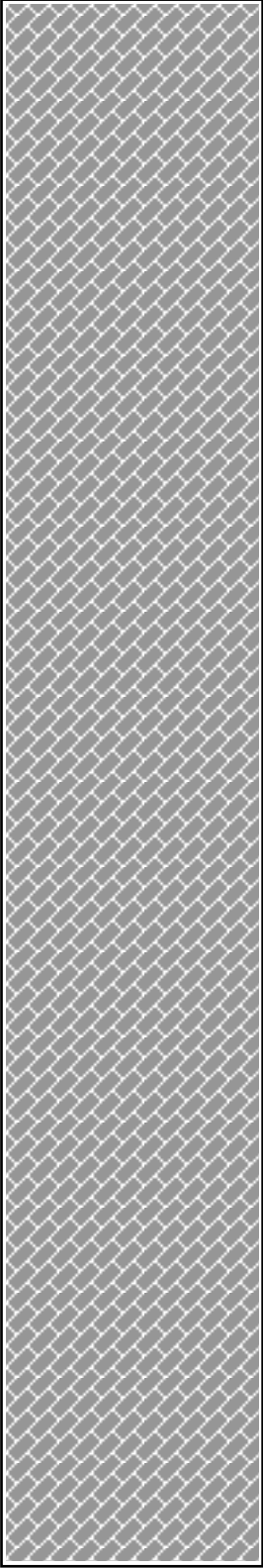
اصول: (صاف کارائی، تشخیصهای تاثیر و تعریف به آثار، بر حسب تقسیمات موضوعات)

نوع: (همه اشکلی) (تکامل)

نوع: (جامعه) (وسیعله) (تنظیم)

نوع: (جامعه) (جرمیان)

نظرات اصلاحی
عشر

جلسه چهارم	
	واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت «نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه» عنوان جلسه: اخذ «ولایت، تولی و تصرف» به جای «زمان، مکان و کارایی» بعنوان مواد اولیه منطق نظام ولایت در تحلیل از «ماده صورت» گروه پژوهش‌های تطبیقی اردیبهشت ۱۳۸۶

◀ واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه



استاد: حجة الاسلام والمسلمین صدوق پیاده: برادر ساکی

جلسه: ۴ ویراست: برادر یزدانی

تاریخ جلسه: ۱۳۸۶/۲/۲۳ تایپ: برادر رضایی

تاریخ نشر: ۱۳۸۶/۲/۲۳ فهرست: حجة الاسلام روحا... صدوق

D:\GROOH TATBIGH\TATBIGH\معادله\jalase ۴.doc اجرا گروه مدل برنامه‌پیش نیازهای مدل در بحث روش تعریف و روش معادله



گروه پژوهش‌های تطبیقی

فهرست تفصیلی

۱. مروری بر مباحث جلسات گذشته ۶۹

- ۱/۱. صورت و ماده منطق انتزاعی و مجموعه‌نگر ۶۹
- ۱/۲. قاعده‌مهندسازی «صورت، ماده و هدف» در منطق تکاملی نظام ولایت ۶۹
- ۱/۲/۱. تعریف «صورت صورت» به چگونگی تکثیر اصطلاحات و حدّ منطق نظام ولایت ۶۹
- ۱/۲/۲. تعریف «صورت ماده» به کیفیت تجزیه و تحلیل کردن یک موضوع در جدول تعریف ۷۰
- ۱/۲/۳. تعریف «صورت هدف» به اولویت بندی، وزن دادن و تغییر نظام ارزشی حاکم بر موضوعات ۷۱

۲. اخذ «ولایت، تولی و تصرف» به جای «زمان، مکان و کارایی» بعنوان مواد اولیه منطق نظام ولایت در تحلیل از «ماده

صورت» ۷۱

- ۲/۱- احتمال اول از ضرب ولایت، تولی و تصرف در هم ۷۲
- ۲/۱/۱- تعریف ولایت ولایت به «ظرفیت»، ولایت تولی به «جهت» و ولایت تصرف به «عاملیت» ۷۲
- ۲/۱/۲- تعریف تولی ولایت به «محوری»، تولی تولی به «تصرفی» و تولی تصرف به «تبعی» ۷۲
- ۲/۱/۳- تعریف «تصرف ولایت» به هماهنگی، «تصرف تولی» به وسیله و «تصرف تصرف» به زمینه ۷۲
- ۲/۲- احتمال دوم: وجود سه حیث در ضرب ولایت، تولی و تصرف در هم (از سه حیث فلسفی، روشی و مصداقی) ۷۲
- ۲/۲/۱- حیثیت فلسفی در ضرب ولایت، تولی و تصرف در هم ۷۳
- ۲/۲/۱/۱- تعریف «ولایت ولایت، ولایت تولی و ولایت تصرف» به «وحدت، کثرت و نسبت بین آنها» ۷۳
- ۲/۲/۱/۲- تعریف «تولی ولایت، تولی تولی و تولی تصرف» به «زمان، مکان و نسبت بین آنها» ۷۳
- ۲/۲/۱/۲/۱- تعریف زمان به زمان تولی (زمان تغییرات خواست‌ها) ۷۳
- ۲/۲/۲- حیثیت روشی در ضرب «ولایت، تولی و تصرف» در هم و ایجاد مفاهیم «ظرفیت، جهت، عاملیت»، «محوری، تصرفی، تبعی»، «هماهنگی، وسیله و زمینه» ۷۴

- ۲/۲/۳. حیثیت مصداقی ضرب «ولایت، تولی و تصرف» در هم (زیر ساخت بحث روش تحقیق)..... ۷۴
- ۲/۲/۳/۱. تعریف «ولایت ولایت، ولایت تولی، ولایت تصرف» به «تکوین، تاریخ و جامعه»..... ۷۴
- ۲/۲/۳/۲. جایگزینی حجیت، معادله و مدل به جای ولایت، تولی و تصرف در تحلیل تولی ولایت، تولی تولی و تولی تصرف..... ۷۴
- ۲/۲/۳/۳. تعریف «تصرف ولایت، تصرف تولی و تصرف تصرف» به «گمانه، گزینش و پردازش»..... ۷۴
- ۲/۲/۱/۳. تعریف تصرف ولایت، تصرف تولی و تصرف تصرف به اختیار، آگاهی و نسبت بین آنها..... ۷۴

۳. تعریف «مواد مواد» به کیفیت جریان علم در دستگاه «ولایت تولی و تصرف» از طریق «تعلق به هدف، تطرق احتمال و

تحمل ابهام»..... ۷۵

۴. تعریف «مواد هدف» به ضرائب فنی برای حفظ توازن (حفظ موضوع انقلاب فرهنگی)..... ۷۵

۵. پرسش و پاسخ..... ۷۶

۵/۱- قرار گیری مواد صورت، مواد مواد و مواد هدف بعنوان زیر ساخت صرف مفهوم..... ۷۶

۵/۲- قرارگیری صورت، ماده و هدف بعنوان تقسیمات عام روش تحقیق منطق تکاملی..... ۷۶

۵/۳- ضرورت تطبیق جدول جامعه با آخرین مباحث مرحوم استاد و قرار دادن آن در جدول تعریف..... ۷۷

بسمه تعالی

۱. مروری بر مباحث جلسات گذشته

حجّت الاسلام و المسلمین صدوق: قبل از شروع به اصل بحث بیان این نکته ضروری است که همه جداول [در دفتر فرهنگستان] با دقت تنظیم شده است. بر این اساس، در صفحه ۱۴ طبقه‌بندی آموزشی، جدولی آمده است که در سه خانه عمودی آن سه محور وجود دارد:

محور اول؛ روند تحلیل زیر ساخت تعریف «کثرت» در یک کل متغیر.

محور دوم؛ روند تحلیل زیر ساخت تعریف «نسبت» در یک کل متغیر.

محور سوم؛ روند تحلیل زیر ساخت تعریف «وحدت» در یک کل متغیر.

البته مانند همین [سه محور] در جدول دوم (صفحه‌ی ۲۱) و سوم (صفحه‌ی ۳۲) نیز تکرار شده است. با این تفاوت که در جدول دوم عبارت «روند» به «ارکان» و در جدول سوم به «کاربرد عملی» تبدیل شده است. یعنی شبیه «ابعاد، ارکان، اساس» می‌باشد. پس این سه عنوان در جدول طبقه‌بندی آموزشی نیز وجود دارد.

۱/۱. صورت و ماده منطق انتزاعی و مجموعه‌نگر

در جلسه گذشته تقسیم «صورت، موارد، هدف» را بیان کردیم و بیان شد. منطق صوری متکفل صورت است، ولی در عین حال به صورت غیر قاعده‌مند، مواد سازی هم کرده است، اما این مواد سازی خود را از منطق مجموعه‌نگر نگرفته است.

منطق مجموعه‌نگری هم دارای صورت‌بندی است که در آنجا ریاضیات، متکفل صورت‌بندی شده است؛ بر این اساس، هم ریاضیات منطق صوری و هم ریاضیات مجموعه‌نگری را به کار می‌گیرد. و هم متکفل ساخت مواد از طریق علم روش تحقیق است. البته منطق مجموعه‌نگری صحبت از هدف نمی‌کند؛ یعنی به دنبال منطق ساخت هدف نبوده است.

۱/۲. قاعده‌مندی سازی «صورت، ماده و هدف» در منطق تکاملی نظام ولایت

اما منطق تکاملی (منطق فرهنگستان) ساخت هدف را قاعده‌مند کرده است و به تبع آن، توانسته قواعد ساخت مواد و قواعد تولید صورت را هم قاعده‌مند کند و از این رو سرپرستی همه [منطق‌ها] را در یک نظام در دست گیرد.

برای این قضیه، «صورت، مواد و هدف» را در هم ضرب می‌کنیم؛ بدین شکل: «صورتِ صورت»، «صورتِ مواد»، «صورتِ هدف» [مادهِ صورت، مادهِ ماده، مادهِ هدف، هدفِ صورت، هدفِ ماده، هدفِ هدف].

۱/۲/۱. تعریف «صورت صورت» به چگونگی تکثیر اصطلاحات و حدّ منطق نظام ولایت

در جلسه اول ساخت کثرت موضوعی (تکثیر بدون توجه به مواد) به صورت انتزاعی توضیح داده شد. در ادامه بیان

شد که فلسفه نظام ولایت، حرکت را به «ولایت، تولی، تصرف» معنا می‌کند، بر این اساس سه مقوله (ولایت، تولی و تصرف) به عنوان «الف، ب، ج» گرفته و تکثیر شد تا یک موضوع ساخته شود. یعنی سه بار در هم ضرب شد ۵ تا یک موضوع ساخته شود.

به عبارت دیگر به این صورت می‌شود: $27 = 3 \times 3 \times 3$ این یک موضوع می‌شود. زیرا خود «سه» یک درک انتزاعی از حرکت بود. پس سه بار در هم ضرب می‌شود تا در حرکت یک موضوع عینی تحویل دهد.

این موضوع عینی دارای ۲۷ وصف ارزشی است؛ یعنی موضوع تولید شده، یک موضوع ارزشی است که بتواند بعد از تعریف لایه‌های موضوعات دیگر در نهایت، موضوع خارجی را کنترل کند. البته این طور نیست که در هر شیء ۲۷ وصف [جزء-] باشد، بلکه این لایه‌ای منطقی، علمی و مخفی است، یعنی اوصافی است که فقط یک متخصص می‌بیند و می‌فهمد؛ مثل دانشمند ژنتیک که با هر مقوله‌ای که برخورد می‌کند همه را ژنتیک می‌بیند، در حالی که مردم اینگونه نمی‌بینند؛ یا کسی که صاحب تئوری فیزیک در عالم در است تا عمق هر شی را با آن تئوری می‌بیند. پس این دانشمند است که اینگونه می‌بیند، ولی عموم مردم با تجسد اشیا سروکار دارند و فهمی به این صورت ندارند. بنابراین در بحث منطق، نگاه و رویکردی از منزلت منطق، نسبت به یک موضوع وجود دارد و منطق تکاملی مدعی نشان دادن لایه زیرین نگاه به موضوعات با یک جدول ۲۷ تایی است. اما این، همه‌ی قضیه نیست. بلکه باید دائماً این [موضوعات] خرد شود و لایه‌هایی از تخصص فلسفی روشی و مصداقی درست شود. لذا باید تقسیمات گوناگون داشته باشید تا جایی که بتوان گفت چگونه یک نفر در آزمایشگاه در حال درست کردن دارو و کنترل و درمان یک بیماری است. این آخرین لایه است. ولی بحث ما در لایه زیرین زیرین است. پس اینگونه نیست که وقتی از یک موضوع صحبت شود، ۲۷ قسم آن را نیز ارائه دهند مثلاً این طور نیست که گفته شود یک گوسفند، ۲۷ قسم دارد، یا چرا انگشتان دست به جای ۲۷ تا، ۵ تا هست، و مواردی از این دست که مطرح می‌شود. زیرا در اینجا در حال ارائه فهم روشی هستیم؛ یعنی در حال تکامل روشها هستیم. حال این کثرتی که ساخته شد، کثرت ۲۷ وصفی روشی است، سپس اینها در هم ضرب شد تا به ۷۶۰۰ میلیارد موضوع رسید که این منطق و فلسفه (نظام ولایت) قدرت پاسخگویی به آن را دارد.

بعد از آن با طبقه‌بندی کردن شخص شد که واحد ما، نظام شامل و مشمول یک موضوع در کنار ۲۶ موضوع دیگر است. یعنی درون و بیرون [یک موضوع]. حال با کنترل ۲۷ متغیر درونی و هفتصد و دو^۱ متغیر بیرونی قدرت کنترل یک پدیده از منزلت این منطق بدست می‌آید و می‌توان در آنچه می‌خواهیم، تصرف کرده تا اهداف مورد نظر را جلو ببریم. می‌خواهیم تصرف کنیم و اهداف مورد نظر خود را جلو ببریم. این بحث جلسه اول شد.

۱/۲/۲- تعریف «صورت ماده» به کیفیت تجزیه و تحلیل کردن یک موضوع در جدول تعریف

تا اینجا مرور مباحث مطرح شده در جلسه اول بود.

در جلسه دوم صحبت از این بود که کیفیت رصد کردن یک موضوع به چه صورت است؛ توضیح آنکه بحث جلسه اول حدود شهرک علمی و حد شمال، جنوب، شرق و غرب [موضوع] را بیان می‌کرد، بحث جلسه دوم به دنبال این مطلب بودیم که چگونه دوربینی که می‌خواهد وارد کهکشان شود و یک ستاره را رصد کند و سپس یک کار نجومی، تعریف یک موضوع انجام شود. مقصود از کنار هم گذاشتن جداول (از یک، سه، نه، بیست هفت تا رسیدن به جدول تعریف) این بود که با رسیدن به جدول تعریف، کیفیت رصد کردن یک موضوع را بیان شود. یعنی چگونه با این جدول، یک موضوع تجزیه و تحلیل شود. این جدول [- جدول تعریف-] دیگر یک جدول ۲۷ تایی نیست، یک (وحدت)، سه،

^۱. یعنی ۲۷ وصف $\times$ ۲۶ وصف بیرون = ۷۰۲

نه و ۲۷ دارد که در ۲۷ چند ردیف وجود دارد که همه اینها یک معانی ای [مخصوص به خود را] دارند و ما می‌خواهیم در این جلسه به توضیح اینها بپردازیم.

پس در جلسه دوم صورت مواد مطرح شده که چگونه منزلت‌ها تحت عنوان توسعه «بالا»، ساختار «سمت راست» و کارآیی در «سمت چپ» جدول تعریف صورت‌بندی شده‌اند.

۱/۲/۳. تعریف «صورت هدف» به اولویت بندی، وزن دادن و تغییر نظام ارزشی حاکم بر موضوعات

«صورت هدف»، یعنی ما در آخر کار چه هدفی از این جدول تعریف داریم. یعنی می‌خواهیم اولویت بندی، وزن دادن، نظام ارزشی حاکم بر موضوعات را عوض کنیم؛ چهره تمدنمان را الهی کنیم، هم برای تجسدهای خارجی بستر عبادت درست کنیم و هم برای نظام اختیارات (جامعه). (هر پدیده‌ای را) حتی تولی‌مان را، که چگونه به دستگاه تاریخی عالم، به ولایت تاریخی عالم، به ولایت تکوینی عالم تولی پیدا کنیم. در هر جا که موضوع تصرف غیر معصوم است با این ابزار کار کنیم و بخش عقلانیت آن را که متغیر تکلیف ما است، نظم بدهیم.

پس در قسم صورت هدف شخص می‌شود که چگونه این جدول تعریف، وسیله برای وضعیت شناسایی ارزشی وضع موجود و بعد هم برنامه‌ریزی برای رفتن به یک درجه بالاتر شود.

پس باید این مسیری را که می‌گوئیم در این جدول تعریف ببینیم. یعنی می‌بایست در جدول تعریف طراحی شده باشد، تا زمانی که آن را به کار می‌گیرید، دقیقاً این هدف را برای شما تأمین کند.

۲. اخذ «ولایت، تولی و تصرف» به جای «زمان، مکان و کارآیی» بعنوان مواد اولیه منطق نظام ولایت در تحلیل از «ماده صورت»

ستون دوم «مواد صورت، مواد مواد، مواد هدف» می‌شود. قبلاً نیز گفته شد که بنابر آنچه در کتاب «روش تولید تعاریف کاربردی» آمده است اولین موادی که ساخته می‌شود، از مفاهیم «زمان، مکان، کارآیی» است که حاج آقای حسینی (ره) [این سه را] برای تولید جدول تعریف و این دستگاه بعنوان ماده اولیه گرفته‌اند. در جلسات استراتژی امنیت ملی هم همین‌طور است. در این جا هم که جدول جامعه را توضیح می‌دهند هم از «زمان، مکان، کارآیی» شروع کرده‌اند. اما در آخرین محصولشان یعنی طبقه‌بندی آموزشی، ابتدای ورود به روششان در ستون «نظام اصطلاحات، فضای نظری تحلیل فرضی موضوعات» که اولین بلوک آن «مبنای اصطلاحات در تحلیل نظام فاعلیت ۱. ولایت ۲. تولی ۳. تصرف» است؛ یعنی باید از «ولایت، تولی، تصرف» شروع کرد. غیر از این

برادر انجم‌شعاع: این در تحلیل نظام فاعلیت است نه مبنای تحلیل روش. در حالی که در زیر آن «توسعه، ساختار، کارآیی» آمده است که در کتاب «روش تولید تعاریف کاربردی» نیز از «توسعه، ساختار، کارآیی» شروع کرده‌اند.

ج: در ابتدای کتاب، ربط فلسفی روششان با کدام سه مفهوم شروع می‌شود؟! این که بعداً چگونه به «توسعه، ساختار، کارآیی» می‌رسیم و چگونه در نظام اصطلاحات پایه قرار می‌گیرد، بحث دیگری است. می‌خواهم بگویم هم در این بحث (استراتژی امنیت ملی)، «زمان، مکان، کارآیی» را محور قرار می‌دهند و هم در آن دو کتاب؛ ولی در اسناد دیگر ایشان که موجود است می‌گویند «ولایت، تولی، تصرف» را در هم ضرب می‌کنیم. البته بنده فهم خودم را می‌گویم و کار علمی بر روی اسناد حاج اقا حسینی یک کار دیگری است و فهم هر خط آن اسناد، نرم‌افزار می‌خواهد که در بحث تدوین راجع به آن صحبت کرده‌ایم. یعنی سخیف برخورد کردن با اسناد حاج اقا حسینی را نمی‌پسندم و باید با دقت با آن روبرو شد. ما یک جمع‌بندی از کل بحث جامعه‌شناسی داریم که دوستان به عنوان یک احتمال روی آن دقت کنند و به طور کلی چنین نظامی را که خدمت شما می‌گویم در هیچ یک از مباحث حاج اقا موجود نیست. یعنی اینکه ابتدا «صورت، مواد، هدف» را

بگوییم و بعد هم به این نحو در هم ضرب شود، بعد مقایسه شود و در نهایت معنا شود، در هیچ یک از اسناد حاج آقا موجود نیست. من هم مدعی این نیستم که این حرفهای حاج آقا حسینی (ره) است. اینها فهم بنده از دستگاه فکری حاج آقای حسینی (ره) می باشد.

حال به «مواد صورت، مواد مواد، مواد هدف» می‌رسیم. در «مواد صورت» (یعنی اولین موادمات) در ابتدا یک اشاره‌ای به «ولایت، تولی، تصرف» کردیم، ولی موادی را که در صورت صورت، صورت مواد، صورت هدف» گذاشتیم «الف، ب، ج» بود. ولی در اینجا می‌خواهیم [به جای الف، ب، ج] یک ماده‌ای بگذاریم. این جا اولین جایی است که می‌خواهیم ماده بگذاریم. ماده، ماده فلسفی است؛ «ولایت، تولی، تصرف»، یعنی اصل حرکت. چون منطقی که از آن زائیده می‌شود باید حرکت را (یک کل متغیر را) مطالعه کند. تعاریفمان در این جا، دیگر تعاریف جنس و فصلی نیست و از این رو نحوه کارمان وجه اشتراک گیری و وجه اختلاف گیری نمی باشد و از طبقه‌بندی جنس الاجناس و تعریف نوع و تعاریف ماهوی نمی‌خواهیم استفاده کنیم. چون اینها برای طبقه‌بندی است و کار ما طبقه‌بندی نیست. پس در اینجا با منطق مجموعه‌نگری مشترک هستیم. اما در مواد، مقید به فلسفه‌مان هستیم تا بتوانیم تمام کارآمدی‌هایی را که به وجود می‌آوریم یا می‌خواهیم کنترل کنیم، در یک فلسفه منحل نماییم. به همین دلیل باید از ماده فلسفی خودمان استفاده کنیم. برای این کار استدلال نیز داریم که جبری نیست و اختیاری است و از تعلق، و اصل بقاء انرژی ... و آن حدود اولیه‌ای که فلسفه‌ی فیزیک و زیست و حیات و ... بیان می‌کنند، فاصله دارد. پس «مواد صورت» را یعنی «ولایت، تولی، تصرف» را باید هم ضرب کنیم تا اولین صورت‌بندی بوجود آید.

۲/۱- احتمال اول از ضرب ولایت، تولی و تصرف در هم

۲/۱/۱- تعریف ولایت ولایت به «ظرفیت»، ولایت تولی به «جهت» و ولایت تصرف به «عاملیت»

یک احتمال این است که وقتی «ولایت، تولی، تصرف» در هم ضرب می‌شود معنای «ولایت ولایت»، «ظرفیت» شود (در بعضی از اسناد حاج آقا هم ظاهراً همین را وجود دارد). «ولایت تولی»، «جهت» و «ولایت تصرف»، «عاملیت» شود.

۲/۱/۲- تعریف تولی ولایت به «محوری»، تولی تولی به «تصرفی» و تولی تصرف به «تبعی»

در ستون دوم «تولی ولایت، تولی تولی، تولی تصرف» می‌شود که به ترتیب معنای «محوری، تصرفی، تبعی» را می‌دهد.

۲/۱/۳. تعریف «تصرف ولایت» به هماهنگی، «تصرف تولی» به وسیله و «تصرف تصرف» به زمینه

در ستون سوم نیز «تصرف ولایت، تصرف تولی، تصرف تصرف» می‌شود که به ترتیب معنای «هماهنگی، وسیله، زمینه» را می‌دهد. این یک احتمال است.

۲/۲. احتمال دوم: وجود سه حیث در ضرب ولایت، تولی و تصرف در هم (از سه حیث فلسفی، روشی و مصداقی)

احتمال دیگری که به نظر بنده می‌آید و [حاصل این بود که] زیاد روی جدول جامعه فکر کردیم که این را چگونه وارد روش تحقیق حاج آقا کنیم این است که «ولایت، تولی، تصرف» به سه حیثیت در هم ضرب می‌شود:

یک‌بار به حیثیت فلسفی و یک‌بار به حیثیت روشی و یک‌بار هم به حیثیت مصداقی. از «ولایت، تولی، تصرف» با سه حیثیت، سه تا نه‌تایی به دست می‌آید.

۲/۲/۱. حیثیت فلسفی در ضرب ولایت، تولی و تصرف در هم

۲/۲/۱/۱. تعریف «ولایت ولایت، ولایت تولی و ولایت تصرف» به «وحدت، کثرت و نسبت بین آنها»

اولین نه‌تایی آن «وحدت، کثرت، نسبت بین آنها» می‌باشد. یعنی همان چیزی که دیروز گفتیم: «ولایت ولایت»، «وحدت» و «ولایت تولی»، «کثرت» می‌شود و می‌دانیم که وحدت و کثرت و همه اینها منظم کردن قوه اختیار است. کلاً منطق تکاملی یعنی نظم بخشی به قوه اختیار، نه ماده خارجی. به طور کلی شأن ما، ماده خارجی نیست، البته نه اینکه آن را جواب نمی‌دهد و در آخر به آنجا نمی‌رسیم و تمدنی درست نمی‌کنیم و تصرف در طبیعت هم نداریم. ولی شأن این منطق مرگب دانستن اختیار است.

می‌خواهد «اگر و آنگاه» تصرف در اختیارات را ارائه دهد که [به این وسیله] خود را با دستگاه ربوبی حضرت حق جلت عظمتهم هماهنگ کند؛ [زیرا] دین خود را متکفل هدایت مردم می‌داند و بر این اساس شما می‌خواهید یک دستگاهی برای غیر معصومین درست کنید که هماهنگ با دستگاه معصومین باشد. بنابراین وقتی گفته می‌شود: «وحدت، کثرت و نسبت بین این دو»، تمام این مفاهیم ابتدائاً بعد اختیار هستند.

۲/۲/۱/۲. تعریف «تولی ولایت، تولی تولی و تولی تصرف» به «زمان، مکان و نسبت بین آنها»

پس وقتی «ولایت، تولی و تصرف» از حیث فلسفی معنا شود، تبدیل به «وحدت، کثرت و نسبت بین این دو» و «زمان، مکان و نسبت بین آنها» می‌شود.

۲/۲/۱/۲/۱. تعریف زمان به زمان تولی (زمان تغییرات خواست‌ها)

بر این اساس وقتی سخن از زمان مطرح می‌شود، منظور «زمان تولی» است. به عبارت دیگر، بنابر فلسفه نظام ولایت، زمان یعنی زمان تغییرات خواست‌ها، آرزوها و تقاضاها و این معنا با تعریف از زمان که انیشتن می‌گوید و تعریف از زمان که منطق صوری می‌گوید، خیلی تفاوت دارد.

حجت الاسلام موشح: منطق صوری در بیان انواع کم، کم متصل و کم منفصل را می‌آورد و سپس کم متصل را به قار و غیر قار تقسیم می‌کنند.

ج: قار و غیر قار، تعریف زمانی است که آنها (منطق صوری) مطرح می‌نماید. پس زمان در منطق صوری به معنای مقداری که طول کشیده است تا مثلاً فصل بگذرد و یا ماه، سال، فصل و ... است.

اما انیشتن زمان هر شیء را برابر با تغییرات یک شیء می‌داند؛ یعنی نرخ پوسیدگی [آن شیء]. به عبارت دیگر، «زمان» معنای «سرعت، شتاب و نرخ شتاب» می‌دهد.

اما فلسفه نظام ولایت، همین مطلب را برای اختیار می‌گوید، مانند وحدت و کثرت طلب بچه؛ بعد از آن، کسی که به سن بلوغ رسیده است و سپس کسی که به بلوغ عقل و در نهایت به پیری و [مرگ] می‌رسد؛ حال، این مطلب هم برای «فرد»، هم «جامعه» و هم «تاریخ» خواهد بود که می‌خواهند خود را هماهنگ کنند.

پس نه مفهوم از ضرب مفهوم فلسفی، «ولایت، تولی، تصرف» در همدیگر بدست آمد.

۲/۲/۲. حیثیت روشی در ضرب «ولایت، تولی و تصرف» در هم و ایجاد مفاهیم «ظرفیت، جهت، عاملیت»، «محوری، تصرفی، تبعی»، «هماهنگی، وسیله و زمینه»

اما در معنای روشی آن، وقتی «ولایت، تولی و تصرف» در هم ضرب شوند، «ظرفیت، جهت، عاملیت»، «محوری، تصرفی، تبعی»، «هماهنگی، وسیله، زمینه» بدست می‌آید.

۲/۲/۳. حیثیت مصداقی ضرب «ولایت، تولی و تصرف» در هم (زیر ساخت بحث روش تحقیق)

در معنای مصداقی - به نظر بنده- زیر ساخت بحث روش تحقیق مطرح می‌شود، اما با این تفاوت که تصرفی کوچک در آن کرده‌ام.^۱

۲/۲/۳/۱. تعریف «ولایت ولایت، ولایت تولی، ولایت تصرف» به «تکوین، تاریخ و جامعه»

در تقسیمات مصداقی، ولایت ولایت، «تکوین» می‌شود؛ ولایت تولی، «تاریخ» و ولایت تصرف، «جامعه» (مانند ولی فقیه) می‌شود.

۲/۲/۳/۲. جایگزینی حجّیت، معادله و مدل به جای ولایت، تولی و تصرف در تحلیل تولی ولایت، تولی تولی و تولی تصرف

حاج آقای حسینی (ره) برای تولی ولایت، ولایت آورده‌اند، ولی منظورشان یک معنای دیگری بوده است، یعنی «ولایت، تولی، تصرف» گذاشته‌اند. که ما به جای این سه، «حجّیت، معادله، مدل» می‌گذاریم. از طرف دیگر، همان معنایی که حاج آقای حسینی (ره) آورده‌اند - که یک طرف «ولایت، تولی، تصرف» وجود دارد- کنار آن «تکوین، تاریخ، جامعه» است.

۲/۲/۳/۳. تعریف «تصرف ولایت، تصرف تولی و تصرف تصرف» به «گمانه، گزینش و پردازش»

در ستون سوّم آن، که تصرف ولایت (گمانه)، تصرف تولی (گزینش)، تصرف تصرف (پردازش) است، همین معنا در «مواد مواد» قرار می‌گیرد.

برادر علی محمدی: در ستون سوّم، ربط فلسفی را بیان نکردید.

۲/۲/۱/۳. تعریف تصرف ولایت، تصرف تولی و تصرف تصرف به اختیار، آگاهی و نسبت بین آنها

ج: بیان شد که [در ستون سوّم]، «اختیار، آگاهی، نسبت بین آن دو» قرار می‌گیرد. که این مطلب در جزوه طبقه بندی آموزشی، در قسمت بلوک اول، ستون دوم آن آمده است و این‌ها صرف مفهوم فلسفی می‌شوند و «ظرفیت، جهت، عاملیت» تا آخر تقسیمات آن، صرف مفهوم روشی می‌شود و نه مفهوم «تکوین، تاریخ، جامعه»، «حجّیت، معادله، مدل» و «گمانه، گزینش، پردازش» [صرف مفهوم] مصداقی می‌شود.

^۱ البته در جلسه زیر ساخت روش تحقیق (طرح امنیت ملی) وقتی سه بُعد آن، سه بار تکرار می‌شود، «تکوین، تاریخ و جامعه» آمده است.

۳. تعریف «مواد مواد» به کیفیت جریان علم در دستگاه «ولایت تولی و تصرف» از طریق «تعلق به هدف، تطرّق احتمال و تحمل ابهام»

حال از قسمت مواد صورت بیرون می‌آییم و وارد «مواد مواد» می‌شویم؛ «مواد مواد» کیفیت جریان علم، از دستگاه «ولایت تولی، تصرف» می‌باشد. این همان معنی است که حاج آقای حسینی بین «تکوین، تاریخ، جامعه» و «گمانه، گزینش، پردازش» یک بُعد گرفته بودند، البته نه به معنی فلسفی آن! به عبارت دیگر در معنای فلسفی گفته شد فاعلی تعلق به یک فاعل بالاتر دارد که [فاعل بالاتر] در اصل توسعه فاعلیتش، تصرف می‌کند حال وقتی این معنای فلسفی، به معنای علمی و فرهنگی تبدیل شود، [کیفیت جریان علم می‌شود] یعنی برای پیدایش علم، خودت را در جریان اراده حضرت حق جلّت عظمت در نور قرآن قرار دهی؛ نه در عینیت که مثلاً در مقابل آمریکا باشد. به عبارت دیگر، می‌خواهید انقلاب فرهنگی کنید. پس «مواد مواد» در اینجا بحث انقلاب فرهنگی می‌شود که چگونه در ساختار نظام ولایت و اشعه نور کتاب در تاریخ قرار بگیرد تا پرچم دار توحید شوید، و سپس چگونه پرچمدارانی که در کنار شما قرار دارند (چه درونشان و چه بیرونشان) به نظام اختیارات، تبدیل و تحلیل، البته تبدیل حصولی (مفهومی) شوند نه این‌که در حدّ حضوری بمانند! وقتی که تبدیل شد و برای آن تحلیل پیدا کردید، باید بتوان برای آن، اصول کلی تعیین و چشم‌انداز نوشت، سپس در درگیری با دستگاه شیطنیت یک دستگاهی را ایجاد کنید. البته عدل همین مطلب، که جریان شیطنیت در دستگاه علمی باشد، واقع شده است. پس شما در قسمت «تولی» نور قرآن دارید، در قسمت دوم آن‌که می‌خواهید ولایت کنید، علاوه بر این‌که باید تحلیل از وضع موجود خودی‌ها داشته باشد، باید تحلیل از رنسانس هم داشته باشید، تحلیل از کیفیت تولید علم در دستگاه مقابل نیز داشته باشید و تحلیل از جریان کیفیت فهم در دستگاه التقاط را هم داشته باشید، تا بتوانید اصول کلی تعیین بنویسید و اصل قضیه را گم نکنید؛ این «مواد مواد» می‌شود. البته توجه داشته باشید که تولید علم غیر از توزیع و مصرف علم است که در این قسمت [؟؟] «مواد مواد» واقع می‌شوند. یعنی چگونه پرچمداری در خلافت فرهنگی – که عبارت باشد از جریان عبادت در تولید «مفاهیم، ساختارها و محصولات» – واقع می‌شود: که نتیجه آخر این مطلب، تمدن‌سازی خواهد بود.

۴. تعریف «مواد هدف» به ضرایب فنی برای حفظ توازن (حفظ موضوع انقلاب فرهنگی)

اما مواد هدف «یعنی باید در برنامه‌ریزی شما، حاصل مواد مواد، اصول کلی تعیین شود. در اصول کلی تعیین، یک ضرایب ثابتی در حفظ موضوع وجود دارد، بدین معنا که در معادلاتی که عمل می‌کنید، موضوع شما در درگیری با کفر است، [لذا باید بوسیله] نقد و نقض و طرح، سه [؟؟] کار انجام گیرد:

۱- حفظ وحدت موضوع (وحدت کلمه)؛ یعنی اقامه‌ی کلمه حق در موضوع خلافت فرهنگی به معنای حافظ اخلاق پژوهشی در دستگاه حقّه [که این مطلب، به جزء] تحمل همه‌ی شدائد اراده‌ها که فشار می‌آورند [ممکن نخواهد بود]. این وحدت کلمه می‌شود که جنس آن روحی است؛ که وظیفه پرچمدار توحید در انقلاب فرهنگی «تعلق به هدف، تطرّق احتمال و تحمل ابهام» می‌باشد. حال در اینجا، ضرایب فنی در تصرف – که اگر و آنگاه‌ها باشد – ثابت است.

از طرف دیگر یک ضرایب ثابتی نیز در تربیت نیروی انسانی دارید و یک ضرایب ثابتی نیز در تولیداتی بدست آمده وجود دارد؛ یعنی در اینجا، بحث معادله مطرح می‌شود، به این صورت که اگر از بیرون یک چنین هجمه‌ای باشد، باید این گونه، موضوع را حفظ کرده و این مطلب در همه جا می‌باشد، از ارتباطات گرفته تا تولید بحث.

یک ضرایب ثابتی نیز برای نیروهایی که از بیرون و داخل به شما مراجعه می‌کنند، وجود دارد و یک ضرایبی هم در تولید محصولاتتان می‌باشد. حال بر این اساس ضرایب فنی در به توازن کشیدن راه، «مواد هدف» می‌شود که سه سر فصل دیگر برای جلسه بعدی مطرح خواهد شد. حال اگر حین بحث نکته‌ای را از مباحث جلسه گذشته فراموش کردم یادآوری بفرمایید.

۵. پرسش و پاسخ

۵/۱- قرار گیری مواد صورت، مواد مواد و مواد هدف بعنوان زیر ساخت صرف مفهوم

برادر علی محمدی: در جلسه قبل، شما مواد مواد را به صرف مفهوم تعبیر نمودید.

ج: البته باید مشخص نمود منظور چه صرف مفهومی است؟ اصل صرف در ستون « مواد صورت، مواد مواد، مواد هدف» واقع می شود که این زیر ساخت صرف مفهوم است، نه قواعد صرف مفهوم.

س: حال قواعد صرف مفهوم کجا مطرح می شود؟

ج: قواعد آن را هنوز بیان نکرده ایم، و وقتی این بحث [زیر ساخت و نسبت عام] را می گوئیم، برمی گردیم و وقتی [دوباره] به صورت مواد می رسیم، مجدداً برای خود جامعه ۱ و ۲ و ۳ می گوئیم.

س: پس داخل مواد مواد نیست؟

ج: اینها همه درباره زیرساخت است و هنوز درباره جامعه هیچ مطلبی مطرح نشده است؛ بلکه فقط قواعد عامی را بیان نموده و عبور کرده ایم. اما وقتی می خواهیم وارد عمل این [قواعد عام] شویم، نیاز به آئین نامه پژوهشی است. لذا مانند منطق صوری نیست که یک کلیاتی گفته شود و سپس عمل را به عهده خود افراد قرار دهد.

۵/۲- قرار گیری صورت، ماده و هدف بعنوان تقسیمات عام روش تحقیق منطق تکاملی

حجت الاسلام موشح: کل این تقسیمات، یعنی «صورت، ماده، هدف»، آیا تقسیمات روشی است و این تقسیم، شامل روش ماست یا زیر مجموعه یک تقسیم دیگری است؟

ج: این تقسیمات، روشی است و مشترک بین منطق صوری، مجموعه نگری و تکاملی می باشد.

س: یعنی مشترک بین هر سه می باشد؟

ج: بله!

س: اما منطق صوری [بحث ماده سازی را ندارد و به صورت] خیلی تخمینی مطرح می کند.

ج: در هر صورت منطق صوری در مواد دو کار کرده است:

۱- مواد خود را، خود ساخته است.

۲. یک طبقه بندی نیز در آخر منطق درباره ی مواد ارائه داده است.

س: یعنی آنجائی که بحث مشهورات، متواترات، و ... مطرح می شود.

ج: بنابراین، منطق صوری نمی تواند درباره مواد صحبت نکند. پس وقتی [این مواد را] متشابه می گیرد و اینها را در هم ضرب می کند، [اثبات خواهید کرد که] نمی تواند درباره مواد چیزی نگفته باشد، ولو اینکه مدعی آن نباشد و بخواهد از آن، سلب مسئولیت کند.

س: پس این تقسیم، وجه اختلاف ما با آنها می شود، نه وجه اشتراک!

ج: شما اصل تقسیم را سؤال کردید که اصل تقسیم وجه اشتراک ما با آنهاست، ولی این که اینها را در هم ضرب می‌کنیم، این ویژگی منطق ما است. یعنی اگر به صورت بریده به آن نگاه کنید، وجه اشتراک ما با آنها است و اگر به صورت ماتریسی نگاه شود، [وجه اختلاف ما با آنهاست].

س: پس این نه تا، تقسیمات عامّ روش تحقیق منطق تکاملی است.

ج: احسنت! که در عنوان اول جزوه این جلسات نیز آورده‌ایم که این مباحث پیش‌فرض‌هایی برای شناخت جامعه می‌باشد که به علت مبهم و گنگ بودن جزوات «استراتژی امنیت ملی»، بنا بر این شد که ما چند جلسه‌ای [پیش‌فرض‌های این مباحث را] توضیح دهیم. زیرا از یک طرف چنین دسته‌بندی‌ای که در این جلسات مطرح می‌شود در اسناد دفتر وجود ندارد تا بوسیله آن وارد بحث جامعه شویم و از طرف دیگر با توجه به تأسیس گروه مدل، اجازه تدوین این مباحث [نسبیت عام] به گروه مدل داده نشده است و به عهده گروه دیگری گذاشته‌اند که تا بحال نتیجه‌ای از اقدامات آنها به دست ما نرسیده است.

۵/۳- ضرورت تطبیق جدول جامعه با آخرین مباحث مرحوم استاد و قرار دادن آن در جدول تعریف

برادر انجم‌شعاع: تقسیم «فلسفه، روش، مصداق» در کاربرد زیر مجموعه تقسیمات پایگاه ارزشی‌اند حال آیا این [مطالب شما] همان است یا فرق دارد؟

ج: فرق دارد؛ ما در اینجا از آن سه حیثیت استفاده کرده‌ایم، مانند «ولایت، تولی، تصرف»....

س: خود جدول ۲۷ تایی که در کاربرد است، تولید شده اینها (جدول تعریف و صرف مفهوم) می‌باشد، حال چگونه می‌تواند مبنای آنها قرار گیرد؟

ج: مگر ۹ عنوان «تکوین، تاریخ، جامعه»، «ولایت، تولی، تصرف»، «گمانه، گزینش، پردازش» سه سطح از ابعاد نظام مقایسه نیستند (همان خاستگاه، جایگاه، پایگاه)؟! ما [این را در] آن زیر ساخت زیر ساخت آورده‌ایم. البته بنده این مطلب را نیز به عنوان یک احتمال آوردم. زیرا یک احتمال این بود که در مباحث فلسفی حاج آقا قرار دارد. اما وقتی با این سؤال مواجه می‌شویم که چگونه جدول جامعه (تنظیمی حاج آقای حسینی) به صورت فقیهانه وارد تنظیم ۱۳ جدول الگوی تحلیل و نظام مقایسه می‌شود،^۱ یک احتمال دیگر - که در این جلسه بیان شد - مطرح می‌گردد. پس برای این که این کار صورت گیرد، ما مجبور به بیان احتمال دوم شدیم که عبارت بود از این که «ولایت، تولی تصرف» از سه زاویه در هم ضرب شوند. البته وقتی که وارد بحث جامعه شویم، دوستان متوجه می‌شوند چرا این احتمال را مطرح کردیم. از طرف دیگر، دوستان فکر کنند که اگر این احتمال نبود، چگونه تکلیف این جدول را حل می‌کردند به عبارت دیگر، آیا این جدول که به صورت عمودی، به این نحو سازماندهی می‌شود، [خود به تنهایی] تحلیل دارد یا باید این جدول را داخل دستگاه روشی خودمان کنیم که در آنجا جدول‌ها تعریف دارند و برای آنها نیز کتاب و سند پژوهشی نیز موجود است؟

بنده به عنوان شاگرد حاج آقا برای این شکل و این هیئت (جدول جامعه)، جدول ندیده‌ام. در زمان حاج آقای حسینی (ره)، بنده [مفاهیم] همین جدول را به صورت جدول تعریف درآوردم، حاج آقای حسینی (ره) نیز، فرمودند این کار شما برای تدریس کردن خیلی بهتر است. زیرا می‌توانستند [بوسیله این جدول تعریف] دو طرف آن را توضیح دهند و اینها [؟؟] را به هم برگردانند. از این رو، کار بنده را برای این کار پسندیدند. چون این جدول را به صورت فعلی خود،

^۱ اینکه جدول جامعه در جداول نظام مقایسه جا پیدا کند، تا به حال در دفتر انجام نشده است.

نمی‌توان تحلیل کرد، زیرا قواره و نحوه‌ی نظم‌بندی آن، نظم منطقی نیست.

حجّت الاسلام زیبایی‌نژاد: آیا ابتدا جدول جامعه (به این شکل فعلی) تولید شده است و سپس جداول نظام مقایسه تولید گردیده‌اند و یا برعکس بوده است؟

ج: اول این جدول جامعه تولید شده است.

س: اگر اول این جدول تولید شده است و سپس جداول نظام مقایسه بوجود آمده است دیگر سؤال شما درباره تحلیل این جدول جایی ندارد، زیرا این جدول، تکامل یافته جدول جامعه است.

ج: ما نیز همین کار را انجام داده‌ایم؛ یعنی برای رفتن به جلو، باید آخرین دستاوردهای حاج آقای حسینی (ره)، مبنای معنا کردن دستاوردهای قبلی‌شان قرار گیرد.

به طور مثال این جزوه طبقه‌بندی [آموزشی]، یکی از سندهای بسیار مهم دفتر به حساب می‌آید که حاج آقای حسینی (ره) در آخر عمر شریفشان به صورت فقهیانه، ۳۰ سال کار فکرشان را داخل این جدول طبقه‌بندی جمع‌آوری کرده‌اند، اما در رابطه با توضیح این جدول، همین چند سطر نوشته‌ی این جزوه و چند نوار این جلسات بیشتر وجود ندارد.

لذا اگر بخواهیم آن را تکامل دهیم، باید دوباره رویش آن فکر و دقت و عمیق شود.

برادر یزدانی: در جلسه قبل بحث «گمانه، گزینش، پردازش» برای ایجاد علم و نحوه ایجاد گمانه برای یک نفر را مطرح نمودید؛ لطفاً توضیح بیشتری فرمایید.

[در جلسه قبل بیان شد که] هدف از ضرب این مفاهیم در هم، این بود که مشخص شود جریان تولید از چه مرکزی، با چه مکانیزمی انجام می‌گیرد. ما قائل هستیم جریان «گمانه، گزینش، پردازش»، (تولید نفس تخیل و گمانه) از قوه‌ی اختیار واقع می‌شود و باید در دستگاه ولایت حقّه باشد. البته در دستگاه کفر هم قائل به همین مطلب هستیم که آیه شریفه «نُمِدُّ هَؤُلَاءَ وَهَؤُلَاءُ» ناظر به همین مطلب است. یعنی امدادهایی که خدای متعال به شیطنتهای علمی می‌کنند، با حساب و کتاب است و ذره‌ای خارج از حکومت خدای متعال نیست و [به وسیله همین امداد] تولید گمانه می‌کنند تا بتوانند عرصه جامعه را تسخیر کنند. پس شما در دستگاه خودتان، و کفار نیز در در دستگاه خودشان، این کار را انجام می‌دهند و همه این‌ها با حساب و کتاب [امداد- خداوند متعال است].

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

جلسه
پنجم



واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت
«نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه»

عنوان جلسه: تبیین تناظرسازی و صرف مفهوم و معرفی
روش‌های به کارگرفته شده در دفتر برای
این منظور و تطبیق آن به موضوع جامعه

گروه پژوهش‌های تطبیقی

اردیبهشت ۱۳۸۶

◀ واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه



استاد:	حجة الاسلام والمسلمین صدوق	پیاده:	برادر ساکی و گودرزی
جلسه:	۵	ویراست:	حجة الاسلام موسوی موشح و برادر یزدانی
تاریخ جلسه:	۱۳۸۶/۲/۲۵	تایپ:	برادر رضایی
تاریخ نشر:	۱۳۸۶/۲/۲۶	فهرست:	حجة الاسلام روح‌ا... صدوق و موسوی موشح

jalase o.doc اجراگروه مدل برنامه‌پیش نیازهای مدل در بحث روش تعریف و روش معادله D:\GROOH TATBIGHTATBIGH\



گروه پژوهش‌های تطبیقی

فهرست تفصیلی

۸۳	مقدمه: خلاصه‌ی مباحث گذشته.....
۸۳	۱- تناظرسازی: اولین گام برای رفتن از موضوع فلسفی به سوی یک موضوع خاص.....
۸۴	۱/۱. سیر تاریخی تناظر سازه‌های صورت گرفته در دفتر فرهنگستان.....
۸۴	۱/۲. بیان سه سطح از تناظر سازی (انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی).....
۸۴	۱/۲/۱. تعریف تناظر سازی انتزاعی بر اساس تعریف شی به ضد.....
۸۴	۱/۲/۳. تعریف تناظر سازی تکاملی بر اساس تعریف شی به جهت (نظام).....
۸۵	۲. ضرورت تعریف از «تعمیم، تخصیص، توزین» برای تعریف.....
۸۵	۲/۱. ضرورت تبیین معنای «صرف مفهوم» برای نوشته شدن سه مفهوم فوق.....
۸۵	۲/۱/۱. بیان تمثیلی از صرف مفهوم با تعریف مداد.....
۸۶	۲/۱/۲. جهت دار بودن صرف مفهوم به معنای حضور فلسفه تاریخ در تعریف.....
۸۶	۲/۱/۳. بیان اجمالی کیفیت تأثیر سه دیدگاه فلسفه تاریخ «مارکسیسم، غرب و فرهنگستان» بر چگونگی تعریف.....
۸۶	
۸۶	۲/۲. تعریف سازمان «صرف مفهوم» به «وصف و موصوف»، «مضاف و مضاف‌الیه» و «نظام شاخصه» در یک پدیده نظام‌مند.....
۸۶	۲/۲/۱. محور بودن «اعراض و اوصاف» در روش تعریف منطق تکاملی به جای «ذات شیء».....
۸۶	۲/۲/۲. پیدایش ترکیب «وصف و موصوف» به دلیل مرکب بودن اوصاف به معنای حضور «نسبیت» در اوصاف شیء.....
۸۷	
۸۷	۲/۲/۳. پیدایش ترکیب «مضاف و مضاف‌الیه» برای ملاحظه بخش‌های درونی یک نظام.....
۸۷	۲/۲/۴. پیدایش «نظام شاخصه» به معنای گردش عملیات ابزار کنترل رفتارهای عینی.....

۳. به‌کارگیری روش تناظرسازی و صرف مفهوم در موضوع جامعه..... ۸۸

۳/۱. تناظرسازی بر اساس ممارست و بدون قاعده‌مندی به عنوان اولین روش به کار رفته در دفتر برای تناظرسازی

۸۸.....

۳/۲. تعریف جامعه به «نظام حساسیت‌های اجتماعی» بر اساس تناظرسازی مبتنی بر ممارست ۸۸

۳/۳. بیان سه جامعه «اقتصادمحور، فرهنگ‌محور و سیاست‌محور» به عنوان سه احتمال در پیدایش جامعه حول

معنای اصالت اختیار..... ۸۹

۳/۳/۱. پایدارتر بودن جامعه «سیاست‌محور» نسبت به انواع دیگر جامعه به دلیل قدرت انگیزه در هدایت اختیار

۹۰.....

۳/۳/۲. عدم انحصار «سیاست‌محوری» در جامعه الهی به دلیل وقوع آن در نظام‌های غیراسلامی ۹۱

۳/۴. معادل‌سازی «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» برای حدّ اولیه فلسفی «ولایت، تولی و تصرف» در موضوع جامعه

بدون انجام ضرب، به عنوان اولین روش در عملیات تناظرسازی..... ۹۱

— تا کد ۲/۱/۱ فهرست از حجة الاسلام روح... صدوق است و ادامه از حجة الاسلام موسوی موشح

بسمه تعالی

مقدمه: خلاصه‌ی مباحث گذشته

حجّت الاسلام و المسلمین صدوق: این بحثی را که خدمت شما عرض می‌کنیم، بحث «حرکت منطقی» است که حاج آقای حسینی (ره) در تعریف یک موضوع خاص مطرح کرده‌اند.

در جدولی که جلسه قبل به شما نشان دادیم، بحث ایشان در خانه «صورت مواد» جای می‌گرفت. در این خانه بود که گفتیم یک موضوع چگونه رصد می‌شود. یعنی جایی که موضوع را رصد می‌کنیم، خانه‌ی «صورت مواد» است.

اکنون می‌خواهیم رصد کنیم که حاج آقای حسینی (ره) چه فعل‌هایی را انجام می‌دادند، تا یک موضوع تعریف شود.

حجّت الاسلام کشوری: منظور این است که یک موضوع، تعریف شود یا تحلیل شود؟

ج: یا تجزیه شود یا ... [همه این سؤال‌ها را می‌توان پرسید!]

س: نه، می‌خواهم بپرسم عنوان عام آن چیست؟ تحلیل یک موضوع است یا تعریف آن؟ چون خود «تعریف» یکی از عناوین داخلی جدول روند تحلیلی می‌باشد.

ج: قرار شد که پیش از پرسیدن هر سؤال، ابتدا بگویید نظام آن چیست؟ صحیح نیست که یک کلمه بپرسید [و توجهی به نظام آن نداشته باشید!]

س: من هم الآن از عنوان وحدت آن سؤال می‌کنم.

ج: عنوان وحدت آن «تعریف» نیست، زیرا این تعریف، از جنس تعریف‌های دیگر نیست، بلکه به معادله و شاخصه ختم می‌شود.

حجّت الاسلام موشح: یعنی [مانند منطق صوری] جنس و فصل نیست.

ج: بله، جنس و فصل نیست، حالا چه کنیم؟ اگر جواب شما را بدهیم، شما تا انتها از همان موضع به ما حمله می‌کنید، اگر هم جواب شمارا ندهیم ... در هر صورت اجازه دهید تا آخر جلسه بحث را مطرح کنیم تا یک درکی برای شما پیدا شود. ما هنوز بحث را شروع نکرده‌ایم.

۱- تناظر سازی: اولین گام برای رفتن از موضوع فلسفی به سوی یک موضوع خاص

حُب، در جلسه قبل مقداری راجع به این خانه صورت مواد صحبت کردم. گفتیم که «تناظر سازی» اولین گام برای رفتن از موضوع فلسفی به سوی یک موضوع خاص است.

می‌خواهم ببینم که در منطق تکاملی «تناظر سازی» چگونه انجام می‌گیرد؟

۱/۱. سیر تاریخی تناظر سازهایی صورت گرفته در دفتر فرهنگستان

که در ابتدا یک گزارش تاریخی از تناظرسازی‌های انجام شده در دفتر ارائه می‌دهم:

۱. نخست اینکه این تناظر سازی «ایماناً» انجام می‌شده است، یعنی با ممارست. در زمانی که هنوز منطق دفتر تولید نشده بود، به دلیل نحوه مبارزه‌ای که وجود داشت (یعنی بت شکنی) راهی که پرچم‌دار توحید رفته است، پیوسته امداد می‌شود. اگر چه مبنای سه و استدلال جامع آن، ده الی پانزده سال بعد به دست آمده است، ولی می‌بینید که در همان سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ حاج آقای حسینی (ره) به صورت وجدانی از مبنای سه استفاده می‌کند. ایشان این تناظرسازی را به صورت وجدانی، با ممارست و امدادی که می‌شد، انجام می‌داد.

این یک روش بود که در دفتر وجود داشت که نمی‌توان به آن «قاعده» گفت. ما به آن «عنایت و لطف» می‌گوییم، عنایتی که به حاج آقای حسینی (ره) می‌شده است. من یک‌بار در زمان حیات ایشان، مجموعه‌ای از تناظرسازی‌های سه‌گانه‌ای که ایشان در جاهای مختلف به کار برده بودند را در یک جزوه جمع کردم، ولی در آن زمان هنوز بحث صرف مفهوم طرح نشده بود، قواعد آن نیز گفته نشده بود، این یک مرحله.

۱/۲. بیان سه سطح از تناظر سازی (انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی)

۱/۲/۱. تعریف تناظر سازی انتزاعی بر اساس تعریف شی به ضد

۲. یک تناظر سازی قاعده‌مند نیز در دفتر انجام می‌شده است که هنوز هم هست و سند آن نیز در بحث وزارت اطلاعات [امنیت ملی] در بحث «تعریف امنیت» است، ایشان در آنجا ابتدا یک شیء را به «ضد» تعریف می‌کنند، مثلاً می‌گویند شجاعت یعنی چه؟ شجاعت یعنی نرسیدن از پلنگ. در این‌جا شجاعت به ضد خود تعریف شده است. می‌گویند شجاع کسی است که در حوادث طبیعی که قرار می‌گیرد، مثلاً اگر در مقابل یک مار قرار گرفت، نترسد. حاج آقای حسینی (ره) می‌گویند: این تعریف، «انتزاعی» است.

اما تعریف مجموعه‌نگری چیست؟ تعریف در منطق مجموعه‌نگری، تعریف به وابستگی است، یعنی شجاعت را به زیرکی و اوصاف دیگری که با آن ارتباط دارند تعریف کنید و بگویید اینها به هم ارتباط دارد، نمی‌شود شجاعت به وجود بیاید و در کنار آن وصف زیرکی، تدبیر، باهوشی و ... به وجود نیاید. پس پیدایش یک «تعریف» در مجموعه‌ای از اوصاف که با یکدیگر ارتباط دارد، تعین پیدا می‌کند. بدین ترتیب نمی‌توانیم وزن یک شیء را به صورت مستقل ببینیم و بگوییم که به تنهایی در خارج تعین پیدا می‌کند. وزن شیء در ارتباط با حجم، سستی و سختی و سایر اوصاف آن تعین می‌یابد. این تعریف مجموعه‌نگری است.

۱/۲/۳. تعریف تناظر سازی تکاملی بر اساس تعریف شی به جهت (نظام)

تعریف تکاملی، تعریف به جهت است. یعنی هر چیزی به بندگی خدا یا به طغیان نسبت به خدا تعریف می‌شود. اگر تعریف هر پدیده‌ای در نظام اختیارات و در چارچوب مشیت الهی شکل بگیرد، چه روحی باشد، چه ذهنی و چه عینی، این تعریف تشکیل یک نظام و سیستم می‌دهد، نه مجموعه!

در مجموعه، نگاه ما به صورت بخشی است، به این لیوان یک مجموعه می‌گوییم، به آن ضبط صوت هم یک مجموعه می‌گوییم، به تلفن نیز یک مجموعه می‌گوییم. هر شیء را می‌شود به صورت یک مجموعه دید، اما «نظام‌مند» ندید.

آن نظامی که مطلق است، یعنی همه چیز را در یک مجموعه واحد قرار می‌دهد؛ اعم از کافر، منافق و مومن، یا اعم از

انسانی، طبیعی و ...، یعنی همه چیز را در یک وحدت و یک نظام شامل می‌بیند، [این نظم را] تنها خداوند [ادراک می‌کند]؛ «لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین». در هر لحظه، هیچ چیز از او غایب نیست و در همه آن هم حاضر است، نه اینکه رها کرده باشد، بلکه حتی در نفس اراده شیطان نیز خدای متعال حاضر است؛ «لا حول و لا قوه الا با... العلی و العظیم». هر حول و قوه‌ای که ابلیس دارد [از خداوند است] و یک ذره بدون حکومت خداوند نمی‌تواند هیچ غلطی بکند!

پرچمداران توحید نیز همچون حضرت ولی عصر(عج) و همه‌ی مراتب عالم، همگی حول و قوه خود را از خدای متعال می‌گیرند. حتی یک گیاه هم همین‌طور است، یک حشره، در قعر دریا نیز، اینگونه است که اراده خداوند در او حاضر است.

بر اساس منطق تکاملی، اصل تقوّم به تعریف الهی باز می‌گردد. شما می‌خواهید منطقی ایجاد کنید که در در نگاه به خارج در سایه‌ی ربوبیت الهی باشد. لذا می‌گوییم متقوّم کردن و نظام‌مند کردن کار «منطق تکاملی» است، منطقی که حاکم بر همه سیستم‌ها و مجموعه‌هاست. این نیز یک معنا از موادسازی در دفتر است.

۲. ضرورت تعریف از «تعمیم، تخصیص، توزین» برای تعریف

معنای دیگری که به آن «تعمیم، تخصیص، توزین» گفته می‌شود نیز وجود دارد که بیان آن نیاز به مقدماتی دارد.

۲/۱. ضرورت تبیین معنای «صرف مفهوم» برای نوشته شدن سه مفهوم فوق

ابتدا لازم است معنای «صرف مفهوم» از آثار عرفی به آثار تخصّصی و آثار تاریخی را توضیح دهیم تا پس از آن معنای آن سه روشن شود.

۲/۱/۱. بیان تمثیلی از صرف مفهوم با تعریف مداد

در یک موضوع خاصّ مانند «مداد» می‌پرسیم: اثر مداد چیست؟ «نوشتن است»، می‌توانیم با مداد مطلب بنویسیم. اکنون می‌پرسیم با نوشتن چه چیز واقع می‌شود؟ پاسخ این است که با نوشتن بنده می‌توانم سواد خود را به آقای موشّح منتقل می‌کنم. ایشان نیز می‌تواند سواد را با کتاب و کتابت به دیگران منتقل نماید. در مجموع با کتاب و کتابت، ما دانش خود را به یکدیگر منتقل می‌کنیم. اکنون اگر به خود مداد نگاه کنیم، می‌بینیم که کاری بیشتر از ترسیم نقوش بر روی کاغذ انجام نمی‌دهد، اما وقتی مداد در معنی سواد منحل می‌شود، کارآیی دیگری پیدا می‌کند. خودکار هم همین‌طور است. قلم و دوات هم که قبلاً ما با آن می‌نوشتیم و امروز از آن استفاده نمی‌کنیم، همین‌طور بودند. روان‌نویس هم همین کار را می‌کند. ابزارهای نوشتن را می‌شماریم تا به کامپیوتر می‌رسد. امروز دیگر خیلی از نوشتن‌ها با کامپیوتر انجام می‌شود. با کامپیوتر شما قلم را بروی کاغذ نمی‌کشید، بلکه دکمه‌هایی را فشار می‌دهید. کار شما تایپ است. تایپ هم با نور [و الکترونیسته] کار می‌کند. در دستگاه‌های تایپ قدیمی این کار با جوهر انجام می‌شده است و اکنون دیگر دکمه‌ها با اشعه به یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.

پس ما در منطق تکاملی برای تعریف اشیاء از عینیت شروع می‌کنیم. مثلاً در موضوع نوشتن می‌گوییم آثار موضوعات به یک موضوع شامل به نام سواد تبدیل می‌شود، برای تعریف سواد آن را در «گذشته، حال و آینده» می‌بریم و بر این اساس، برای آن برنامه می‌دهیم. ما در تعریف مواد، به دنبال تکامل سواد و فرهنگ خود هستیم. اگر لازم شود که برای تکامل سواد، مداد را از زندگی علمی خود حذف کنیم، این کار را می‌کنیم، مانند قلم و دوات که حذف شده است، یا نوشتن با میخ بر روی پوست حیوانات که دیگر متروک شده است. اکنون حتی بچه‌ها نیز با خودکار و ابزارهایی غیر از آنچه ما در گذشته داشته‌ایم، کار می‌کنند.

۲/۱/۲. جهت دار بودن صرف مفهوم به معنای حضور فلسفه تاریخ در تعریف

پس «صرف مفهوم» از آثار اجتماعی به معنای تاریخی و از معنای تاریخی به معنای فلسفه تکوین منتقل می‌شود. در معنای تاریخی پرسش از این است که سواد و فرهنگ براساس کدام فلسفه‌ی تاریخ تعریف می‌شود. در نگاه تاریخی، سواد به صورت زاویه‌دار و جهت‌دار تعریف می‌شود.

۲/۱/۳. بیان اجمالی کیفیت تأثیر سه دیدگاه فلسفه تاریخ «مارکسیسم، غرب و فرهنگستان» بر چگونگی تعریف

یعنی می‌گویید مارکسیست‌ها به دلیل آنکه می‌گویند: «فلسفه‌ی تاریخ مبتنی بر نیازمندی‌های مادی و ارتباط انسان با جهان تعریف می‌شود، پس ابزار که تحوّل پیدا کند، روابط اجتماعی نیز تحوّل پیدا می‌کند و تحوّل روابط اجتماعی نیز جامعه را متحوّل می‌نماید و...»، طبیعتاً تعریف متفاوتی از سواد و فرهنگ ارائه می‌دهند. مارکسیست‌ها دوران‌های تاریخی را به تحوّل «ابزار» تعریف می‌کنند. خودکار، سواد یا هرچیز دیگری را نیز بر اساس فلسفه‌ی تاریخ خود تعریف خواهند کرد. هیچ چیزی خارج از فلسفه‌ی تاریخی مارکس نیست و همه را به آن حدّ اولیه بر می‌گردانند.

شما نیز حرکت عالم را به تعریف دنیا و آخرت، دستگاه الهی، ربط به خالق، ولایت تاریخی و... معنا می‌کنید. پس شما نیز همه چیز را به فلسفه‌ی تاریخ خود بر می‌گردانید. لذا بر اساس منطق تکاملی، سواد «موضوع امتحان» قرار می‌گیرد. شما در پیدایش موضوعات قائل هستید که تکامل معنوی بریده از تکامل مادی نیست. منطق تکاملی بر اساس فلسفه تاریخ فرهنگستان که تاریخ را بر اساس فلسفه تاریخ انبیاء و اولیاء الهی، امتحانات و نور وحی معنا می‌کند، به تعریف اشیاء می‌پردازد.

در مقابل این فلسفه، یک فلسفه‌ی دیگری هم هست به نام فلسفه غرب. فلسفه غرب یک فلسفه «علمی» است، فلسفه‌ای «ابزار محور» نیست. این فلسفه معتقد است که اندیشه‌ها، چه غلط و چه درست، علّت ساخت تمدن‌ها است. یعنی این فلسفه با نگرش علمی خود، تولید گمانه را اعمّ از غلط و صحیح، مؤثر در پیدایش تمدن‌ها می‌داند و فلسفه تاریخی بر مبنای خود ارائه می‌دهد.

اینکه هر مبنای فلسفی به تولید یک فلسفه تاریخ منجر می‌شود این به معنای پذیرش حضور اختیار در تحلیل مسائل است. یعنی تعریف و تحلیل «جهت‌داری» است. این نیز یک روش از صرف مفهوم است که در دفتر واقع شده است.^۱

۲/۲. تعریف سازمان «صرف مفهوم» به «وصف و موصوف»، «مضاف و مضاف‌الیه» و «نظام شاخصه» در یک پدیده نظام‌مند

۲/۲/۱. محور بودن «اعراض و اوصاف» در روش تعریف منطق تکاملی به جای «ذات شیء»

بحث دیگری که در «صرف مفهوم» داریم، بحث «وصف و موصوف»، «مضاف و مضاف‌الیه» و «نظام شاخصه» است. از پدیده‌ها، آنچه در تصرف ماست، اوصاف آن‌ها است، نه حقیقت اشیاء. مطلوبیت متوجه یک نظام نیز برای ما، مطلوبیت وصفی است، نه حقیقت ذات. این مطلب بالعکس آن چیزی است که منطق صوری می‌گوید. منطق صوری صحبت از ذات و اعراض می‌کند و اعراض برای منطق صوری اصل نیست.

^۱. آدرس این بحث داخل آن جزوه‌هایی که به شما معرفی کردم بود که خدمتان عرض کردم.

در صورتی که در منطق تکاملی «اعراض» مهم است و حقیقت شیء برای ما اصل نیست. ما درک از حقیقت اشیاء را مختصّ وجود خدای متعال و ائمه معصومین (علیهم السلام) می‌دانیم. ما به دنبال بهینه کیفیات، یعنی وصف هستیم. منطق ما به دنبال بهینه وصف است و بر این اساس هدف‌گذاری می‌کنیم و می‌گوییم: «بگو چه می‌خواهی، تا بگوییم چه وصفی را باید تغییر بدهی!»

لذا در شیء، اولین چیزی که روبروی ماست، اعراض یا به تعبیر دیگر اوصاف یک شیء است.

۲/۲/۲. پیدایش ترکیب «وصف و موصوف» به دلیل مرگ بودن اوصاف به معنای حضور «نسبیت» در اوصاف شیء

این اوصاف به دلیل آن‌که مرگ است، می‌تواند در هم منعکس شود و وصف و موصوف درست کنند. درست شدن وصف و موصوف به این معناست که گاه «رنگ سبز» در یک شیء می‌تواند برای ما وصف باشد و به عنوان وصف به آن نگاه کرده و به دنبال غلظت و شدت آن باشیم. گاهی نیز در هنگام تصرف در شیء، همان «رنگ سبز» را موصوف قرار می‌دهیم! پس وصف، هم می‌تواند «وصف» باشد و هم می‌تواند «موضوع» قرار بگیرد، لذا به آن «وصف و موصوف» می‌گویند. این معنی «نسبیت» است.

۲/۲/۳. پیدایش ترکیب «مضاف و مضاف‌الیه» برای ملاحظه بخش‌های درونی یک نظام

اما گاهی این کار را نمی‌کنیم. بلکه به درون یک شیء می‌رویم و آن را تقسیم می‌کنیم و می‌گوییم که این شیء دارای سه بخش است، مثلاً: قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه. یا مثلاً هر سازمانی مقدرات امکانی، مقدرات انسانی و مقدرات ابزاری دارد. این تقسیمات «انتزاعی» است. در این‌گونه تقسیمات، مضاف و مضاف‌الیه و نسبت بین آن‌ها برای ما مهم است. یعنی اگر در یک تشکیلات این‌گونه است، در یک موجود زنده هم همین‌طور است، فرقی نمی‌کند. در این حالت، به دنبال آن هستیم که چگونه نیروی انسانی خود را ساماندهی کنیم تا «نسبت تأثیر» وصف‌ها در درگیری با بیرون شدیدتر شود، زیرا این شدیدتر شدن برای ما پول و اعتبار بیشتری می‌آورد. لذا وقتی بحث از مضاف و مضاف‌الیه می‌کنید، بحث از بخش‌های درون یک نظام است.

۲/۲/۴. پیدایش «نظام شاخصه» به معنای گردش عملیات ابزار کنترل رفتارهای عینی

وقتی بحث از نظام شاخصه است، بحث از «گردش عملیات» است، مانند: پیاده کردن نوار، آئین نامه و شاخصه‌ی کنترل موضوع. برای آن‌که بتوانیم بهتر پیاده کنیم، وقتی در حال تایپ هستیم، آئین نامه آن برای این است که چه کنیم تا تایپ بهتر انجام شود و ...

همه این‌ها درباره یک موضوع است. در یک موضوع خاص مانند گندم می‌خواهیم بدانیم آن را چگونه پرورش دهیم چگونه کار کنیم، تا محصول بهتری تحویل دهد. به این می‌گوییم گردش عملیات.

نظام شاخصه برای کنترل رفتارهای عینی است، آن رفتارهایی که در خارج انجام می‌گیرد.

بحث مضاف و مضاف‌الیه در آزمایشگاه مطرح است، جایی که می‌گویید: ابزار، پول و نیرو را چگونه سازماندهی کنیم، تا تعداد درخواست‌هایی که می‌آید و برای ما ایجاد آبرو می‌کند بالاتر باشد.

پس روشن است که وصف و موصوف، مضاف و مضاف‌الیه و نظام شاخصه، سازمان «صرف مفهوم» در یک پدیده‌ی نظام‌مند است.

بحث از گردش عملیات، به این معنا که چگونه تقسیم‌بندی‌های ما کلی می‌شود، نسبت‌های کلی چگونه به وصف تبدیل می‌شود و مفاهیم را چگونه باید تعریف کنیم، تا به یکدیگر تبدیل شوند، این هم یکی از بحث‌هایی است که در دفتر مطرح شده است.

برادر انجم‌شعاع: آنچه فرمودید ناظر به این مطلب است که ما یک مدل وصفی، یک مدل موضوعی و یک مدل برنامه‌ای داریم و مدل موضوعی، همان مدل موضوعات است.

ج: بله؛ همین‌طور است.

۳. به‌کارگیری روش تناظرسازی و صرف مفهوم در موضوع جامعه

اما بحث امروز ما درباره جامعه است. اکنون می‌خواهیم وارد بحث جامعه شویم. می‌خواهیم بدانیم که دفتر جامعه را براساس منطق تکاملی چگونه تعریف می‌کند. اولین مرحله تعریف جامعه، تناظرسازی است.

۳/۱. تناظرسازی بر اساس ممارست و بدون قاعده‌مندی به عنوان اولین روش به کار رفته در دفتر برای تناظرسازی

این تناظرسازی، در جامعه را حاج آقای حسینی (ره) با ممارست انجام داده‌اند، نه بر اساس قواعد در جامعه. ایشان می‌فرمایند همان‌طور که در انسان سه بخش «روح، ذهن و عین» وجود دارد، در جامعه نیز «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» وجود دارد. این یک راه است.

۳/۲. تعریف جامعه به «نظام حساسیت‌های اجتماعی» بر اساس تناظرسازی مبتنی بر ممارست

راه تناظرسازی بر اساس ممارست و بدون قواعد، برای کسی است که خود موجد یک فلسفه بوده است، خودش هم بر اساس آن فلسفه، جامعه را معنا کرده است. بعد هم برای این جامعه تعریف داده و گفته است: «نظام حساسیت‌های یک جامعه» و برای آن مثال هم زده‌اند. برای تجارت جهانی در دنیا تظاهرات می‌شود. در حالیکه در ایران، افغانستان و ... برای این موضوع تظاهراتی صورت نمی‌گیرد، چون موضوع مبتلا به آنها نیست، بلکه موضوع مبتلا به کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد. در کشورهای اسلامی نظام حساسیت‌ها، نسبت به پیامبر اکرم -صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم- است که اگر به ایشان توهین شود، تمام جهان اسلام تظاهرات می‌کنند.

[ایشان] معنی فرهنگ را «قابلیت» و باورها و معنی اقتصاد را «عملکردها» گرفته‌اند. معنی سیاست نیز به «وحدت جامعه» و دعوت عامی که رهبران و پرچمداران نظام، مردم را به آن دعوت می‌کنند، بازگشت می‌کند. معنی فرهنگ، انعکاس [سیاست] ملت است که می‌پذیرند این جهت دارای یک مناسک، جزئیات و خصوصیات است و به آن عمل می‌کنند که این وحدت جهت همراه با این قابلیت، منجر به یک رفتاری در جامعه می‌شود که به آن اقتصاد گفته می‌شود: «سیاست، فرهنگ، اقتصاد». فلسفه دارد یا ندارد؟

حجّت الاسلام موشح: یعنی جامعه، فلسفه دارد؟

ج: یعنی همین تعریفی که الان عرض کردم. یعنی بر اساس یک سیر تولید فلسفی، انسان تعریف شده است که قبل از تولید فلسفه نیز با ممارست [این تعاریف بدست آمده است]. یعنی با ایجاد فلسفه، تعریف فلسفی، از جامعه نیز داده شده است. به عبارت دیگر در ابتدا، اعتباری بودن جامعه که بر اساس فلسفه «اصالت ماهیت و اصالت وجود» [فرض شده است را] نقد کرده و بعد از آن حقیقی بودن حرکت جامعه بر اساس علل و معالیل نسبی (یعنی قانون‌مندی جبری) را نیز با شکستن اصالت کیفیت، شکسته‌اند. البته نه تنها برای جامعه بلکه برای انسان نیز حرکت جبری را شکسته و نقد

کرده‌اند. حتی حرکت جبری در استکان، مولکول، اتم و طبیعت نیز نقد شده است چون نمی‌تواند حرکت را تحلیل کند. پس با شکسته شدن جبر، جبر در جامعه نیز شکسته شد.

۳/۳. بیان سه جامعه «اقتصادمحور، فرهنگ‌محور و سیاست‌محور» به عنوان سه احتمال در پیدایش جامعه حول معنای اصالت اختیار

بنابراین براساس اصالت اختیار، یک انسان‌شناسی حول محور اختیار و یک جامعه‌شناسی براساس محور وحدت آن تعریف می‌شود. در جامعه‌شناسی نیز شکل‌گیری جوامع بر سه محور بحث شده است:

۱- جامعه می‌تواند حول [محور] نیازمندی‌های مادی خود (یعنی اقتصاد) به وحدت برسد؛ یعنی وحدت جامعه براساس رفاه و ارتباط دائم‌التزاید با طبیعت و تسخیر آن باشد. سپس حول همان محور، یک نظام فکری و فرهنگی شکل گرفته و بر اساس آن نیز یک نظام سیاسی که محور آن نیازمندی‌های مادی است، به وجود آید.

۲. وحدت جامعه دیگری نیز می‌تواند حول [محور] قابلیت‌ها و فرهنگ آن جامعه (پذیرش‌های اجتماعی) شکل بگیرد. این جامعه به خاطر خورد و خوراک با جوامع دیگر درگیر نمی‌شود. ولی به علت توهین به کتاب‌شان یا توهین به مراجع خود درگیر می‌شوند. زیرا عناصر و کتابی را پذیرفته‌اند و بر سر قابلیت‌های خود درگیر می‌شوند. البته مهم نیست که [این پذیرفته‌ها] حتماً اسلام باشد، ممکن است بوداییان هند باشند که به خاطر توهین به معبد خود حاضرند خون بدهند. یا مسلمانانی باشند که توهین به مسجدشان می‌جنگند.

پس در این‌جا محور جامعه، فرهنگ و قابلیت آن است، که این پذیرفته‌ها ممکن است الهی (مسجد) یا مادی (عناصر و کتاب) باشد.

۳. محور سوّم وحدت جامعه، اختیارات جامعه می‌باشد. و آن اخلاقی است که از نظام و رهبران آن جاری می‌شود و می‌تواند استکباری، الهی و یا هر چیز دیگری باشد. یعنی حول نظام حساسیت‌ها یک جامعه‌ای شکل می‌گیرد. در اینجا حساسیت، برابر با شخص می‌شود؛ یعنی [جامعه] حول محور خلق عمر و ابابکر، جهت بعثت را عوض می‌کنند. حاضر می‌شوند برای این آقا کشته شوند که در این‌جا بحث شهادت در خود هویت اختیار، برای به وحدت رساندن جامعه، موضوع قرار می‌گیرد. البته انعکاس آن روی قابلیت‌ها [فرهنگ] و نیازمندی‌ها [اقتصاد] نیز می‌افتد. در آنجا هم به همین شکل است؛ مثلاً اگر نیازمندی‌ها اصل شود، انعکاس آن بر روی فرهنگ و نظام سیاسی نیز می‌افتد. چون در نظام سیاسی است که ارتش درست می‌شود. ولی آن‌ها در این‌جا (برعکس) می‌گویند هیچ کس نباید به ابابکر حرف بزند و ما بر سر این خلق می‌ایستیم. یعنی مردم از خلق پیغمبر خسته شده‌اند و نماینده خلق پیغمبر نیز علی - علیه السلام - است. کسانی که با زور و فشار جاذبه پیامبر - صلی ... علیه و آله و سلم - خود را نگه داشته بودند و هر لحظه آرزوی مرگ پیامبر را می‌کردند، با فوت پیامبر راحت شدند. لذا پتانسیل‌ها و حساسیت‌ها، روحی است که در یک شخص منعکس می‌شود و به آن ولایت می‌گویند که حاضرند بر سر خلق، خون بدهند.

حجّت الاسلام آل یاسین: یعنی شهوتشان اجازه نداده است.

ج: بله!

س: دنیا پرستی!

ج: بله! صحبت از سه شکل دنیا پرستی بود که گاه در نیازمندی‌های مادی، گاه در فرهنگ و گاه در نظام اختیارات و نظام حساسیت‌ها منعکس می‌شود که در این (مثال) به شخص سجده می‌شود. مانند همان چیزی که در فلسفه شیعه است

که وجود مبارک آقا امیر المؤمنین (علیه السلام)، وجود مبارک حضرت فاطمه زهرا (سلام... علیها) در بندگی موضوعیت دارند؛ نه این که خودشان خدا هستند بلکه طریق پرستش خدا هستند. چون خدا پرستی به یک تصور ذهنی که اقرار کنم یا نکنم نیست. بلکه خدا پرستی را به جریان مشیت و فاعلیت الهی می دانند. و به علت جریان فاعلیت و مشیت او، پس واسطه و مبدلی برای این جریان موضوعیت پیدا می کند. چون در صورت فاعلیت مستقیم او، همه خواهند سوخت. همان طور که ما هم، برای عبادت طبیعت، موضوعیت داریم، پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - [در] اختیارات و کل طبیعت در لایه های (زیر بنایی) موضوعیت دارند. ما نیز در یک سطحی که می تواند به شکل مثلاً لیوان باشد و برای عبادت کردن استکان و لیوان ... (روبنها) موضوعیت داریم. پس این سه سطح جامعه شناسی بود که بحث حاج آقای حسینی (ره) در پایدار بودن این سه محور است. اگر نیازمندی های مادی محور تشکیل جامعه ای شود، شکنندگی آن بیشتر و راحت تر است. چون بشر را به سجده بر تکنولوژی و آثار ماده وادار کرده اند، پس زودتر شکسته می شود.

۳/۳/۱. پایدارتر بودن جامعه «سیاست محور» نسبت به انواع دیگر جامعه به دلیل قدرت انگیزه در هدایت اختیار

اگر محور تشکیل جامعه، فرهنگ باشد؛ دیرتر شکسته می شود. اگر روی فاعل محوری - که اختیار است - قرار گیرد، چه کفرآمیز و چه الهی، دیرتر شکسته می شود. الهی بودن آن برتری دارد و برتریش به چیز دیگری است.

حجّت الاسلام کشوری: اگر جامعه ای تشخیص بدهد که نظام عملکرد یک جامعه [؟]. معنایش این است که تکامل یافته تر است، چون جهت کشیده در فرهنگ است.

ج: در این جا فقط اصل تعریف جامعه را می خواهیم بگوییم و بحث از تکامل آن نیست در اینجا بیان «جامعه شناسی» بر مبنای مباحث فرهنگستان و نقدهایی که توسط آن صورت گرفته، می باشد.

س: ظاهراً اینکه جامعه بر مبنای نیازمندی های مادی شکننده تر است، می بایست بر عکس باشد؛ چون جهت تا عملکرد آمده است.

ج: [منطق تکاملی] می گوید نظام هیتلری قوی تر از نظام سرمایه داری است؛ یا نظام ژاپن که به نظام حساسیت مادی تکیه می کند قوی تر است. یعنی اکنون دو کشور شکست خورده در جنگ جهانی دوم، جزء کشورهای صنعتی شده اند، چون به تحزب ناسیونالیستی تکیه کرده و پول تولید کرده اند و بر اساس دستگاه نظام سرمایه داری...

حجّت الاسلام موشح: یعنی محور آنها سیاست است.

ج: بله؛ سیاست محورشان است، نه اقتصاد. تحلیل منطق تکاملی از ژاپن و آلمان این است که سیاست یعنی ناسیونالیسم، محور فعالیت آنها بوده است. یعنی تکیه بر جنس برتر، علت ایجاد انگیزه برای بالا رفتن تولید و ثروتمند شدن گردید.

س: مصرفشان کم شد.

ج: هر نوع فداکاری را برای ژاپن برتر انجام دادند. تسلیم شدند و چون و چرا نکردند. رهبران شان گفتند و این ها عمل کردند و سریع هم به نتیجه رسیدند. بنابراین ما توانمندی تولید اقتصادی ژاپن و آلمان را مانند کشورهای نظام سرمایه داری (۸ جلسه سیاست های اصولی حاکم بر برنامه توسعه) تحلیل نمی کنیم، این بحث مصداقی نیز نیست، بلکه با مبنا قرار گرفتن نظام حساسیت به دلیل اینکه اختیار، هویت اصلی یک نظام می شود شکنندگی آن نظام کمتر می شود. بر

اساس فلسفه نظام ولایت، اختیار که فرهنگ ساز و تمدن ساز مادی است محور قرار گرفته و طبیعی است [چنین نظامی] نمی‌شکند.

۳/۳/۲. عدم انحصار «سیاست‌محوری» در جامعه الهی به دلیل وقوع آن در نظام‌های غیراسلامی

س: در اینجا ایثار نیز در یک سطحی معنا می‌شود.

ج: بحث اخلاق [مطرح است]؟ چه اخلاق مادی [و چه اخلاق الهی].

س: در نظام مادی هم یک سطحی از ایثار هست؛ یعنی می‌گویند من مصرف نکنم تا به نفع کشورم شود. چون وطن و خانه من است.

ج: در جاهایی از قرآن هم می‌توان برای آن معنای مشترک گرفت. اما در این‌جا آن معنایی از ایثار که همراه با نور است مقصود نیست. ولی چون در حال صحبت کردن از اصل آن هستیم، مشکلی ندارد.

حجّت الاسلام موشح: قبلاً جامعه «الهی، الحادی، التقاطی» داشتیم که در جامعه الحادی همیشه باید اقتصاد محور باشد، در جامعه اسلامی جامعه‌ای است که

ج: بعداً به آن می‌رسیم. الآن می‌خواهیم اصل [این مفاهیم را بگوییم] و اگر در جایی صحبت از آلمان و ژاپن می‌کنیم باید برگردیم و از منظر جامعه‌شناسی دفتر به آن نگاه کنیم. در این‌جا گزارش یک فلسفه داده شد و یک تناظر سازی بیان شد. اکنون می‌خواهیم بدانیم که از این تناظر سازی چگونه روش و منطق نظام ولایت این را تکثیر و تولید می‌کند. و موضوع جلسات آینده ما این است.

س: پس محور بودن سیاست در جامعه کفر مشکلی ایجاد نمی‌کند. در حالی که محور قرار گرفتن سیاست به معنای اینکه انگیزه‌های مردم در حفظ وطنشان باشد، با اینکه در جامعه کفر اقتصاد، محور است تعارض دارد. چون این اصل اولیه‌ای بود که در فلسفه [نظام ولایت] داشتیم.

ج: گاه از منظر «صورت» به آن نگاه می‌کنید، در نتیجه می‌گویید چهار، دو، یک آن جابه‌جا شده است که از لحاظ صورت شبیه جامعه اسلامی می‌شود. ولی آیا تعریف [جامعه اسلامی همین‌طور است؟] ما آن را به ولایت تکوینی تاریخی بر می‌گردانیم و او انکار می‌کند. پس این حرف مطلق نیست و از منظر صورت مثل [جامعه] اسلامی می‌شود و قوی‌تر از دستگاهی است که در آن اقتصاد، محور است. اما در تعریف «التقاط» و الهی، تعریف ماده چیست؟ تعریف انسان‌شناسی چیست؟ ما به اختیار تعریف می‌کنیم و آنها به جبر.

س: یعنی قید می‌خورد.

خ: نه! بلکه باید این حرف ۲۷ بار تکرار شود. نباید چیزی که گفته می‌شود را مطلق کرد و گفت که این یک شاخصه بود و شکسته شد. زیرا شاخصه «الهی، التقاطی و الحادی» قید نیست، بلکه نظام قیود است. در مباحثات هم باید اینگونه باشید و جا نزنید. وقتی طرف مقابل یک سوال می‌کند شما باید بتوانید آن را در دستگاهتان آورده و جایگاه این سؤال را در نظام ۲۷ تایی بیان کنید و جواب آن را بدهید. خودتان باور نکنید که یک قید گفتند و آن قید، مطلق شد، هرچند که تمام این جلسه درباره یک قید بیان شده باشد. یعنی نباید گذاشت با منطق صوری آن را مطلق کنند و مقابل شما قرار دهند.

۳/۴. معادل سازی «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» برای حدّ اولیه فلسفی «ولایت، تولی و تصرف» در موضوع

جامعه بدون انجام ضرب، به عنوان اولین روش در عملیات تناظر سازی

بنابراین «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» در معنای «تمایلات، قابلیت‌ها و فاعلیت‌ها»، زیر بنای تناظر تعریف جامعه بر اساس «ولایت، تولی، تصرف» گردید.

برادر انجم‌شعاع: در جدول جامعه «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» ضرب در «ولایت، تولی، تصرف» برابر با جامعه می‌شود.

ج: در کجا؟ باید ببینیم؟

برادر انجم‌شعاع: «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» مبنای جامعه است یا تقسیم جامعه؟ اگر مبنا باشد، در تقسیمات مبنا...

ج: یک اصل در روش گفتیم.

س: قابلیت و فاعلیت‌ها و... مبنای جامعه می‌شود و الا خود جامعه تقسیم به «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» نمی‌شود.

ج: من از نظر روشی بحث می‌کنم. اولین کار برای حرکت از فلسفه به طرف تعریف [موضوعات] پزشکی، تعریف استکان، تعریف انسان و تعریف تغذیه و هر چیز دیگر این است که تعاریفتان را به سه مفهوم «ولایت، تولی، تصرف» بیان کنید. زیرا اگر فلسفه، فلسفه است و اگر ادعای شمولیت می‌کند، باید بتواند هر چیزی را در دستگاه خودش به معنی حرکت با آن سه قید تعریف کند. به این تناظر سازی می‌گوییم. برای جامعه بیان کردیم که «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» سه مفهوم اولیه‌ی تعریف جامعه است.

س: فلسفی، روشی یا مصداقی است؟

ج: هیچ کدام.

س: شما گفته‌اید در تحلیل هر چیزی یک تقسیم فلسفی، روشی و مصداقی وجود دارد.

ج: این طور نیست!

س: جلسه قبل گفته‌اید؟

ج: خیر! بنده چنین حرفی نزده‌ام!

س: مثلاً شما می‌گویید این تقسیم از منطق و روش آمده است.

ج: گاه «ولایت، تولی، تصرف» را در هم ضرب می‌کنید و «ولایت ولایت، ولایت تولی، ولایت تصرف»، «تولی ولایت، تولی تولی، تولی تصرف»، «تصرف ولایت، تصرف تولی، تصرف تصرف» بدست می‌آید. سپس اینها را معنا می‌کنیم، نه تناظر سازی، معنا [کردن به معنی] صرف مفهوم است. در این معنا کردن، ولایت به دو معنا، تولی به دو معنا و تصرف به دو معنا می‌کنیم و در اضافه به هم کردن باید ۹ مفهوم بدست آید. گفتیم که حاج آقای حسینی (ره) با یک حیثیت دو تا معنا کرده‌اند و ۹ تا مفهوم به دست آمده است که «ظرفیت، جهت، عاملیت»، «محوری، تصرفی، تبعی»، «هماهنگی، وسیله، زمینه» بدست آمده است. این احتمال ایشان است. بنده عرض کردم می‌شود سه تا حیثیت بگذارید و ۶ تا معنا کنید یعنی برای «ولایت، تولی، تصرف» سه تا ۹ تا در بیاورید. این هم یک احتمال است.

س: از منطق خود خارج می‌شوید.

ج: عیب ندارد. این احتمال دوم ممکن است هزار تا اشکال داشته باشد. این عمل غیر از تناظر سازی است. تناظر سازی در هم ضرب کردن و یا صرف مفهوم کردن نیست. تناظر مستقیم است. یعنی اینکه «ولایت، تولی، تصرف» انسان را چگونه تعریف می‌کند.

برادر انجم‌شعاع: این همان کاری است که حاج آقای حسینی (ره) در منطق سازی انجام می‌داده است. ولی الآن این منطق کامل شده و تناظر سازی را نیز باید منطق بگوید. یعنی در تناظر سازی، وصفی که می‌خواهیم بسازیم، مضافی که می‌خواهیم بسازیم یا در هر برنامه‌ای، باید روش منطقی آن را بگویید.

ج: من همه اینها را گفتم، ولی هیچ جمع‌بندی‌ای ارائه ندادم. من فقط گفتم که این کارها در دفتر واقع شده است.

س: ولی نسبت به تعریف جامعه چگونه است؟

ج: الآن می‌خواهیم جامعه را تعریف کنیم. به نظر من اولین کار حاج آقای حسینی (ره) تناظر سازی فلسفی بوده است. یعنی «ولایت، تولی، تصرف» را مستقیماً به سه مفهوم معنا کرده‌اند، یعنی ضرب نکرده‌اند. ما هم فعلاً از این استفاده می‌کنیم. به نظر دوستان اگر روش‌هایی دیگری مثل تعریف به ضد، تعریف به هنجار و ناهنجار و چند تایی که گفتیم، به ذهنشان می‌آید بیان کنند و من هم استفاده می‌کنم.

س: آیا تناظر سازی منطقی صورت گرفت یا نه؟ ما با این کار داریم.

ج: فلسفی...

س: همان فلسفی آیا در این شکل گرفته است یا نه؟

ج: هنوز به آنجا نرسیده‌ایم، می‌گوییم سه مفهومی که خارج از این است: «سیاست، فرهنگ، اقتصاد». در قدم بعد حاج آقای حسینی (ره) اینکه دور نما داشته باشند، «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» را در هم ضرب کرده و «سیاست سیاست، سیاست فرهنگ، سیاست اقتصاد»، «فرهنگ فرهنگ، فرهنگ اقتصاد»، «اقتصاد سیاست، اقتصاد فرهنگ، اقتصاد اقتصاد» را بدست آورده‌اند؛ که این نه تا «گرایش، بینش، دانش»، «توسعه، کلان، خُرد»، «جهانی، بین‌المللی، ملّی» شده است. پس در ضرب اول، مفاهیم مستقیم بدست آمد و در دومی صرف مفهوم صورت گرفت. مراحل بعد را نیز در جلسه بعد - انشاء... - بیان می‌کنیم.

س: در جلسه بعد صرف مفهوم در نظام ولایت را باید بگویید.

ج: من از مباحث حاج آقای حسینی (ره) گمانه‌ای که برای من تلائم آن تمام شده است را به صورت ۱-۲-۳-۴-۵ و بیان می‌کنم و دوستان در این دقت کنند. اگر دوستان در فضاهایی دیگری که در هر کدام فضاهای دیگری هست، می‌توانند ترکیب سازی دیگری انجام دهند، به عنوان یک گمانه به من بدهند که من هم استفاده کنم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

جلسه
ششم



واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت
«نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه»

عنوان جلسه:

قرار گرفتن «سیاست، فرهنگ و اقتصاد»
بعنوان مفاهیم پایه در تعریف جامعه و
چگونگی تولید «ابعاد، ارکان و اساس»
از ضرب این سه مفهوم در هم

گروه پژوهش‌های تطبیقی

اردیبهشت ۱۳۸۶

◀ واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه

استاد:	حجة الاسلام والمسلمین صدوق	پیاده:	برادر یزدانی، حجة الاسلام موشح
جلسه:	۶	ویراست:	حجج اسلام زیبایی، موشح، صدوق
تاریخ جلسه:	۱۳۸۶/۲/۳۰	تایپ:	برادر رضایی
تاریخ نشر:	۱۳۸۶/۲/۳۰	فهرست:	حجة الاسلام روح... صدوق

D:\GROOH TATBIGH\TATBIGH\معادله\jalase ۶.doc | اجرا گروه مدل برنامه‌پیش نیازهای مدل در بحث روش تعریف و روش معادله

گروه پژوهش‌های تطبیقی

فهرست تفصیلی

مقدمه:	۹۹
۱. پاسخ به سؤالات جلسہ گذشتہ: قرارگیری سه عنوان «تعمیم، تخصیص و توزین» در بخش پژوهش نظری جدول روش تحقیق	۹۹
۲. خلاصہ جلسہ گذشتہ	۱۰۰
اصل بحث:	۱۰۱
۱. ضرورت متناظرسازی بعنوان اولین گام در تعریف یک موضوع	۱۰۱
۱/۱. قرار گرفتن «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» بعنوان مفاهیم پایه در تعریف جامعہ	۱۰۱
۲. معنی کردن ضرب «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» در هم به «گرایش، بینش و دانش»، «توسعه، کلان و خرد»، «جهانی، بین‌المللی و ملی»	۱۰۲
۲/۱. قرارگیری ۹ عنوان بدست آمده از ضرب «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» بعنوان ابعاد (زیر ساخت) جامعہ	۱۰۲
۱/۲/۱. قرارگیری ابعاد بعنوان اوصاف اصلی (فرهنگ، فلسفه و زیر ساخت) جامعہ	۱۰۴
۱/۲/۲. قرارگیری «مبنا، موضوع و مقیاس» بعنوان عناوین فرعی جامعہ	۱۰۵
۱/۲/۳. قرارگیری زیر ساخت جامعہ بعنوان نسبت‌های بیرونی جدول جامعہ	۱۰۵
۲/۲. ضرب ۹ عنوان ابعاد در یکدیگر و تولید ۲۷ عنوان ارکان	۱۰۵
۲/۳. چگونگی ایجاد وحدت اساس جامعہ	۱۰۷
۳. جمع‌بندی	۱۰۹

مقدمه:

۱. پاسخ به سؤالات جلسه‌ی گذشته: قرارگیری سه عنوان «تعمیم، تخصیص و توزین» در بخش پژوهش نظری جدول روش تحقیق

حجۀ الاسلام و المسلمین صدوق: از جلسه گذشته سوال مشترکی از طرف دو گروه مباحثه مطرح شد که درباره سه عنوان «تعمیم، تخصیص، توزین» بود. این سه عنوان در جدول روش تحقیق، در بخش پژوهش کتابخانه‌ای [قرار دارد. توضیح آنکه جداول] نظام مقایسه دارای «فرهنگ، فلسفه و زیرساخت» می‌باشد. در مقابل زیرساخت، پایگاه کارآمدی روش تحقیق در علوم کاربردی وجود دارد که خود آن به سه قسمت تقسیم می‌شود.

۱- یک طرف مشاهده‌ی استقرایی و طرف دیگر تحقیقات کتابخانه‌ای

۲- یک طرف سنجش قیاس و در مقابل آن، تحقیقات نظری

۳- یک طرف آزمون عینی و در مقابل آن، تحقیقات کاربردی

در قسمت تحقیقات نظری «تعمیم آثار، تخصیص جایگاه و توزین سهم تأثیر» آمده است. قواعد تئوری‌سازی نیز دارای سابقه‌ای می‌باشد که «تأمین منابع، تجزیه موارد و تنظیم روند» سابقه این قواعد در همه جا می‌باشد. بنابراین تحقیقات کتابخانه‌ای مقدمه و بستری می‌باشد برای قسمت دوم؛ که عبارت باشد از گمانه‌زنی جهت تئوری جدید، برای ساخت یک پدیده‌ی جدید. بر این اساس اصل بحث «تعمیم، تخصیص، توزین» به روش تحقیق بر می‌گردد. پس این بحث، بحث مستقلی نیست و مقدمه دارد و...

حجۀ الاسلام موشح: یک احتمال دیگری به نظر می‌آید که در بلوک دوم جدول طبقه‌بندی آموزشی (ص ۲۱) می‌توان ستون اول (نظام اصطلاحات با فضای نظری تحلیل فرضی موضوعات) را به معنای «تعمیم»، ستون دوم (نظام کیفی) را به معنای «تخصیص» و ستون سوم (نظام توزین کمی) را به معنای «توزین» گرفت. زیرا در سوم، عنوان «نظام توزین کمی» نوشته شده است. از این رو، می‌توان ستون «کیفی» را به معنای تخصیص گرفته و ستون «نظام اصطلاحات» را به معنای تعمیم گرفته شود.

ج: خیر؛ [این طور نیست]؛ زیرا این [جدول طبقه‌بندی آموزشی] در نسبت عام است، در حالی که [جدول «تعمیم، تخصیص، توزین»] در نسبت خاص می‌باشد. به عبارت دیگر [در این جداول طبقه‌بندی آموزشی]، نه عنوان [جدول دستیابی به فلسفه چگونگی اسلامی (ص ۱۴)] و نه عنوان [جدول ارکان نظری (ص ۲۱)]، بحث فلسفه منطق می‌باشد و نه عنوان [جدول کاربرد علمی (ص ۳۲)]، تقسیمات نسبت خاص است که دارای سه قسمت: روش حوزه (اصول)، روش معادله سازی (تقسیمات جاذبه عمومی روش) [روش مدل‌سازی] است.

س: بنده به علت اینکه در بلوک سوم [جدول ارکان نظری ص ۲۱] کلمه «توزین» (یعنی توزین کمی) وجود داشت،

احتمال دادم که می‌توان به دو بلوک دیگر، عناوین «تعمیم و تخصیص» نیز نسبت دارد.

ج: نخیر؛ در اینجا [جداول طبقه‌بندی آموزشی] ساخت توزین است، در حالی که در اینجا [جدول روش تحقیق نظام مقایسه] به‌کارگیری توزین است. این همان صحبتی بود که در مقایسه [سه منطق] خدمت شما بیان شد که بین منطق تکاملی و منطق مجموعه‌نگری این تفاوت وجود دارد که منطق مجموعه‌نگری ادعای داشتن منطق ارزشها یا وزن دادن‌ها - و به طور کلی - منطق قوه اختیار را ندارد. و حال آنکه اختیار می‌تواند وزن عالم و هر شیئی‌ای را به هم بزند و این به دلیل خود قوه‌ای اختیار است. یعنی می‌توان تغییر جهت دهد و اگر پایین بیاید، «بل هم اضل» می‌شود و اگر بالا رود از ملائکه هم بالاتر می‌رود. [و منطق تکاملی، ادعای تولید منطق اختیار را دارد]، لذا منطق تکاملی، منطق حق و باطل است؛ نه منطق «صحيح و غلط» و «به هنجار و نابه‌هنجار»! بنابراین به دنبال هماهنگی نیست، بلکه می‌خواهد بگوید چه چیز حق و چه چیز باطل است.

س: [پس می‌توان گفت:] چه هماهنگی‌ای حق و چه هماهنگی‌ای باطل است.

ج: احسنت! یعنی می‌خواهد هماهنگی‌ها را ارزش‌گذاری کند. پس این بحث در نسبت عام است. ولی در اینجا این طور نیست.

حجۃ الاسلام زیبایی‌نژاد: اما شما در توضیح جدول سوم طبقه‌بندی آموزشی فرمودید، این، در نسبت خاص است.

ج: [منظور از نسبت خاص در آنجا این بود که] در بلوک اول، نسبت عام فلسفه (فلسفه منطق) است، در بلوک دوم نسبت عام روش و در بلوک سوم نسبت عام مصداق است؛ یعنی تقسیمات روش است. که تقسیمات مصداقی روش عام، سه بلوک: حوزه، دانشگاه و اجرا دارد که دو ستون وسط آن «نظام مقایسه» است و «تعمیم، تخصیص، توزین، درون تقسیمات آن قرار می‌گیرد.

۲. خلاصه‌ی جلسه‌ی گذشته

در جلسه قبل به صورت اجمالی سرفصل‌های کلی‌ای که در دفتر عمل و اجرا شده و توانسته ورودی و خروجی‌های تعریف را تحویل دهد، بیان شد. البته به دنبال نظام دادن آن‌ها نبودیم. زیرا در آینده می‌بایست برای اینها جدول ارائه داد و همه اینها را از موضع روش‌ها، در یک نظام، متقوم کرد.

البته برای این کار، حدس‌هایی زده شده است، [که به طور کلی می‌توان گفت] یک «روش تحقیق، یک روش برنامه و یک روش مدیریت» وجود دارد که روش تحقیق همان نظام مقایسه، روش برنامه همان الگوی تنظیم برنامه (که برای سازمان برنامه و بودجه مطرح شد) و روش مدیریت همان جامعه‌شناسی می‌شود که بعد از بیان این تقسیمات مختلف، باید بتوان همگی را در یک جدول، متقوم کرد.

البته این کار نیز جامع نیست. زیرا منطق فرهنگستان دارای سه جدول جامع است.

۱- یک طبقه‌بندی تبلیغی وجود دارد که اولین جدول نمایشگاه دفتر است و شامل «حوزه، دانشگاه و اجرا» می‌باشد. به این جدول، جدول تبلیغی یا ارتباطاتی گفته می‌شود.

۲- جدول طبقه‌بندی آموزشی که کل بحث‌های دفتر را در خود آورده و نظم داده تا بتوان تدریس کرد و شامل سه بلوک «فلسفه عام، روش عام و مصداق عام» است.

۳- جدول کاربرگ که منطق شامل است؛ یعنی پژوهشی است. به عبارت دیگر مشخص می‌کند دفتر با چه ابزاری کار

می‌کند. البته دارای ۲۷ عنوان است که عناوینی مانند «نقد، نقض، طرح»، «روش، فلسفه، مصداق» و ... در آن آمده است. اما اینگونه نیست که تمام بلوک‌ها [و جداول] به طور منظم سیر خود را طی کنند تا کاری انجام گیرد، بلکه به دلیل شرایط گوناگون، ممکن است [تغییر نماید]. در بعضی موارد ممکن است از «پیدایش، تغییرات، تکامل» شروع شود، یا ممکن است از عناوین دیگری [یعنی جدول کاربرگ]، سه بلوک ۲۷ تایی دارد، ولی موادی که کار می‌کنید در آنجا است. پس به صورت منظم نیست. بلکه به نظم «درگیری» و نظم «پژوهشی» است. زیرا پژوهش در دفتر فرهنگستان، پژوهش کلاسیک نیست، بلکه پژوهشی برای اعلای کلمه حق است. لذا نمی‌تواند بدون دقت در دستگاه پژوهشی دو جبهه التقاط و کفر امداد شود. به عبارت دیگر اگر کسی بخواهد نسبت به طغیان علمی و پژوهشی در دستگاه الهی بی‌تفاوت باشد، امداد نخواهد شد و این قاعده و سنت خدای متعال است. حضرت ابراهیم علیه السلام باید تنها را بشکند تا خدای متعال برای ایشان سیر تقرب درست نماید. حضرت داود علیه السلام باید مقابل لشکر جالوت و جلو ترسی که در سپاه حضرت طالوت افتاده بود، بایستد تا به او حکمت، علم، شجاعت و ... داده شود (و آئینه الحکمه و...) این سنت پرورشی دستگاه الهی است که در تولید نیز به همین گونه است.

اصل بحث:

۱. ضرورت متناظرسازی بعنوان اولین گام در تعریف یک موضوع

حال به ادامه مباحث جلسات گذشته می‌پردازیم. بحث ما کیفیت رصد کردن یک موضوع به وسیله منطق نظام ولایت بود. بیان شد که اولین کار، تناظر سازی است. گرچه در دفتر بحث جامعه‌شناسی، به صورت مبسوطی مطرح شده است، یعنی هم انسان‌شناسی این جامعه در فلسفه نظام ولایت خوب توضیح داده شده است^۱ و هم [بحث] انسان جامعه‌شناسی [خوب پرداخته شده] که در مباحث ناهنجاری‌ها (جلسات ۶، ۷، ۸) وقتی حاج آقای حسینی می‌خواهند سیاست را معنا کنند، از تعریف انسان شروع می‌کنند. در این مباحث، انسان را به هویت و هویت را به آزادی تعریف کرده و ضد هویت به سلب اختیار و نفی آزادی تعریف می‌کنند و نشان می‌دهند فقط مکتب اسلام و انبیاء علیهم السلام هستند که می‌توانند هم از آزادی تعریف دهند و هم تحقق آزادی، استراتژی ایشان است. چون [انبیاء] قائل به تقرب هستند و تقرب بدون آزادی معنا ندارد. حاج آقای حسینی (ره) در این مباحث، بسیار زیبا، هویت را به آزادی تعریف می‌کنند و بعد [آن را] در سه دستگاه مدیریتی «مولویتی، مشارکتی و حادثه‌سازی» تعریف می‌کنند و بر اساس مدیریت مشارکتی، کیفیت تولید تخصص، جایگاه اصناف و پیدایش ادبیات ریاضی و نموداری برای تخصیص و بودجه‌ها را توضیح داده و سپس نقش دستگاه رسانه‌ها، احزاب و مطبوعات برای تولید انگیزه و چگونگی مدیریت حادثه‌سازی را توضیح می‌دهند تا معنای «سیاست» مشخص گردد و در نهایت درگیری بین قومیت و جمهوریت در آن مباحث نشان داده می‌شود. این یکی از بحث‌های بسیار زیبای حاج آقای حسینی (ره) است و از این رو، اگر کسی بخواهد وارد بحث اجرا و مدیریت شود تا این مباحث را نفهمد، هیچ چیز را در دستگاه الهی نفهمیده است.^۲

۱/۱. قرار گرفتن «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» بعنوان مفاهیم پایه در تعریف جامعه

بنابراین بحث تعریف جامعه در دفتر احتیاج به تناظر سازی ندارد، اما شما هر جا بخواهید وارد این مقوله شوید،

۱. انسان‌شناسی فلسفی در دفتر بسیار مبسوط و خوب بحث شده است و از نظر تئوری بسیار کامل و دقیق است.

۲. البته تدوین و بررسی جزوات مباحث ناهنجاریها در دستور کار گروه مدل می‌باشد و بعد از مباحث جامعه‌شناسی وارد آن خواهیم شد.

اولین گام شما در حوزه «ماده» [می‌باشد]. زیرا در حوزه «صورت» بیان شد که می‌بایست از این جداول استفاده شود و در همدیگر انعکاس پیدا کند. یعنی مانند منطق مجموعه‌نگری، بحث وابستگی مطرح می‌شود، اما با این تفاوت که منطق تکاملی، وابستگی‌ها را به صورت منظم ملاحظه کرده و سپس قاعده‌مند می‌کند؛ یعنی به صورت فلسفی، وابستگی اوصاف از منظر فلسفه نظام ولایت، در روش ملاحظه می‌شود که [ابتدا] در ۲۷ خانه و در نهایت در جدول تعریف - تولید صورت‌بندی - قرار می‌گیرد.

پس اولین کار تناظر سازی است. حال فرض می‌کنیم «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» سه وصف جامعه شده است. از این رو جامعه بر اساس تعریف «تمایلات، قابلیت‌ها و فاعلیت‌ها» به سه وصف جامعه «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» تقسیم می‌شود. زیرا جامعه مثل انسان که دارای یک «نظام حساسیت» است، دارای یک «نظام حساسیت» می‌باشد و مثل انسان که دارای حافظه و هوش است، دارای هوشمندی و حافظه [«قابلیت‌ها»] نیز می‌باشد و همچنین مانند انسان که دارای یک جسم است که با آن کار می‌کند و طبیعت و انسان‌های دیگر را تسخیر می‌کند، او نیز یک تجسد به نام «فاعلیت‌ها» دارد. این تعریف جامعه بر اساس حدّ اولیه اختیار (فاعلیت) است، نه بر اساس قانون‌مند بودن یا نهاد و ساختار و این قبیل چیزهایی که در جامعه‌شناسی روز موجود است؛ زیرا علیت بر آن حاکم نیست، چه علیت مطلق و چه علل المعالیل نسبی؛ بلکه اختیار و نظام اختیارات بر آن حاکم است که رفتار هر لایه ای از نظام اختیارات فوق (بالتر) برای مادون قانون می‌شود. یعنی در «توّلّی»، رفتار و فاعلیت‌های حضرت حق - جلت عظمت - برای نبی اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و ۱۴ معصوم و انوار پاک انبیاء، قانون می‌شود. سپس رفتار آنها [معصومین] برای سطح پایین - که غیر معصوم هستند. بوسیله توسلات و ادب کرن به آنها و واسطه قرار دادن آنها برای خواسته‌هایشان، قانون می‌شود. حال در نظام ولایت اجتماعی موجود، تمام افعال مقام معظم رهبری و نظام [ولایت فقیه] برای لایه‌های میانی (مدیریت‌های میانی نظام) و رفتار و فاعلیت‌های مدیریت میانی، برای عموم مردم، قانون می‌شود و در نهایت رفتار شما در خانه، برای مجموعه زیر دست شما قانون است، و رفتار مدیر اجرایی خانه (خانم خانه) برای بچه‌ها، قانون است، بنابراین این مسئله به همین ترتیب در همه جا است، چه در مدرسه و چه در مسائل پایین‌تر پس معنی قانون [در دستگاه نظام ولایت] این می‌شود؛ نه اینکه به صورت رها شده، نظام اختیارات بیاید و هیچ نظم و قانونی نداشته باشد. بلکه قوانین آن، قوانین هدایت است؛ نظم آن، نظم عبادت است. زیرا باید شدت در تقرب ایجاد کند، نه شدت در ارتباط با دنیا؛ نه اینکه برای اهواء و شهوات بستر درست نماید.

۲. معنی کردن ضرب «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» در هم به «گرایش، بینش و دانش»، «توسعه، کلان و خُرد»، «جهانی، بین‌المللی و ملّی»

حال به نظر بنده، وقتی «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» درهم ضرب شود، به این صورت می‌شود: «سیاست سیاست یعنی «گرایش». سیاست فرهنگ یعنی «بینش»؛ سیاست اقتصاد یعنی «دانش»؛ فرهنگ سیاست یعنی «توسعه»؛ فرهنگ فرهنگ یعنی «کلان»؛ فرهنگ اقتصاد یعنی «خُرد»؛ اقتصاد سیاست یعنی «جهانی»؛ اقتصاد فرهنگ یعنی «بین‌المللی»؛ اقتصاد اقتصاد یعنی «ملّی». به نظر بنده حاج آقای حسینی (ره) این طور معنا کرده اند.

۲/۱. قرارگیری ۹ عنوان بدست آمده از ضرب «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» بعنوان ابعاد (زیر ساخت) جامعه

حال این نُه مفهوم در این جداولی که در اینجا تنظیم شده، به عنوان زیر ساخت سه جدول قرار می‌گیرد یعنی: ابعاد شماره ۱، ابعاد شماره ۲ و ابعاد شماره ۳. به عبارت دیگر، ابعاد یک موضوع باید سه بار تکثیر شود تا یک جدول تعریف بدست آید. یعنی اگر بنا باشد که یک موضوع در «جدول تعریف» تجزیه و تحلیل شود، باید سه لایه، صرف مفهوم شود تا بتوان یک جدول تعریف را تحویل دهد و اگر فقط یکبار انجام شود، تمام خانه‌ها پُر نخواهد شد. به طور مثال جدول (جدول زیر ساخت شاخصه‌های ارزیابی جامعه؛) سه عنوان اصلی، فرعی، تبعی آمده است. در قسمت موضوعات فرعی و اصلی، عناوین [یک قیدی] وجود دارد، اما در قسمت موضوعات تبعی دو قید، نظام اصطلاحات آمده است و موضوع

[یک قیدی] ندارد.

البته همین هم به صورت قاعده‌مند در اینجا آمده است؛ یا در طرف دیگر این جدول اهداف را «توسعه، کلان و خُرد» وجود دارد، اما در قسمت خُرد، هدف [به صورت صرف مفهوم] نمی‌بینید و فقط دو تا قید به صورت ضمیمه آمده است، یعنی یک عنوان واضح، شفاف و روشن وجود ندارد. لذا وقتی این سه بار تکرار شود و سپس به صورت خلاصه در یک جدول دیگر قرار گیرد، دیگر تمام موضوعات آن مشخص می‌شود، یعنی در جدول صفر (پیوست ۲) همگی یک قیدی است.

حجۀ الاسلام موشح: پس اول سه قیدی است و بعد صرف مفهوم می‌کنیم و جای آن - سه قیدی - قرار می‌دهیم.

ج: هدف از بیان این مطلب این بود که مشخص شود که چرا همان «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» رابه صورت اصطلاح درست نمی‌کنیم تا در جدول تعریف قرار گیرد. که بیان شد اگر این کار را انجام دهیم، تمام جدول کامل نمی‌شود و به صورت این جدول (جدول ترکیب ۳) می‌شود. بنابراین باید سه بار انجام شود تا وقتی خلاصه می‌شود، تبدیل به یک جدول گردد. به طور مثال در ستون ۲۷ تایی تبعی این جدول (نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه؛ شماره صفر) و ستون خُرد آن همگی عنوان [یک قیدی] است و دیگر دو قیدی نیست و فقط در این جدول، یک ستون است که حالت اصطلاحی دارد، اما بقیه ستون‌ها، همگی عنوان [یک قیدی] هستند.

حجۀ الاسلام زیبایی نژاد: آیا آن ستون نیز باید بعداً [تبدیل] به یک قیدی شود؟

ج: نخیر! زیرا [هدف از این ستون] جا دادن زیر ساخت اصطلاحات در جدول می‌باشد. و به همین دلیل است که عنوان این ستون «مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف» آمده است. یعنی اصطلاحات زیر ساختی جدول می‌باشند.

س: یعنی خلاصه سه جدول به این صورت در جدول صفر قرار می‌گیرد. [جدول صفر].

ج: نخیر، این خلاصه نیست، بلکه این مواد زیر ساختی است.

حجۀ الاسلام موشح: یعنی نقطه‌ی شروع ما است.

ج: یعنی نقطه شروع بوده است برای ارائه این عنوان‌ها.

البته در بعضی از جداول به جای این عنوان (مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف)، عنوان نظام شاخصه آمده است که به نظر بنده غلط است، زیرا اگر فرض بر درست بودن این نظامی که تا کنون داده‌ایم، باشد (که به نظر بنده همین نظم، نظم حاج آقای حسینی (ره) است)، عنوان این ستون باید نظام اصطلاحات باشد؛ یعنی همین چیزی که نوشته شده است: «مباحث مورد بررسی برای دستیابی به اهداف». بر این اساس، نظام شاخصه‌ها، همان ستون‌های خُرد (۲۷ تایی)، کلان (۹ تایی) و توسعه (۳ تایی) می‌شود. یعنی یک موضوع سه بار (خُرد، کلان و توسعه) با این شاخصه‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

س: برای کنترل عینیت.

ج: بله؛ برای کنترل عینیت، که ساختار آن سمت راست جدول است که ۲۷ موضوع ساختاری دارد. بدین معنا که «جهت‌گیری» دارای اثر ارزشی است، «موضع‌گیری» دارای اثر دستوری است و «مجاهده» دارای اثر حقوقی است. (جدول پیوستی ۲) یعنی اینها موضوعات....

س: یعنی چه کنیم، چه اثری دارد.

ج: یعنی چه موضوعی، دارای چه اثری است. زیرا «چه کنیم» بحث معادله است. به عبارت دیگر، انجام فعل که در برنامه‌ریزی می‌آید و مشخص می‌کند که چگونه در موضوع تصرف کنیم تا این آثار و تغییرات را داشته باشیم، دیگر بحث تعریف نیست، بلکه بحث روش تولید معادلات کاربردی است. اما در این مباحث تجزیه و تحلیل یک موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد و بر اساس این مطالعات، یک مطالعات اولیه انجام می‌شود و بعد اطلاعاتی بدست می‌آید و در نهایت با یک روش دیگر مشخص می‌شود که چگونه اگر و آنگاه - معادله - درست می‌شود که آن بحث دیگری است؛ هر چند که روی همین انجام می‌گیرد.

س: فرمودید که برای ما اعراض و اوصاف مهم‌اند، آیا موضوعات همان اوصاف هستند؟ یعنی موضوعات همان اوصاف شیء هستند.

ج: ما سه چیز داریم: «فعل موضوعاً، موضوعات فعل و آثار فعل»؛ که دیگر از آن تقسیمات بیرون می‌آید. یعنی آن وصفی که گفته شد در اینجا نیست، بلکه در زیرساخت‌ها است؛ یعنی در جدول تحلیل (ابعاد) است.

س: پس جدول تحلیل برمی‌گردد و در این جا نوشته می‌شود؟

ج: یعنی با تجزیه و ترکیب‌هایی که بر روی اوصاف انجام می‌دهید، به موضوعاتی می‌رسید. زیرا تعریف، موضوع می‌خواهد.

برادر یزدانی: آیا اینها موضوع هستند؟

ج: بله! این‌ها (اصلی، فرعی، تبعی) ۲۷ موضوع هستند که در این بالا (سمت راست) نوشته شده است. از این رو، وقتی می‌خواهید تصرف کنید، باید با موضوع روبرو باشید که این موضوعات دارای این آثارند (سمت چپ جدول) و سپس در معادله برده می‌شود و معادلات آن را بدست می‌آورید و در نهایت تصرف انجام می‌گیرد.

اما اینکه اینها چگونه بدست می‌آید؟ اولین کار، تناظرسازی است. یعنی وقتی از فلسفه شروع می‌شود، باید از وصف شروع شود. ولی وقتی به برنامه‌ریزی می‌رسید باید روبروی خود موضوعات را تعریف کنید. یعنی در این رصد کردن می‌خواهیم بگوییم که چگونه در این جدول تعریف موضوع و آثار - که «فعل موضوعاً، موضوعات فعل، آثار» آن باشد - تولید می‌شود و می‌توان با آن کار کرد.

۱/۲/۱. قرارگیری ابعاد بعنوان اوصاف اصلی (فرهنگ، فلسفه و زیر ساخت) جامعه

حال سه وصف «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» را در هم ضرب کرده تا سه جدول تحلیل ارائه شود. در جدول جامعه، سه عنوان «گرایش، بینش، دانش» آمده است که ابعاد وحدت جامعه است. پس ما در جدول نظام مقایسه...

حجّت الاسلام موشح: یعنی دیگر عناوین «فرهنگ، فلسفه و زیر ساخت» نیست؟

ج: اجازه بفرمایید، این مطلب را خواهم گفت. در جدول تحلیل فرهنگ شاخصه‌های ارزیابی جامعه، سه عنوان «گرایش، بینش و دانش» ذکر شده است. در جدول تحلیل دوم عناوین «توسعه، کلان و خرد» قرار می‌گیرد و در جدول سوّم عناوین «جهانی، بین‌المللی و ملی».

هنگامی که سه عنوان «گرایش، بینش و دانش» را به وحدت برسانیم، به سوی عنوان «فرهنگ» خواهیم رفت [که عنوان جدول یک است] و از «توسعه، کلان و خرد» که در حقیقت همان جدول روش تحقیق (نظام مقایسه) است به سوی عنوان «فلسفه» می‌رویم و در نهایت سه عنوان «جهانی، بین‌المللی و ملی» نیز ما رابه سوی عنوان «زیرساخت»

۱/۲/۲. قرارگیری «مبنا، موضوع و مقیاس» بعنوان عناوین فرعی جامعه

س: پس چگونه این «فرهنگ، فلسفه، زیرساخت» تبدیل به «مبنا، موضوع، مقیاس» می‌شود؟

ج: اینکه «گرایش، بینش، دانش» به وحدت می‌رسند، این وحدت، خارج از جدول تحلیل قرار دارد، [لذا عنوان فرهنگ را در این جدول مشاهده نمی‌کنید].

س: یعنی «مبنا» معادل همین وحدت خواهد بود؟

ج: اگر دقت کنید، در بالای جدول تحلیل دو عنوان [اصلی و فرعی] وجود دارد، یکی «تحلیل فرهنگ شاخصه‌های ارزیابی جامعه» است و دیگری «سطح اصلی: ابعاد فرهنگ شاخصه‌های ارزیابی جامعه».^۱

س: یعنی «فرهنگ» شاخصه مبناي وحدت جامعه خواهد بود؟!

ج: بله! احسنت! عنوان «بنیان تکامل وحدت اجتماعی» که در توضیح اصطلاح «مبنا» در جدول ستونی جامعه آمده است را می‌توانید در بالای جدول تحلیل، به جای عنوان فرعی بنویسید. [این دو در حقیقت یکی هستند]. پس عنوان اصلی جدول تحلیل که در سمت راست قرار گرفته، «فرهنگ» است و عنوان فرعی آن که در وسط واقع شده «سطح اصلی: بنیان تکامل وحدت اجتماعی» است [که معادل اصطلاح «مبنا» می‌باشد].

۱/۲/۳. قرارگیری زیر ساخت جامعه بعنوان نسبت‌های بیرونی جدول جامعه

بر اساس آنچه ذکر کردیم، با استفاده از این جداول، زیرساخت جامعه را در سه سطح بیان کردیم. این زیرساخت، نسبت بیرونی جدول جامعه است، بدین معنا که چگونه از «گرایش، بینش، دانش» به سوی «مبنا»، از «توسعه، کلان، خُرد» به سوی «موضوع» که «بنیان تکامل هماهنگی اجتماعی» است و از «جهانی، بین‌المللی و ملی» به سوی «مقیاس» که «بنیان تکامل کارآمدی اجتماعی» است، حرکت می‌کنیم. این سه جدول تحلیل، زیرساخت جداول روش تحقیق (نظام مقایسه) قرار می‌گیرد.

این بحث تمام شد، اگر ابهام و اشکالی به نظر شما نمی‌رسد وارد بحث بعدی شویم.^۲

۲/۲. ضرب ۹ عنوان ابعاد در یکدیگر و تولید ۲۷ عنوان ارکان

س: بر اساس آنچه شما فرمودید، ظاهراً «فرهنگ» شاخصه «مبنا» قرار گرفت و «فلسفه» شاخصه «موضوع» شد و «زیرساخت» هم شاخصه «مقیاس»؟!

ج: احسنت! اما در قدم بعد، باید سه اصطلاح «گرایش، بینش، دانش» را در یکدیگر ضرب کنیم، تا مواد ذکر شده در ردیف یک، جدول ستونی جامعه به دست آید که به این صورت می‌شود:

^۱ - عنوان «ارزیابی جامعه» را به «ارزیابی وحدت جامعه» تغییر دهید.

^۲ - البته منظور ما اشکالات نسبت به گزارش توصیفی در سطح تبیین است، نه اشکالات فلسفی و ریشه‌ای!

ردیف یک از خانه «گرایش»: برابر با نظام‌های انگیزشی جامعه؛ «جهت‌گیری، موضع‌گیری، مجاهده»

ردیف یک از خانه «بینش»: برابر با نظام‌های پرورشی جامعه؛ «گمانه، گزینش و پردازش»

ردیف یک از خانه «دانش»: برابر با نظام‌های گزینشی جامعه؛ «تجزیه، تحلیل، ترکیب». این ۹ عنوان از ضرب «گرایش، بینش، دانش» به دست می‌آید. اگر همین کار را در مورد «توسعه، کلان، خُرد» انجام دهیم، در آن‌جا نیز ردیف‌های اول از خانه‌های مقابل به دست خواهد آمد: «نظام‌های افزایشی، نظام‌های گسترشی، نظام‌های سازشی». از ضرب «جهانی، بین‌المللی، ملی» در یکدیگر نیز «قدرت، اطلاع، ثروت»، «مقدورات، موانع، مقاصد» و «روانی، ذهنی، عینی» به دست خواهد آمد.

در همه این مراحل، اصطلاحات ضرب شد، پس از صرف مفهوم، تبدیل به عناوین ۹ گانه ردیف یک درون جدول می‌شود.

حالا این عناوین ۹ گانه را به کدام جدول می‌بریم؟

س: جدول تجزیه اصطلاحات.

ج: من ابتدا به دلیل حضور تمامی عناوین در جدول تحلیل که توضیح مطلب را ساده‌تر می‌نماید، این ۹ عنوان را در این جدول نشان می‌دهم و سپس به جدول تجزیه اصطلاحات می‌پردازیم.

شما در جدول تحلیل شماره یک ملاحظه می‌کنید که عناوین «گرایش، بینش، دانش» در ردیف اول به عنوان ابعاد نوشته شده است. حال این عناوین در هم ضرب شد و ۹ عنوان جدید، پس از صرف مفهوم، در سطح فرعی جدول به عنوان ارکان به این صورت نوشته می‌شود: «جهت‌گیری، موضع‌گیری، مجاهده» «گمانه، گزینش، پردازش» و «تجزیه، تحلیل، ترکیب».

این ۹ عنوان در جدول تجزیه اصطلاحات در هم ضرب شده و ۲۷ اصطلاح ایجاد می‌کنند. این اصطلاحات در آخرین ردیف جدول تحلیل [در قسمت بالایی] نوشته می‌شود، مانند، «جهت‌گیری گمانه تجزیه» و ...

حجۃ الاسلام زیبایی‌نژاد: چرا عناوین ۹ گانه‌ای که فرمودید از بالا به پایین توضیح می‌دهید و حال آنکه [در جلسات گذشته بیان شد] این جدول، ابتدا پایین آن مشخص می‌شود و سپس عناوین بالا معلوم می‌گردد؟

ج: اگر جداول مقدماتی را نیز توضیح داده شود، متوجه علت این مطلب خواهید شد. آن‌چه در آن جداول تولید می‌شود، در این جدول قرار می‌گیرد. از این رو، ما به دلیل اینکه ضرب عناوین ابعاد در یکدیگر (گرایش، بینش، دانش) دارای جدول ۹ تایی زیرساختی نبود، یا مثلاً در مورد «سیاست، فرهنگ، اقتصاد»، شما این عناوین را در هیچ کدام از جداول نمی‌بینید ناگزیر شدیم که در همین جدول تحلیل بمانیم و توضیحات را در اینجا ارائه کنیم. در حالی که از ضرب این سه عنوان در یکدیگر سه سطح ابعاد به دست آمده است که سطح اول آن همان «گرایش، بینش، دانش» است.

بنابراین، نظم حرکت ما از ضرب عناوین «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» آغاز شد و ۹ مفهوم به دست آمده از این ضرب، زیر ساخت سه جدول تحلیل قرار گرفت. در هر جدول تحلیل نیز، سه مفهوم ابعاد در یکدیگر ضرب شد و ۹ مفهوم ارکان به عنوان حلقه میانی تولید تجزیه اصطلاحات به دست آمد. این ۹ مفهوم در جدول تجزیه اصطلاحات رفته و ۲۷ اصطلاح تولید کرد. این ۲۷ اصطلاح پس از تولید، به صورت منظم در جدول تحلیل قرار می‌گیرد. به این ترتیب ردیف ابعاد و ارکان در جدول تحلیل کامل شده و فقط اساس باقی مانده است.

اکنون می‌خواهیم ببینیم «اساس» چگونه ساخته می‌شود. عناوین ردیف اساس، جدول عناوین را تشکیل می‌دهند.

حجۀ الاسلام موشح: این مسیر برگشتی ماست!

س: چگونگی ساخت جدول تجزیه اصطلاحات را که دانستیم، ببینیم جدول عناوین چگونه می‌شود. برای توضیح این مطلب باید به جدول تعریف باز گردیم. در ستون «مباحث مورد بررسی» ملاحظه می‌کنید که اصطلاحات تولید شده در جدول تجزیه اصطلاحات به صورت ستونی نوشته شده است. در یکی از مباحث، حاج آقای حسینی (ره) می‌فرمایند که این اصطلاحات به دو بخش تجزیه می‌شوند و یک بخش در ستون «تبعی» و بخش دیگر در ستون «خُرد» نوشته می‌شوند. هر کدام از این دو بخش به صورت اصطلاحات دو قیدی هستند. به عنوان مثال در ردیف اول، «جهت‌گیری گمانه» در اهداف (سطح خُرد) قرار گرفته است و «گمانه تجزیه» موضوع قرار گرفته است (در سطح تبعی). برای فهمیدن علت این مطالب کافی است به عنوان «جهت‌گیری گمانه تجزیه» نگاه کنیم. در این عنوان، «گمانه تجزیه» موضوع قرار گرفته است از میان سه اصطلاح که در کنار هم قرار گرفته‌اند، اصطلاح آخر، موضوع است و دو اصطلاح دیگر به عنوان وصف برای آن ذکر شده‌اند. به این ترتیب با این تجزیه، موضوعات را در سمت راست جدول و آثار را در سمت چپ جدول قرار دادیم.

اکنون می‌خواهیم این اصطلاحات را معنا نماییم، «جهت‌گیری گمانه» یک معنایی دارد که مثلاً «الف» است، «گمانه تجزیه» نیز معنایی دارد که نام آن را «ب» می‌گذاریم، نسبت میان «ب» و «الف» عنوان «ولایت تکوینی» است که آن را در ستون «ضرورت بررسی موضوعات» می‌نویسیم.

بنابراین سیر معنا کردن اصطلاحات به این ترتیب شد که ابتدا اصطلاحات را به دو اصطلاح تجزیه می‌کنیم و پس از بدست آمدن معنای هر کدام، از معنا کردن نسبت میان آن دو - یعنی ملاحظه وابستگی آن‌ها - اصطلاح اصلی را یافته و در جای خود می‌نویسیم. به این نکته توجه کنید که هنگام تجزیه اصطلاحات، دو اصطلاح به دست آمده، بریده از هم نیستند، زیرا یک قید به مانند حد وسط در هر دو اصطلاح تکرار شده است، مانند: «گمانه» در دو اصطلاح «جهت‌گیری گمانه» و «گمانه تجزیه».

به این ترتیب در هر سطح، ۲۷ عنوان ساخته می‌شود. این عناوین در جدولی مشابه جدول تجزیه عناوین ریخته می‌شود، با این تفاوت که این بار ابتدا ۲۷ عنوان درونی جدول که همین عناوین تولید شده در جدول تعریف هستند، تکمیل می‌شوند و عناوین ۹ گانه سطر و ستون جدول، خالی می‌مانند.

س: یعنی دور جدول خالی است.

ج: بله، ابتدا دور جدول خالی است. برعکس آن‌چه که به نظر می‌رسد، این جدول از ضرب عناوین دور ایجاد نمی‌شود. البته این مطلبی که عرض می‌کنم، فهم من از رفتار حاج آقای حسینی (ره) در تولید جدول تجزیه عناوین است.

س: حاج آقای حسینی (ره) خودشان توضیحی نداده‌اند؟

ج: هیچکدام از این جداولی را که در حال توضیح آن هستیم، توسط ایشان توضیح داده نشده است. حداقل من ندیده‌ام. من به عنوان کسی که ادعا دارد تمام جزوات حاج آقا را خوانده است، چنین چیزی ندیده‌ام. مگر آنکه در آن ۳۰۰۰ نوار دیگری که هنوز پیاده نشده چیزی فرموده باشند که آن نوارها هم نوارهای تک جلسه‌ای، دو جلسه‌ای، سه جلسه‌ای است. بعدها اگر پیاده شد و نکته‌ای به دست آمد، این مطلب را - که ایشان توضیح این جداول را فرموده‌اند یا

خیر- اصلاح می‌کنیم. من فعلاً بحثی را که خودم فهمیده‌ام می‌گویم.

عرض شد که عناوین تولید شده در جدول تعریف را بر اساس نظم عددی آن در جدول تجزیه عناوین نوشتیم. اکنون این عناوین را در دسته‌های سه تایی، معنا می‌کنیم و عنوانی به آنها اختصاص می‌دهیم، در مرحله بعد در دسته‌های ۹ تایی و در نهایت همه را به وحدت و یک عنوان می‌رسانیم. این مطلب در جدول تحلیل بهتر نمایش داده شده است. ۲۷ عنوان تولید شده را در جدول تحلیل کنار نظام اصطلاحات در آخرین ردیف جدول می‌نویسیم. در جدول ملاحظه می‌کنید که دسته‌های سه تایی از عناوین، معنا شده و در بالای هر دسته نوشته شده است. عناوین «ارزشی»، «دستوری»، «حقوقی» و ... از این معنا کردن به دست آمده است. پس هر سه تا از این عناوین [یعنی ۹ عنوان خُرد] با یکدیگر ملاحظه شده و معنا شده است، سه عنوان «مبدأ نظام اخلاقی، مبدأ نظام تعریف و مبدأ نظام مقدورات» محصول این مرحله است.

س: این معنا کردن بر اساس ممارست انجام می‌شود، یا قاعده‌مندی هم دارد؟

ج: بر اساس تولید گمانه است. یعنی مثلاً در نسبت میان «فیزیک، ریاضی و زیست» باید گمانه‌ای تولید شود که مثلاً عنوان «طبیعی» را در نظر گرفته‌ایم.

س: یعنی مانند همان تناظر سازی بر اساس گمانه‌زنی و ممارست و حدت ذهنی است؟

ج: بحث ممارست نیست، بلکه هر چقدر فرد نسبت به این فلسفه و منطق و به‌کارگیری آن تمحّض داشته باشد، تا بحث کتک خوردن [به خاطر جهت] در جامعه، در این شرایط قادر به این کار خواهد بود، فقط یک کار ذهنی نیست. همان گونه که خدمت شما قبلاً عرض کرده بودم، حاضر باشد برای اسلام هر خدمتی را انجام دهد، مثلاً بگویند باید خون خود را در این راه بدهی، حاضر باشد از همه این جداول و بحث‌ها بگذرد و برود خون خود را فدا کند. اگر بگویند آبرو می‌خواهیم، حاضر باشد. این کار در یک وحدت و کثرت عرفانی، فلسفی و هوشمندی و خدمتگذاری انجام می‌شود. هر کس براساس این شاخصه‌ها، ظرفیت بالاتری داشته باشد، در این کار، کارآمدی بیشتری خواهد داشت.

بنابراین ریشه پیدایش تمام این نظم‌ها، همان شاخصه‌هاست که گفتیم، ولی در طول زمان، نسل‌های مختلف که می‌آیند، یک یک برای این رفتارها، آیین‌نامه تنظیم می‌کنند و قاعده برای آن تولید می‌کنند. در این مورد [معنا کردن دسته‌ها]، الآن قاعده‌ای برای ارائه نداریم. در یک زمانی، پیش از آن‌که همین نظم درون این جداول هم وجود داشته باشد، حاج آقای حسینی (ره) اصطلاحات را تولید می‌کردند. اکنون قانون آن رفتارها را در این جلسات تدریس می‌کنیم. فعلاً این قانون به صورت عام است، در آینده قوانین دقیق‌تر ارائه خواهد شد.

پس این‌که می‌پرسید قانون دارد یا ندارد، پاسخ این است که باید رویش کند! هم در خود آن، که بر اساس گمانه‌زنی معنا می‌کنیم و هم در قاعده‌مند کردن تا رسیدن به آیین‌نامه اجرایی برای تولید عناوین. پس جواب شما هم بله است و هم خیر. یکی به معنای اینکه کار هنوز تمام نشده است و دوستان باید بعداً تولید را ادامه دهند و یکی هم به معنای اینکه بعد از کار حاج آقای حسینی (ره)، الان در حال بحث هستیم، پس - به نسبت - قانونی دارد. دوستان هم باید به این قانون‌ها توجه داشته باشند و هم سطح فهم خود را بالا ببرند؛ یعنی همان کاری که حاج آقای حسینی (ره) انجام داده‌اند. چون من خیلی فکر کردم که تجزیه عناوین چیست؟ تا یک سال پیش هم فکر می‌کردم که در تجزیه عناوین، عناوین را - مثل بقیه جداول حاج آقا - از بالا می‌گذاریم، ضرب می‌کنیم و معنا می‌شود. البته من فهم خودم را می‌گویم. شما هم فکر کنید، بحث‌های حاج آقا را مطالعه کنید، بعد هم به نظم ما اشکال کنید. اول از همه باید روی آن چیزی که حاج آقای حسینی (ره) بدست آورده است (یعنی قانون‌ها) از باب اینکه کاری انجام شده و طوفانی ایجاد کرده است، تفقه شود. بعد هم وقتی قوی شدید، بتوانید اشکال کنید، اصلاح کنید و تکامل دهید، که این وظیفه شما و همه‌ی ما است.

پس این ۲۷ عنوان، به صورت سه تایی معنا می‌شود تا به وحدت برسد که «اساس» می‌شود. پس این جدول، حاصل یک تناظر سازی از «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» در ابعاد آن بود. حاصل یک صرف مفهوم از «گرایش، بینش، دانش»، «توسعه، کلان، خُرد» و «جهانی، بین‌المللی، ملی» در هم و تولید سه تا ۹ تایی [است] که نظام اصطلاحات درست شد. بعد از آن، نظام اصطلاحات در جدول تعریف تجزیه شد، نسبت بین آنها ملاحظه شد و ۲۷ عنوان شکل گرفت. و این ۲۷ عنوان، بصورت سه تایی معنا شد تا وحدت اساس را درست کرد. حال این را به شکل منظم، با این مقدماتی که انجام دادیم در جدول تعریف می‌بریم. در جدول تعریف این ستون (ستون مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف) نظام اصطلاحات ماست، این هم تجزیه‌های تبعی و خُرد است که با آن معنا کردیم. از نسبت بین این (ستون خُرد) و این (ستون تبعی)، این ۲۷ عنوان (ستون ضرورت بررسی موضوعات) بدست آمد. وقتی از این ۲۷ عنوان به طرف چپ می‌رویم، سه تا سه تا معنا کرده و ۹ عنوان بدست می‌آید. یعنی وقتی ۲۷ را خلاصه می‌کنیم، ۹ عنوان می‌شود، وقتی ۹ خلاصه شود، ۳ عنوان و وقتی ۳ خلاصه شود، یک عنوان بدست می‌آید. از این طرف هم ۹ وصفی را که از ضرب «گرایش، بینش، دانش» درست کرده بودیم، در موضوعات فرعی قرار می‌دهیم، خلاصه می‌کنیم، ابتداء سه عنوان و در نهایت یک موضوع را بدست می‌آوریم. البته در اینجا (ستون مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف) خلاصه نمی‌کنیم، در اینجا آن چیزی را که داشتیم، می‌گذاریم.

س: یعنی همان وحدت را که داشتیم و بعد تکثیر کردیم.

ج: احسنت! از یک طرف وحدت داشتیم که فقط آن را نشان می‌دهیم و از این طرف هم ایجاد می‌کنیم. این یک جدول بود. بعد همین [کار] را سه بار تکرار می‌کنیم، که جداول «فرهنگ، فلسفه، زیر ساخت» یا «خاستگاه، جایگاه، پایگاه» درست می‌شود.

حجۃ الاسلام زیبایی‌نژاد: سه بار تکرار می‌کنیم، به چه معناست؟

ج: یعنی «سیاست، فرهنگ، اقتصادی» که داشتید و در هم ضرب کردید، سه محور «توسعه، ساختار، کارایی» شد. مثل «ولایت، تولی، تصرف» که در هم ضرب می‌کردیم و «ظرفیت، جهت، عاملیت» «محوری، تصرفی، تبعی»، «هماهنگی، وسیله، زمینه» می‌شد. در اینجا هم هر سه عنوان، یک عنوان پیدا کرد و «توسعه، ساختار، کارایی» شد. «توسعه، ساختار، کارایی» عناوین روشی زیر ساخت فلسفی است که از فلسفه، بدست آمده است. در اینجا «فرهنگ، فلسفه، زیرساخت» که از ضرب «گرایش، بینش، دانش» و بدست آمد، زیر ساخت روش تحقیق و نگاه روش تحقیقی نسبت به جامعه می‌شود. در آنجا نگاه فلسفی بود و در اینجا نگاه روشی است. چون یکبار تناظر سازی شد و وقتی در هم ضرب شد، دیگر برای «گرایش، بینش، دانش»، «توسعه، ساختار، کارایی» نمی‌نویسیم. البته متناظر است. همان‌طور که «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» متناظر «ولایت، تولی، تصرف» است، «گرایش، بینش، دانش» هم متناظر با اوصاف «ظرفیت، جهت، عاملیت»، یعنی اوصاف توسعه است.

«توسعه، کلان، خُرد» هم متناظر اوصاف ساختار و «جهانی، بین‌المللی، ملی» متناظر اوصاف کارایی است. چون تناظر فلسفی درست کرده‌اید، اگر همه را صرف کنید متناظر با آنها خواهد بود.

س: در سه تایی اولی یعنی «گرایش، بینش، دانش» مگر نفرمودید که «فرهنگ» است.

ج: بگذارید این [بحث] جلو رود. شما اول ببینید که چگونه این را درست می‌کنید. بعد در جدول تعریف مقابل فرهنگ قرار می‌گیرد. ما فعلاً از روش تحقیق استفاده می‌کنیم و الان در حال ریختن جدول جامعه در این (جدول تعریف) هستیم. عناوین روش تحقیق، اعم از صفر آن ...؛ اگر به جدول صفر نگاه کنید، این طرف فرهنگ و همچنین این

طرف خاستگاه، این طرف فلسفه و این طرف جایگاه، این طرف زیر ساخت و این طرف پایگاه است. ما این را به کار می‌گیریم. اینکه چگونه اینها تولید شده است، [این است] که از [جدول] کاربرگ ساخته شده است. در خاستگاه باید روند تولید این را از فلسفه (ولایت، تولی، تصرف) بگوییم که چگونه روش ما تولید شده است.

حجۃ الاسلام موشح: جدول پژوهشی.

ج: [کارهای تولیدی] جدول پژوهش در روش تحقیق، برای حکومت بر دانشگاه‌ها است. خود جدول کاربرگ برای فرهنگستان است.^۱

والسلام علیکم ورحمةٓا... و برکاته

^۱ - در سال چهارم متوسطه قدیم (اول متوسطه جدید) ما را برای بازدید به پالایشگاه و پتروشیمی شیراز بردند. جایی که مرکز فرماندهی آنجا بود و کامپیوترهای مفصلی برای هدایت کل کارخانه نصب بود، یک بازدید سریعی بطوری که دست به چیزی نزنیم انجام دادیم. بعد از آن هم قسمت‌های مختلف را از جمله نحوه استخراج بنزین از نفت خام و ... را در حلقه‌ای توضیح دادند. بودن در چنین جایی باعث حیرت ما بود و این تعجب و حیرت برای مهندسين آنجا تا وقتی که در آنجا کار می‌کنند و سفر خارج هم می‌روند، دائماً وجود دارد. این را برای این گفتم که شما بدانید که عقبه مفهومی و نظری این دستاوردهای بشر امروز به آن رسیده است، بسیار پیچیده است و یک ذره از آن را محال است که به شما بدهند. درک این‌که چگونه طبیعت را کنترل کرده و از آن قدرت کسب می‌کند - چه بصورت آزمایشگاهی و چه به صورت نظری - را محال است که به شما بدهند. شما را فقط به کارکردن وادار می‌کنند. البته بنده به اندازه‌ای که به حاج آقای حسینی (ره) ایمان آورده‌ام، یقین دارم که هم در درک صحبت‌های حاج آقا هنوز خیلی راه دارم و باید «عجب» بگویم و هم یقین دارم آنچه که در دفتر است اگر [غرب] به طور سازمانی هم به دنبال آن برود تا صد سال دیگر هم به آن نمی‌رسند. البته فقط چیزهایی که حاج آقا گذاشتند و رفتند (با همان ظرفیت)، بدون اینکه بقیه هم چیزی به آن اضافه کرده باشند، اگر صد یا دویست سال دیگر هم بدونند، محال است که این نظم در تعریف، معادله و ریاضیاتی که در اینجا تولید شده است را بتوانند بشکنند. حال اگر همه با بضاعت جمعی کمک کنند و چیز جدیدی تولد شود، لطف حضرت (عج) است که اگر بخواهد عنایت می‌کند، لذا این کار را کوچک نشمارید. چون در حال قطع کردن عقبه‌های نظری محصولات کسانی که «عجب! عجب!» می‌کنند، هستید.



جلسه
هفتم

واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت
«نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه»

عنوان جلسه:

۱. چگونگی منحل شدن جداول تعریف ۱، ۲ و ۳ در جدول تعریف صفر در قالب ۱۳ جدول
۲. جایگاه و معانی هر کدام از ستون‌های جدول تعریف

گروه پژوهش‌های تطبیقی

خرداد ۱۳۸۶

◀ واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه

استاد:	حجة الاسلام والمسلمین صدوق	پیاده:	حجج اسلام: صدوق، موشع، زیبایی و برادر حیدری
جلسه:	۷	ویراست:	حجج اسلام: صدوق، موشع، زیبایی و برادر حیدری
تاریخ جلسه:	۱۳۸۶/۳/۲	تایپ:	برادر رسول ساکی و روح ا... صدوق
تاریخ نشر:	۱۳۸۶/۳/۱۳	فهرست:	حجة الاسلام روح ا... صدوق

D:\GROOH TATBIGH\TATBIGH\معادله\روش تعریف و روش معادله\jalase V.doc اجرا گروه مدل برنامه‌پیش نیازهای مدل در بحث روش تعریف و روش معادله

گروه پژوهش‌های تطبیقی

فهرست تفصیلی

مقدمه: خلاصه جلسه گذشته: چگونگی صرف مفهوم جامعه در جدول تعریف «۱، ۲، ۳»	۱۱۵
۱- چگونگی قرارگیری جداول تعریف «۱، ۲ و ۳» در جدول تعریف صفر	۱۱۸
۱/۱- چگونگی قرارگیری ستون مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف جداول «۱، ۲ و ۳» در جدول تعریف صفر	۱۱۹
۱/۲- چگونگی قرارگیری ستون‌های کلان هر سه جدول در ستون تبعی جدول صفر	۱۱۹
۱/۳- چگونگی قرارگیری ستون‌های توسعه و اصلی جداول «۱، ۲ و ۳» در ستون کلان و فرعی جدول صفر ..	۱۱۹
۲- بیان جایگاه هر کدام از ستون‌ها در تعریف یک موضوع	۱۲۰
۲/۱- قرارگیری عناوین «خُرد، کلان و توسعه» بعنوان شاخصه‌های عناوین «تبعی، فرعی و اصلی»	۱۲۰
۲/۱/۱- قرارگیری ستون‌های تبعی بعنوان موضوعات گردش عملیات در موضوع مورد بررسی	۱۲۰
۲/۱/۲- قرارگیری عناوین فرعی بعنوان عناوین مدیریت در موضوع مورد بررسی	۱۲۱
۲/۱/۳- قرارگیری موضوعات اصلی بعنوان اوصاف آبرومندی «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» یک مجموعه ..	۱۲۱
۲/۲- قرارگیری عناوین «خُرد، کلان و توسعه» بعنوان شاخصه‌های ارزشی موضوعات «اصلی، فرعی و تبعی» ..	۱۲۲
۳- بیان سه معنی از جایگاه توسعه در جدول تعریف (۱- نسبت به جدول شامل خود ۲- وزن کردن ۳- حرکت از تعریف به سمت معادله)	۱۲۳

بسمه تعالی

مقدمه: خلاصه جلسه گذشته: چگونگی صرف مفهوم جامعه در جدول تعریف «۱، ۲، ۳»

حجۀ الاسلام روح اله صدوق: آنچه در جلسه گذشته بیان شد این بود که سه مفهوم «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» را از مباحث حاج آقای حسینی (ره) بعنوان سه مفهوم اولیه بحث جامعه استخراج کردیم. بعد این سه تا را در هم ضرب کردیم....

حجۀ الاسلام و المسلمین صدوق: به چه معنی؟

س: به معنای «تمایلات، قابلیت‌ها و فاعلیت‌ها». بعد این سه تا را در هم ضرب کردیم که «گرایش، بینش، دانش»، «توسعه، کلان، خُرد»، «جهانی، بین‌المللی، ملی» را نتیجه داد. بعد اینها را بعنوان ...

ج: پس اولین مرحله معنی کردن (که درخواست توضیح آن را نمودید)، امر عامی است که حاکم بر تناظر سازی و صرف مفهوم است.

اولین مرحله معنی کردن با تناظر سازی از مفهوم اولیه فلسفی مان (ولایت، تولی و تصرف) انجام می‌گیرد که [در جامعه] «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» می‌شود.

در واقع اولین مرحله معنی کردن با صرف مفهوم انجام می‌شود؛ به این صورت که به هم اضافه می‌کنیم و «سیاست سیاست، سیاست فرهنگ و سیاست اقتصاد»، «فرهنگ سیاست، فرهنگ فرهنگ و فرهنگ اقتصاد»، «اقتصاد سیاست، اقتصاد فرهنگ و اقتصاد اقتصاد» بدست می‌آید. این اضافه کردن، تکثیر نیست؛ بلکه اضافه کردنی برای معنا کردن است. لذا برای «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» باید دو معنا در نظر گرفته شود و به هم اضافه شده تا بعد معنای «گرایش» بدهد. یعنی در «سیاست سیاست»، سیاست اول معنای ظرفیتی می‌دهد و سیاست دوم معنای جهت‌ی. بعد معنای «سیاست سیاست» گرایش می‌شود. آن وقت «سیاست فرهنگ» هم همین‌طور است تا برسد به «فرهنگ فرهنگ» که دو تا فرهنگ به هم اضافه شده. و هم چنین در «اقتصاد اقتصاد» باید یک معنای ظرفیتی و جهت‌ی داشته باشیم، یکی معنای توسعه‌ای و یک معنای ساختاری و سایر تناظرهایی...

حجۀ الاسلام موشح: فرمایش شما این است که برای اقتصاد اول یک تناظر می‌سازند و برای اقتصاد دوم هم یک تناظر می‌سازند؟

ج: نه! در تناظر اولی، سه مفهوم مفرد است که از «ولایت، تولی و تصرف» ساخته می‌شود. این کار با حدّت ذهنی فلسفی انجام می‌شود. عرض شد که اگر کسی بر فلسفه مسلط است، تناظر سازی در یک موضوع [با تسلط فلسفی] انجام می‌شود و اگر مسلط نیست، باید کار تطبیقی انجام دهد. یعنی باید «نقد، نقض و طرح» را در ساختارها ببرد تا بتواند تناظر سازی کند. پس در یک مرحله از معنا کردن، باید تناظر سازی کرد.

یک مرحله از معنا کردن هم با صرف مفهوم است. صرف مفهوم حتماً دو قیدی است و در دو قیدی‌ها دو معنی

وجود دارد.

س: این دو معنی بدین معناست که باید ابتدا هر کدام را مفرد لحاظ کنیم و بعد برای هر کدام معنایی لحاظ کنیم تا بتوانیم معنای هر دو را با هم، معنای دیگری کنیم.

ج: باید دو معنای فلسفی برای آن قائل باشیم، یکی در ظرفیت و یکی در جهت. یکی در توسعه و دیگری در ساختار. سیاست در توسعه و سیاست در ساختار چه معنایی می‌دهد.

س: اینجا سیاست مفرد نیست که به تنهایی معنا می‌شود؟

ج: در اینجا می‌خواهید معنای روشی کنید. دیگر با حدت فلسفی بحث نمی‌کنید. یعنی بحث تناظر سازی نیست، یعنی قالب اولی ما توسعه است.

س: در واقع ما «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» را دو بار می‌نویسیم. یک‌بار، یک معنی می‌کنیم و بار دیگر معنای دیگر. بعد اینها را در جدول برده و معنای جدید می‌کنیم.

ج: نه! عنایت کنید! وقتی می‌گوئیم: «سیاست سیاست» (همان‌طور که در بحث قبل گفته شد)، یعنی اول نظام اصطلاحات آن را درست کرده‌ایم. بعد در نظام اصطلاحات می‌گوئیم: در بلوک اول، «سیاست سیاست» به جای «ظرفیت ظرفیت» است. یعنی در قالب «ظرفیت ظرفیت» رفته است یا مثلاً در قالب «ولایت ولایت» رفته است.

س: با دو معنا از ولایت.

ج: این دو معنی که می‌گوئید، در خود قالب وجود دارد، نه این‌که از جای دیگری می‌آوریم. فرق اول با دوم این است. شما در صرف مفهوم هر سه تائی را که در هم ضرب می‌کنید، (چه «روح روح» در بحث انسان، چه «خاستگاه خاستگاه» در بحث روشی و چه «پیدایش پیدایش» باشد) باید توجه داشته باشید که باید قید اول به معنای ظرفیت و به معنای توسعه باشد.

س: آیا می‌توان گفت که در «ظرفیت ظرفیت» یا «سیاست سیاست»، یکی معنای وصفی دارد و دیگری معنای موضوعی؟

ج: حتماً سیاست دوم معنای موضوعی دارد و سیاست اولی، معنای وصفی.

س: پس باید بگوئیم: «سیاسی سیاست» یا «فرهنگی فرهنگ».

ج: به صورت وصف و موصوفی همین‌گونه است که دومی موضوع است و اولی وصف.

س: پس می‌توانیم بگوئیم «سیاسی سیاست»، «اقتصادی اقتصاد».

ج: من قانونی در این باره ندیده‌ام. ولی می‌توان هم به مفاهیم روشی تناظر داد که قالب‌های آن «ظرفیت، جهت و عاملیت»، «توسعه، ساختار و کارایی»، «هماهنگی، وسیله و زمینه» است و هم می‌توان قالب‌ها را از نظام اصطلاحات اولیه اخذ کرد. همچنین می‌توان وصف و موصوف کرد که دومی موصوف باشد و اولی وصف. بعد که پائین می‌آئید، وقتی به «فرهنگ سیاست» می‌رسید، «فرهنگ» در اینجا وصف است و سیاست، موصوف. یعنی می‌توان وصف و موصوف را در همه جریان داد. به نظر من این کار هم اشکالی ندارد، ولی اجمالاً می‌خواهیم بگوئیم که چگونه معنا می‌کنیم. البته باید آئین‌نامه معنی کردن را استخراج کرد که من تا الآن در جایی ندیده‌ام. یک معنای «معنا کردن» همان بحث «مصادقی،

فلسفی و روشی» است که آثار را در مفهومی که علت آن اثر است، مندرک کرده و موضوع درست می‌شود و [بعد جهت را در آن ملاحظه کرده و علت ایجاد آن موضوع را در نگاه تاریخی ملاحظه می‌کنیم]: «فعل موضوعاً، موضوعات فعل و آثار فعل». بطور مثال مداد وسیله نوشتن است و اثر آن بجا گذاشتن نقوشی روی کاغذ است. این برای انتقال سواد است. در مرحله بعد سواد را در معنای فلسفی برده «گذشته، حال و آینده» آن را لحاظ کرده و جهت داری را در آن ملاحظه می‌کنیم، یعنی محض می‌شود. سواد در نزد متألهین چه معنایی دارد، در نزد التقاطیون چه معنایی دارد و در نزد کفار چه معنایی دارد. بنابراین می‌خواهیم با زاویه دید اختیار و بر اساس فلسفه تاریخ به سواد نگاه کنیم. [پس معنا کردن انواع مختلفی دارد]. ولی آئین‌نامه‌ای از آن در نیامده است. فعلاً می‌خواهیم گزارش دهیم که چگونه جدول جامعه را در قالب ۱۳ جدول روش تحقیق برده‌ایم.

حجة الاسلام روح اله صدوق: پس نه عنوان «گرایش، بینش و دانش»، «توسعه، کلان و خُرد»، «جهانی، بین‌المللی و ملی» بدست آمد. این نه عنوان را به عنوان «ابعاد» قرار دادیم که عناوین زیرساختی ما هستند و سه تا سه تا، در بالای ۳ جدول تحلیلی که داشتیم، در قسمت ابعاد جا می‌دهیم.

ج: یعنی در تولید جامعه‌شناسی بر اساس قالب ۱۳ جدول نظام مقایسه، باید ۳ بار ابعاد ملاحظه شود.

س: ابعاد ۱، ابعاد ۲ و ابعاد ۳.

ج: بله! فرق آن با «صورت صورت» - که قبلاً گفتیم - این است که «صورت صورت»، فقط یک جدول ۲۷ تایی بود، ولی اگر بخواهید جدول تعریف را کامل کنید، باید از سه بعد «توسعه، ساختار و کارایی» سه بار مواد تولید شود. یعنی «ابعاد توسعه‌ای»، «ابعاد ساختاری» و «ابعاد کارایی» که در جدول آمده و «فرهنگ، فلسفه و زیرساخت» را نتیجه داده است. بنابراین باید سه بار مواد سازی انجام بگیرد. چون می‌خواهید با جدول تعریف، یک موضوع را رصد کنید. یعنی می‌خواهید سه بعد را در هم ملاحظه کنید. از این رو جدول تعریف، به این معنی است. برای اینکه بتوانیم سه بعد یک موضوع را ببینیم، مجبور هستیم که سه بار ابعاد را ملاحظه کنیم. چرا یک‌بار کفایت نمی‌کند؟ زیرا فقط در «صورت صورت» است که یک‌بار ملاحظه می‌کنیم، ولی اگر بخواهیم صورت مواد را ببینیم، باید سه بعد ببینیم.

س: بعد، ابعاد را در هم ضرب می‌کنیم و ۳ تا ۹ عنوان بدست می‌آید که مجموعاً ۲۷ عنوان نتیجه می‌دهد که «جهت‌گیری، موضع‌گیری، مجاهده»، «گمانه، گزینش، پردازش»، «تجزیه، تحلیل و ترکیب» از ضرب گرایش، بینش و دانش در هم بدست می‌آید. این ۲۷ تا به عنوان ارکان «فرهنگ، فلسفه و زیرساخت» شاخصه‌های ارزیابی جامعه قرار می‌گیرند و البته سطح فرعی کار نیز به حساب می‌آیند.

ج: چه جدولی به شما تحویل می‌دهد؟

س: جدول ۲۷ تایی.

ج: جدول نظام اصطلاحات را تحویل می‌دهد. یعنی وقتی ابعاد را در هم ضرب کنید و ۹ مفهوم را معنی کنید، اولین جدول ۲۷ تایی بدست می‌آید. اگر این کار سه بار تکرار شود، آن وقت، سه تا جدول ۲۷ تایی نظام اصطلاحات خواهیم داشت.

س: بعد عناوین جدول نظام اصطلاحات را به صورت ستونی در جدول تعریف می‌بریم. بعد در جدول تعریف....

ج: دقت کنید که رفتن ما به طرف جدول تعریف، خطی نیست، بلکه رفت و برگشتی است. این گونه نیست که یک جدول را به طور مطلق کامل کنیم و بعد سراغ جدول دیگر برویم و در جدول دوم نیز حرکت مطلق نیست، بلکه ورود

اولیه ما در جدول تحلیل است، یعنی ابعاد ۱ و ۲ و ۳ در جدول تحلیل قرار می‌گیرند. بعد وقتی ابعاد در هم ضرب شد، ۳ تا ۹ عنوان تحویل می‌دهد. بعد از این همه مراحل است که این سه تا ۹ عنوان، در سه جدول نظام اصطلاحات قرار می‌گیرند.

پس وقتی صورت صورت را می‌دیدیم، مستقیم وارد جدول اصطلاحات می‌شدیم، ولی حالا که می‌خواهیم رصد کنیم، به ماده نیاز داریم. بنابراین باید ماده تولید شود. با ماده تولید کردن (دو بار ضرب کردن) است که مقدمات رفتن به جدول اصطلاحات انجام می‌شود.

س: نظم قرارگیری خانه‌ها در جدول تعریف، در بالای هر خانه ستون آدرس و در جدول نظام اصطلاحات، قید شده است. بیان شد که در جدول تعریف، سه قیدی‌ها را تبدیل به ۲ تا دو قیدی می‌کنیم که قید وسط به عنوان حد وسط در هر دوی ۲ قیدی‌های ذکر می‌شود و ستون خُرد و تبعی را در جدول تعریف پر می‌کند. بعد این دو قیدی‌ها معنی می‌شود و نسبت بین این معانی در ستون ضرورت بررسی موضوعات می‌آید.

ج: پس اولین بار است که جدول ۲۷ تایی در جدول‌های تعریف ۱ و ۲ و ۳ (نه صفر)، در حال تعریف شدن است. یعنی اولین مرحله تعریف ۲۷ تایی. اما همان ۲۷ تایی هم [که هر کدام سه قیدی بود] باید به ۲ قیدی تبدیل شود. بعد نسبت بین آن‌ها ملاحظه شود و ۲۷ معنی بدست آید. پس الآن شما از جدول اصطلاحات به جدول تعریف زیر مجموعه ۱، ۲ و ۳ (نه صفر) رفتید؛ زیرا در این مجموعه ۱۳ جدولی، ۴ جدول تعریف وجود دارد. سه جدول به شماره‌های ۱، ۲ و ۳ داریم و یک جدول هم وحدت این سه جدول است که عنوان «صفر» دارد. پس منظور ما در این جا، جداول تعریفی است که زیر مجموعه هستند. نتیجه این‌که در این جداول ۲۷ عنوان را معنی کردید و بعد؟

س: تا این جا ستون‌های میانی (ضرورت بررسی موضوعات، مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف، تبعی و خُرد) پر شده است و هنوز ستون‌های «کلان، توسعه، اصلی و فرعی» خالی است. در جدول تحلیل، آن عناوین سه قیدی در سمت راست قرار می‌گیرد و معانی‌ای که از نسبت سنجی بین دو قیدی‌ها بدست آمده بود، در سمت چپ قرار می‌گیرد. بعد سه تا سه تا معنی شده و سه مفهوم بدست می‌آید که جلوی آن‌ها نوشته می‌شود. بعد آن ۹ مفهوم را در ستون کلان و سه مفهوم دیگر را در ستون توسعه جای می‌دهیم. به این صورت، جداول زیر مجموعه تکمیل می‌شوند.

برادر علی محمدی: ستون فرعی را که قبلاً داشتیم.

حجة الاسلام روح الله صدوق: نه! فرعی را نداشتیم.

برادر علی محمدی: در جدول تجزیه....

حجة الاسلام روح الله صدوق: در جدول تحلیل داشتیم، ولی هنوز آن را در جدول تعریف مان نیاورده بودیم.

برادر علی محمدی: پس داشتیم، ولی نیاورده بودیم.

حجة الاسلام روح الله صدوق: بله! ان شاء الله در این جلسه روشن می‌شود که این سه جدول تعریفی که درست شده بود، چگونه در جدول صفر به وحدت می‌رسد و این‌ها با هم چگونه سه بعد یک مجموعه را نشان می‌دهند.

۱- چگونگی قرارگیری جداول تعریف «۱، ۲ و ۳» در جدول تعریف صفر

ج: پس وارد بحث امروز می‌شویم.

سه جدول تعریف ما درست شد. ما سه جدول به شماره‌های ۱، ۲ و ۳ داریم که ستون «خُرد» و «تبعی» آن‌ها دو

قیدی است و عنوان موضوعی ندارد. قسمت‌های «اصلی و فرعی» و «توسعه و کلان» دارای عنوان هستند، اما در ستون «خُرد و تبعی» اصطلاحات دو قیدی وجود دارد.

حجۀ الاسلام زیبایی‌نژاد: فرض هم این است که دو ستون «ضرورت بررسی موضوعات» و «مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف» خالی هستند.

ج: نه! این دو هم هستند و کاری به آن‌ها نداریم.

س: اگر این دو باشد که نمی‌توان....

۱/۱- چگونگی قرارگیری ستون مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف جداول «۱، ۲ و ۳» در جدول تعریف صفر

ج: نه! آن مرحله تمام شد و همین جدول به همین شکل روبروی ما است. الآن به همین دقت کنید. دو ستون است که دو قیدی و به صورت وصف است و برای مقدمه کار دیگری بوده است، ولی الآن به آن احتیاجی نیست. حالا می‌خواهیم جداول ۱ و ۲ و ۳ را در جدول صفر ببریم. [در جدول صفر] ستون «مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف» از حالت سه قیدی در می‌آید و [مثلاً در قسمت اول، «جهت‌گیری گمانه: تجزیه، تحلیل، ترکیب» نوشته می‌شود و این طور خوانده می‌شود:] جهت‌گیری گمانه تجزیه، جهت‌گیری گمانه تحلیل، جهت‌گیری گمانه ترکیب و سه تا سه تا می‌شود. به این ترتیب سه جدول نظام اصطلاحات وارد ستون «مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف» شد و به جای ۲۷ خانه، ۸۱ خانه شد که این ۸۱ خانه را در این خلاصه کردید.

۱/۲- چگونگی قرارگیری ستون‌های کلان هر سه جدول در ستون تبعی جدول صفر

بعد [اصطلاحات درونی] ستون‌های خُرد و تبعی حذف شدند و ستون‌های کلان و فرعی در جدول ۱ و ۲ و ۳ (۲۷ عنوان) هم وارد ستون «خُرد و تبعی» جدول صفر شدند.

۱/۳- چگونگی قرارگیری ستون‌های توسعه و اصلی جداول «۱، ۲ و ۳» در ستون کلان و فرعی جدول صفر

بعد ۳ تا ۳ عنوان که قبلاً [در ستون‌های «توسعه» جداول ۱ و ۲ و ۳] داشتیم، وارد ستون کلان [جدول صفر] شدند و ستون «فرعی» [جدول صفر] هم همین‌طور.

برادر حیدری: این قسمت را می‌شود یکبار دیگر بفرمایید.

ج: یعنی ستون نظام اصطلاحات که در جداول ۱ و ۲ و ۳ قرار داشت (ستون مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف) و ۲۷ تا سه قیدی در آن بود، خلاصه شد و به سه تا ۲۷ تایی سه قیدی تبدیل شد و در نتیجه ۸۱ خانه را در ۲۷ خانه خلاصه کردیم. بعد ستون «خُرد» و «تبعی» که برای معنا کردن، مقدمه بودند، حذف شدند و عناوین کلان جداول ۱ و ۲ و ۳، جایگزین ستون «خُرد» جدول صفر می‌شوند. عناوین «فرعی» در جداول ۱ و ۲ و ۳ (۲۷ عنوان) وارد ستون «تبعی»

جدول صفر شدند. عناوین «توسعه» هم در جداول ۱ و ۲ و ۳ (۹ عنوان) در ستون «کلان» جدول صفر قرار گرفتند و عناوین «اصلی» در جداول ۱ و ۲ و ۳ (۹ عنوان) هم در ستون «فرعی» در جدول صفر آمدند.

برادر انجم شعاع: علت این کار چه بوده و چه نیازی به این کار بوده است؟

ج: علت آن این است که بار اول سه بار در هم ضرب شدند، حالا می‌خواهیم وحدت آن را در یک جدول ببینیم و «یک» موضوع را تعریف کنیم. به عبارت دیگر این، مقدمات سیر تولید است و [قسمت] نهایی آن، جدول صفر است که همه را تا آخر می‌پوشاند و هیچ ردیفی از آن زاید نیست. بر این اساس یک ستون نظام اصطلاحات به صورت ۸۱ قیدی دارد، یک ستون با ۸۱ عنوان، موضوع دارد و هم چنین ستون موضوعات «تبعی» و «خُرد» و ستون «فرعی» و «کلان» و ستون «توسعه» و «اصلی». حالا این جدول کامل شد.

حجة الاسلام زیبایی‌نژاد: عناوینی که بعد از ستون توسعه در سمت چپ و بعد از ستون اصلی در سمت راست نوشته شده، از کجا می‌آید؟

ج: لطفاً اجازه بدهید تا توضیح داده شود.

برادر انجم شعاع: مثلاً سه اصطلاح اولیه در ستون خُرد جدول، همگی با هم به اولین اصطلاح ستون «مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف» آمد و «جهت‌گیری گمانه: تجزیه، تحلیل و ترکیب» شد.

ج: نه! دو قیدی‌ها حذف شدند. سه قیدی‌های جدول ۱ و ۲ و ۳ با هم در جدول صفر قرار گرفتند.

حجة الاسلام آل یاسین: آیا منظور شما از حذف نکردن این است که ستون‌های خُرد و تبعی حذف می‌شوند؟

ج: اصطلاحات درون این دو ستون، مقدمه‌ای برای معنا کردن اصطلاحات سه قیدی بودند.

س: که از آنها استفاده کرده‌ایم و دیگر به آنها نیازی نداریم!

۲- بیان جایگاه هر کدام از ستون‌ها در تعریف یک موضوع

۲/۱- قرارگیری عناوین «خُرد، کلان و توسعه» بعنوان شاخصه‌های عناوین «تبعی، فرعی و اصلی»

ج: یعنی در جدول اصلی [جدول صفر] عناوین دیگری نیاز داریم [که به جای آنها خواهیم گذاشت]. در حال حاضر جدول ما فی‌الجمله تمام شده است و اکنون می‌خواهیم با این جدول یک موضوع را تعریف کنیم.

عناوین «خُرد، کلان و توسعه» [سه ستون سمت چپ]، شاخصه‌های عناوین «تبعی، فرعی و اصلی» [سه ستون سمت راست] هستند. سه دسته موضوع [در سمت راست جدول] داریم که تبدیل بین آنها صورت می‌گیرد، به این ترتیب که موضوعات تبعی به موضوعات فرعی تبدیل می‌شوند و موضوعات فرعی هم به موضوعات اصلی تبدیل می‌شوند.

۲/۱/۱- قرارگیری ستون‌های تبعی بعنوان موضوعات گردش عملیات در موضوع مورد بررسی

این مطلب را با مثالی توضیح می‌دهیم. حاج آقای حسینی (ره) در روش تولید معادلات کاربردی، بحث بیمارستان را

مطرح می‌کنند.^۱ در این بحث حاج آقای حسینی(ره) مثال زیبایی را طراحی می‌کنند، حال این مثال خدمت شما توضیح داده می‌شود:

در هر پدیده‌ای، مانند بدن، گردش از افعال وجود دارد که به آن «گردش عملیات» می‌گویند. مثلاً در بدن شما این گردش عملیات مشخص می‌کند که چگونه نور، هوا و غذا جذب بدن شما شود، یعنی ورودی آن مشخص می‌شود، چه عملیاتی بر روی آن انجام شود و سپس فرد بر اساس این عملیات می‌تواند افعالی را انجام دهد. در خصوص بیمارستان، ایشان عناوین «پذیرش، تشخیص و درمان» را مطرح می‌فرمایند. افراد به این دستگاه [بیمارستان] مراجعه می‌کنند و این به معنای «پذیرش» است. سپس این مسائل می‌شود که چگونه مشکل آن‌ها تشخیص داده می‌شود (تشخیص) و در نهایت چگونه به بخش مخصوص بیمارستان منتقل شده و مورد درمان قرار گرفته و در نهایت مرخص می‌شوند، (درمان). به این فرآیند، گردش عملیات گفته می‌شود.

حال ستون تبعی در جدول تعریف، بیانگر گردش عملیات در موضوع مورد نظر ماست. در مثال بیمارستان، «انسان، ابزار و امکان» به عنوان موضوعات فرعی در ستون فرعی قرار می‌گیرند، زیرا در بیمارستان افرادی مانند: پرستار، دکتر، کارگر و ... کار می‌کنند که ابزارهایی مانند: آزمایشگاه و ... در اختیار آن‌هاست. امکاناتی نیز در آن وجود دارد، ساختمان بیمارستان، خودرو و ... امکاناتی است که در موضوع بیمارستان وجود دارد.

۲/۱/۲- قرارگیری عناوین فرعی بعنوان عناوین مدیریت در موضوع مورد بررسی

نکته مهم در جدول این است که چگونه باید گردش عملیات (موضوعات تبعی) به عناوین «انسان، ابزار و امکان» (موضوعات فرعی) تبدیل شود که نسبت میان آن‌ها «تعادل» باشد!

تعادل به این معناست که بیمارستان خوب کار کند، یعنی هنگامی که دغدغه استخدام پزشک دارد، معلوم باشد که چند پزشک در این بیمارستان لازم است، مشخص باشد که چند نفر متخصص قلب یا ریه و ... مورد نیاز است، بنابراین باید متناسب با این نیروی انسانی، ابزارهای مورد نیاز وجود داشته باشد، مکان و فضای کافی برای فعالیت آن‌ها وجود داشته باشد و در نهایت بیمارستان در نسبت میان این عناوین بتواند به خوبی عمل نماید و راندمان آن‌قدر بالا باشد که بتواند گردش عملیات آن را پشتیبانی نماید. هنگام مراجعه بیمار باید به مقدار مورد نیاز پزشک وجود داشته باشد. نباید بیماران معطل شوند و کارها باید سر وقت انجام شود.

پس نسبت میان عناوین فرعی [«انسان، ابزار و امکان»]، نسبت‌های کلان در مطالعه یک موضوع و نسبت‌های انتزاعی می‌باشد. لذا انتزاع در دستگاه روشی ما به این معناست. یعنی گاه در یک سیستم و دستگاه، اجزاء فقط به صورت تک به تک ملاحظه می‌کنیم که این نگاه لایه ای به موضوع است. مثلاً در یک لایه، به این توجه می‌کنیم که نیروی انسانی چقدر حقوق می‌گیرند، چگونه باید سازماندهی شوند، این نگاه لایه‌ای در عناوین فرعی، (یعنی «انسان، ابزار و امکان») اتفاق می‌افتد. در این نگاه انتزاعی، نسبت‌های میان عناوین باید به گونه‌ای باشد که سرعت گردش عملیات مناسب باشد.

۲/۱/۳- قرارگیری موضوعات اصلی بعنوان اوصاف آبرومندی «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» یک مجموعه

همه آن‌چه از عناوین تبعی و فرعی بیان کردیم، برای این است که سه وصف دیگر به دست آید: این سه وصف،

^۱. این بحث را از آن منبع استخراج کرده و بیاورید.

این سه وصف، آبرومندی «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» یک مجموعه را تامین می‌کند. آبرومندی به چه معناست؟! یعنی مردم یکدیگر را توصیه می‌کنند که برای درمان بیماری خود به فلان بیمارستان مراجعه کنید. در نتیجه آوازه یک بیمارستان فراگیر می‌شود. [این آبرومندی سیاسی است.] متخصصان از همه جا تماس می‌گیرند و می‌خواهند که در آن بیمارستان مشغول کار شوند و ناگزیر می‌شوند که در صف بایستند! [آبرومندی فرهنگی]. سرمایه‌داران نیز اعلام می‌کنند که حاضر هستند پول خود را در خدمت آن بیمارستان قرار داده یا وقف آن کنند. بعضی می‌خواهند سود بیشتری به دست آورند، اما همه باید در صف بایستند تا بتوانند سهام آن بیمارستان را بخرند [آبرومندی اقتصادی].

پس عناوین اصلی [سمت راست جدول تعریف] همیشه آبرومندی یک موضوع است. اگر بتوانند سطح مدیریت و برنامه‌ریزی (یعنی «انسان، ابزار و امکان» [که موضوعات فرعی می‌باشد]) را به خوبی سازماندهی کنند، در موضوعات و محصولاتی که ارائه می‌شود، مورد توجه مردم قرار گرفته و بیماران پس از درمان بگویند: خدا خیرشان بدهد، پولشان حالشان باشد! بنابراین سازماندهی مناسب موضوعات فرعی، باید بتواند آبرومندی «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» ایجاد کند. به عبارت دیگر سازمانی موفق است که نیروی انسانی، پول و مقدرات به دنبال او بدود!

درباره بدن انسان نیز همین‌گونه است، وصف «روحی، ذهنی و رفتاری» برای انسان آبرومندی ایجاد می‌کند. بخش سیاسی آن، نریختن آبروی شخصی است، بخش فرهنگی آن این است که سطح ادراکات و تحلیل او از مسائل بالاتر برود تا محل رجوع مردم شود و گره مشکلات آن‌ها را باز نماید و بخش اقتصادی آبرومندی شخص نیز مسائل مالی اوست.

۲/۲- قرارگیری عناوین «خرد، کلان و توسعه» بعنوان شاخصه‌های ارزشی موضوعات «اصلی، فرعی و تبعی»

این، موضوعات سمت راست جدول می‌شود. اما سمت چپ جدول (خرد، کلان و توسعه) شاخصه‌های ارزشی در سه سطح خرد و کلان و توسعه است. اگر بخواهید گردش عملیات وضع موجود را ملاحظه کنید، شاخصه‌های آن در سطح خرد، این [عناوین] است.

حجة الاسلام موشح: آیا آثار، یعنی شاخصه‌ها.

ج: بله! ولی نه شاخصه‌های اصطلاحی منطق مجموعه‌نگری. در منطق مجموعه‌نگری، شاخصه‌ای که تعریف می‌شود...

س: آزمون و خطاست.

ج: یعنی در آزمایش است؛ نه در حفظ جهت.

حجة الاسلام کشوری: [عناوین جدول]، شاخصه عینی نیستند.

ج: نه! این‌ها نیز عینی هستند، اما عینی بودنشان در حفظ جهت است.

حجة الاسلام موشح: نه در کارکرد و کاربردی بودن.

ج: یعنی در گردش عملیات و درست کردن شرایط آزمون و تعریف شاخصه، و همچنین در پژوهش «کتابخانه‌ای، نظری و میدانی» [مطرح می‌شود] که

س: که در یک آزمایش خاص می‌گویند اگر رنگ این قرمز شد، اسیدی است و اگر آبی شد، باز است.

ج: احسنت! که آن وقت مجبورید برای آن شاخصه تعریف کنید.

اما در قسمت خُرد جدول روش تحقیق، یک سنجش قیاسی وجود دارد که در این سنجش قیاسی سه تقسیم «واحد‌ها، تعادل و ضرائب» آمده است. در [جدول] تحقیقات کاربردی، این «واحد‌ها، تعادل و ضرائب» برای ما سه کار انجام می‌دهد: ۱- تعیین شاخصه ۲- تشخیص وضعیت ۳- تحلیل برنامه

بر این اساس در اینجا، منظور از «تعیین برنامه»، درون سیستم است، نه در نظام متقوم. پس قطعاً وقتی می‌خواهیم یک سیستم را کنترل نماییم، یک تعریف برای تعیین شاخصه وجود دارد که مانند دستگاه فشار خون می‌باشد؛ یعنی با وصل کردن دستگاه به دست انسان، جریان خون در بدن بر آن اثر گذاشته و سپس با نشان دادن درجه‌ای مشخص می‌کند که فشار خون این انسان، چند درجه می‌باشد. حال برای تعیین شاخصه در درون سیستم نیز نیاز به ابزار است تا بتوان با یک آثاری، گردش خون، گردش نور و... را کنترل کرد. لذا آنجا نیز یک نوع شاخصه می‌خواهد.

اما شاخصه‌ای که در جداول نظام مقایسه است، شاخصه ارزشی است و سه بار با این شاخصه‌ها (گردش عملیات، کلان و آبرومندی نظام) وزن می‌کنید.

حجة الاسلام موشح: یعنی نسبت ما را به هدف نشان می‌دهد.

ج: بله! یعنی بهینه هدف. بنابراین از این جدول (جدول نظام مقایسه)، چیزی به غیر از «بهینه هدف» بدست نمی‌آید. البته این نیز در سه سطح می‌باشد:

۱. هدف خُرد؛ در گردش عملیات

۲. هدف کلان؛ در عناوین فرعی و انتزاعی (انسان، ابزار و امکان)

۳. هدف توسعه؛ در موضوعات اصلی و آبرومندی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

حجة الاسلام زیبایی‌نژاد: چرا اسم این شاخصه‌ها را «ارزشی» گذاشته‌اید؟

۳- بیان سه معنی از جایگاه توسعه در جدول تعریف (۱- نسبت به جدول شامل خود ۲- وزن کردن ۳- حرکت از تعریف به سمت معادله)

ج: منظور این بود که شاخصه در کل این جدول نظام مقایسه، تعریف ارزشی دارد. لذا در بیان «صورت هدف» گفته شد که صورت‌بندی‌ها برای کنترل ارزشی موضوع است. بنابراین کنترل سیستمی - نه جهتی - موضوع، با این [شاخصه‌های] جدول تعریف انجام نمی‌گیرد.

حجة الاسلام موشح: یعنی از این جدول در آزمایشگاه‌ها استفاده نمی‌شود.

ج: البته سایه این [جدول تعریف] بر آزمایشگاه‌ها می‌افتد؛ یعنی به صورت نمونه، استراتژی‌های ارتقاء علم فیزیک در این [جدول تعریف] تعیین می‌شود و سپس تقسیم کار شده تا پروژه‌هایی تعریف شود؛ اما بعد از تعریف شدن، دوباره باید در خود سیستم، شاخصه تعیین شود که این شاخصه، دیگر برای کنترل خود موضوع است، نه کنترل جهت؛ زیرا کنترل جهت، یکبار انجام شد و حال می‌خواهیم موضوع سیستم را کنترل نماییم.

س: پس این جدولی که شما می‌فرمایید، هم جدول شاخصه است و هم جدول تعریف. یعنی هر دو را با هم داراست.

ج: جدول تعریف، چیزی به غیر از طبقه‌بندی فلسفی از حرکت موضوعات درون یک موضوع و دادن شاخصه برای کنترل جهت نیست.

س: شما در جلسات گذشته فرمودید که [در جدول تعریف] سه چیز وجود دارد: ۱. نظام اصطلاحات ۲. تعریف ۳. نظام شاخصه.

ج: هدف از آوردن «نظام اصطلاحات» این است که زیرساخت تمام کارها را نشان دهد...

س: یعنی این جدول، «نظام اصطلاحات»، «طبقه‌بندی فلسفی موضوعات موضوع عام» و «نظام شاخصه ارزشی» را نشان می‌دهد.

ج: بله! حال بعد از معنا شدن، می‌خواهیم بگوییم ستون موضوعات و ستون شاخصه‌ها، فقط کیفی نیست، بلکه وزن کمی را نیز داراست، یعنی وزن مطلوب دارد. پس وقتی گفته می‌شود با این سه ارزش (سه ارزش ستون خُرد) بخشی از یک موضوع ملاحظه می‌گردد، باید کم آن نیز مشخص شود. لذا به طور مثال گفته می‌شود، «این موضوعات با این شاخصه‌ها مطالعه می‌شود، با سه وزن ۶۴، ۳۲ و ۱۶» از این رو، «توسعه» به این مطلب بر می‌گردد. زیرا دائماً یک سؤال در مباحث روش تولید تعاریف کاربردی وجود دارد که وقتی گفته می‌شود «در جدول تعریف، یک طرف، «ساختار» و طرف دیگر «کارایی» و بالا «توسعه» است» به چه معناست که با این توضیحات مشخص شد که قسمت بالا، توسعه نیست، بلکه این اعداد هستند که معنای توسعه دارند.

برادر انجم‌شعاع: یعنی نسبت بین این دو، توسعه است.

ج: این که گفته می‌شود: «نسبت بین این دو»، یک بیان کمی دارد که آن بیان کمی، «توسعه» است.

حجة الاسلام زیبایی‌نژاد: آیا خود «توسعه»، جدول [و بیان] کیفی ندارد؟

ج: جدول توسعه، همین اعداد است. زیرا هدف شما وزن کردن بود و همان وزن کردن، توسعه است. توضیح آن که با این شاخصه‌ها، به جامعه نگاه می‌شود و با جهت‌گیری مشخص می‌گردد که ارزش‌ها در پایین جدول قرار گرفته و به آن وزن ۱۶ داده شده است.

س: این تحلیل وضع موجود می‌شود؛ حال اگر بخواهیم وضع مطلوب را تحلیل نماییم، به چه صورت است؟

ج: دیگر آن بحث، در مباحث معادله قرار می‌گیرد. اما هنوز در بحث تعریف هستیم. در تعریف می‌خواهیم به یک شیء —چه انسان و چه جامعه— نگاه کنیم. برای این مطلب، طبقه‌بندی موضوعی انسانی، طبقه‌بندی موضوعی جامعه و شاخصه‌های نگاه کردن مشخص می‌گردد و سپس آن را وزن می‌کنیم. یعنی می‌خواهیم «توسعه» این شیء دیده شود. به عبارت دیگر، توسعه است که ما را به سمت معادله و تصرف می‌برد. بر این اساس در بالای ستون اعداد، عنوان «ارزش» قرار می‌گیرد. زیرا ارزش به معنای توسعه است. بنابراین، این که در بین شاگردان حاج آقای حسینی گفته می‌شود، «توسعه» در بالای جدول تعریف قرار دارد، به این معنا [مطلب نادرستی بوده است].

البته توسعه معنای دیگری نیز دارد و آن این که اگر با این ارزش‌ها، وزن کردن صورت گرفت و مشخص شد که وضع این شیء نابسامان است و بیمار می‌باشد و با این مطالعه، می‌خواهید در آن تصرف کنید و برنامه ارتقاء دهید، برنامه

ارتقاء از وزن کردن سه بار در سطح خُرد، کلان و توسعه صورت می‌پذیرد. پس این ردیف‌های بالای جدول که بعد از تعریف، با آنها برای اگر و آنگاه (معادله) کار می‌کنید، معنی توسعه خواهد داد.

بنابراین «توسعه» به چند معنا توضیح داده شد:

۱. نسبت به جدول بالاتری خود

۲. معنای وزن کردن

۳. حرکت از تعریف به سمت معادله؛ یعنی وقتی از بالا بین این ستون‌ها حرکت می‌کنیم، دائماً مطالعه کرده و کنترل و تبدیل می‌نماییم و این به معنای فاعلیت کردن است. زیرا فاعلیت، با توسعه صورت می‌گیرد. از این رو، زمانی که از تعریف بیرون می‌آییم و می‌خواهیم اگر و آنگاه‌های معادله را درست نماییم، به معنای [تصرف و] به هم ریختن ساختارها و عوض کردن جای شاخصه‌ها می‌باشد. به طور مثال در تحلیل وضع موجود می‌بینید ارزش فلان موضوع در پایین جدول قرار دارد و ما با تصرفات خود، آن را بالا می‌بریم.

برادر انجم‌شعاع: این جدول آیا در مرحله تغییرات است یا در مرحله تکامل؟

ج: اصلاً این جدول، جدول زمان و مکان است؛ جدول وحدت و کثرت است. از این رو، جدول تعریف انتزاعی یا مکانیکی نیست. توضیح آن‌که دستگاه سیستمی از یک شیء به صورت مکانیکی (مثل پنکه) تعریف می‌دهد که در آن، فقط اجزاء و روابط شیء همراه با قانون ثابت آن ارائه می‌شود. اما وقتی به جدول تعریف فرهنگستان، جدول هدف و ارزش گفته می‌شود، منظور، مطالعه انسان است. بر این اساس وقتی بتوان انسان را کنترل کرد، قطعاً می‌توان فاعل‌های تبعی (مثل پنکه و فرزند ممیز انسان) را نیز کنترل نمود. وقتی می‌توان رفتار کسی که از حد پرچمدار ائمه کفر به طرف حد پرچمدار توحید حرکت می‌کند را پیش‌بینی و کنترل نمود، قطعاً می‌توان امت‌ها، عوام مردم، صنف‌ها و همه چیز را کنترل کرد.

حجة الاسلام موشح: با توضیحات جنابعالی، جایگاه تمام عناوین و اصطلاحات مشخص گردید، اما با اتمام کار، ستون عناوین و نظام اصطلاحات بی‌استفاده می‌شود. زیرا ما فقط دو ستون سمت راست و چپ را می‌خواهیم و دیگر این عناوین و اصطلاحات بی‌فایده می‌شود.

ج: درست است که هر مرحله به جلو حرکت می‌کنیم، دیگر مرحله قبلی بی‌فایده می‌شود، اما این دو ستون در جدول تعریف، موضوعیت دارد و فقط وقتی کار تمام می‌شود و به سمت معادله حرکت می‌کنید و می‌خواهید از موضع کثرت به سمت وحدت بروید، دیگر با این دو ستون کاری ندارید و فقط با سه ستون «خُرد، کلان و توسعه» کار دنبال می‌شود، ولی این بحث، در جدول معادله است، نه اینجا، که جدول تعریف می‌باشد.

س: آیا معادله نیز چنین جدولی (جدول تعریف) دارد؟

ج: نخیر! در معادله با همین جدول کار می‌شود.

پس مشخص شد که منظور از توسعه، این اعداد است. حال از پائین جدول، وقتی اعداد ۱، ۲ و ۴ با هم جمع می‌شوند، ۷ می‌شود که در خانه مبدأ نظام بهزیستی^۱ قرار می‌گیرد و به همین ترتیب در خانه بعدی ۱۴ و سپس ۲۸ قرار

^۱. جدول صفر جامعه

می‌گیرد و به همین صورت (دو برابری) جمع زده می‌شود: «۱۴، ۲۸، ۵۶»، «۵۶، ۲۸ و ۱۱۲» و سپس این اعداد هم جمع زده می‌شود: «۴۹، ۹۸ و ۱۹۶» و آخرین خانه [توسعه کارآمدی شاخصه‌های ارزیابی جامعه] نیز می‌شود: ۳۴۳^۱ (که جمع کل می‌باشد). البته این طرف [جدول] نیز همین‌طور است.

پس وقتی اعداد در [مجموعه] ۲۷ تایی است، ۱ تا ۶۴ می‌باشد، اما وقتی می‌خواهد نور را کنترل کند، به این صورت می‌شود: «۱۴، ۲۸، ۵۶ و ۵۶، ۲۸ و ۱۱۲». به عبارت دیگر وقتی می‌خواهیم وزن دادن‌ها را کنترل نماییم، به این صورت می‌شود.

س: آیا در این جا دیگر بحث معادلات است؟

ج: هنوز در حال کامل کردن این جدول [تعریف] می‌باشیم که وحدت [این جدول] عدد ۳۴۳ می‌باشد. زیرا به دنبال آن نبودیم که یک موضوع را تا ۶۴ برده و به صورت فیکس تعریف کنیم و سپس از آن عکس بگیریم و به صورت ثابت بشناسیم. زیرا علت عکس گرفتن و مطالعه کردن ما، رفتن به سمت تصرف و برنامه‌ریزی کردن می‌باشد. از این رو، به این اعداد نیازمندیم.

برادر حیدری: این اعداد چه کار می‌کنند؟

ج: یعنی وقتی از ۲۷ به ۹ تبدیل می‌شود، دیگر با ۱ تا ۶۴ روبرو نیستیم، بلکه با این اعداد روبرو هستیم. به عبارت دیگر مشخص می‌شود که چگونه اعداد به سمت وحدت می‌روند و این ثابت است.

حجه الاسلام آل یاسین: عدد ۷ را از کجا بدست آوردید.

ج: از جمع ۱، ۲ و ۴ بدست آمد. بنابراین پایه شروع خانه نهم، عدد ۷ می‌باشد که در ادامه - بر اساس دو برابری - به این صورت می‌شود: ۷، ۱۴، ۲۸،^۱

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

پایان متن اسناد پژوهشی دوره

^۱. این عدد ۳۴۳ را خود حاج آقا حسینی (ره) بدست آورده‌اند.